



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران

مدرسه علمیه امام حسین (علیه السلام) شهرستان قصر شیرین

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان :

# نقش تربیت دینی خانواده در مقابله با تهاجم فرهنگی

استاد راهنما:

سرکار خانم الهام نجفی

استاد داور:

سرکار خانم اسدی

پژوهشگر:

آذر پاکنژاد

تیر ۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شورای عالی حوزه علمیه قم  
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران  
مدرسه علمیه امام حسین (علیه السلام) شهرستان قصر شیرین  
تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان :

# نقش تربیت دینی خانواده در مقابله با تهاجم فرهنگی

استاد راهنما:

سرکار خانم الهام نجفی

استاد داور:

سرکار خانم اسدی

پژوهشگر:

آذر پاکنژاد

تیر ۱۳۹۵

## تحمیدیه

به نام آنکه هستی نام ازو یافت فلک جنبش زمین آرام ازو یافت  
ای پروردگار مهربان و ای آغاز بی پایان! زبانم را به حمد خود و شکر خود و ذکر و ثنای  
نیک خود گویا کن و دریچه های دلم را در برابر مقاصد دین خود بگشای.  
بار خدایا، درود بفرست بر محمد و خاندان او و مرا عافیت ده، عافیتی کفایت کننده و شفا  
بخش و عالی و افزاینده، عافیتی که از آن در تن من تندرستی زاید، عافیت این جهانی و آن  
جهانی.  
تو را سپاس می گویم به خاطر توفیقی بس عظیم که در نگارش این اثر به من عنایت  
فرمودی.

## تقدیم به

تقدیم به محضر مولا و آقا امام زمان - عجل الله تعالی فرجه شریف -

تقدیم به پدر بزرگوارم که با غیرت خود الفبای زندگی را به من آموخت.

تقدیم به مادر فداکارم که از اول آفرینش، هیچ واژه ای نتوانسته مهر او را معنا کند.

آنانکه بی صدا شکستند

تا طلوع سپیده را نظاره گر باشند.

## تقدیر و تشکر

شکر شایان نثار ایزد منان که توفیق را رفیق راهم ساخت تا این تحقیق پایانی را به پایان

برسانم.

به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بسی شایسته است از استاد فرهیخته

و فرزانه سرکار خانم الهام نجفی که با کرامتی چون خورشید، سرزمین دل را روشنی بخشیدند و

گلشن سرای علم و دانش را با راهنمایی های کارساز و سازنده بارور ساختند؛ تقدیر و تشکر

می نمایم.

## چکیده

حیات بشری همواره با فرهنگ توأم بوده است و جامعه‌ای که فرهنگ مخصوص به خود ندارد، مرده است. فرهنگ بالنده برای تکامل باید با سایر فرهنگ‌ها و جذب عناصر مثبت آن توانایی تبادل داشته باشد. بنابراین، تمام فرهنگ‌ها باید در تعامل با یکدیگر باشند، اما گاهی مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای رسیدن به مقاصد خاص و اسارت یک ملت به برهان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد و باورهای تازه‌ای را به زور به قصد جایگزینی بر فرهنگ‌ها و باورهای ملی آن ملت وارد می‌کند. در این صورت مقاوم سازی نسل در برابر توطئه‌های و قطع زمینه‌های تهاجم پذیری، در درون خانواده‌ها و با تربیت صحیح فرزندان امکان پذیر است. بنابراین با هدف ترسیم نقش خانواده کم مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است، علاوه بر بررسی ابزار تهاجم فرهنگی و راه‌های مقابله با آن، شاخص‌ها و ویژگی‌های مهم محیط خانواده را در این رویارویی معرفی نماییم. نتایج بررسی نشان می‌دهد از آنجا که انسان‌ها در خانواده به هویت و رشد شخصیت دست می‌یابند و فقط در خانواده‌های سالم می‌توانند به تکامل معنوی و اخلاقی برسند، از این رو خانواده تنها عامل کمال بخش، آرامش و بالندگی اعضای خویش است بلکه در تحولات اساسی جوامع نقش عمده‌ای ایفا می‌کند و مذهب و آموزش و حکومت نیز از عملکرد خانواده متأثر می‌شوند. در زمینه مقابله با تهاجم فرهنگی نیز خانواده‌ها می‌توانند با تربیت دینی فرزندان نقش خطیری خود را در جامعه به خصوص جامعه اسلامی به ظهور برسانند. کلید واژه: نهاد خانواده، تهاجم فرهنگی، تبادل فرهنگی، تربیت دینی، تربیت اسلامی.

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱

### بخش اول: کلیات و مفهوم شناسی

#### فصل اول: کلیات

۶	تعریف و تبیین موضوع.....
۷	اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۸	اهداف و فوائد تحقیق.....
۸	بیشترین موضوع تحقیق.....
۹	سؤالات تحقیق.....
۱۰	فرضیه تحقیق.....
۱۰	ساختار تحقیق.....
۱۱	روش تحقیق.....
۱۱	مفاهیم و متغیرها.....
۱۱	محدودیت‌ها و مشکلات و موانع تحقیق.....

#### فصل دوم: مفهوم شناسی

۱۳	خانواده.....
۱۴	تعریف خانواده.....
۱۴	تعریف خانواده از نظر اسلام.....
۱۴	وظایف و کارکرد خانواده.....



۱۵.....	معرفی و مفهوم تهاجم.....
۱۶.....	نوع تهاجم.....
۱۷.....	معنا و مفهوم فرهنگ.....
۱۹.....	تهاجم فرهنگی.....

### بخش دوم: شناخت جایگاه خانواده و رابطه آن با مسأله تهاجم فرهنگی

#### فصل اول: اهمیت خانواده و نقش تربیتی و فرهنگی آن

۲۴.....	معرفی خانواده.....
۲۵.....	اهمیت خانواده و نقش آن.....
۲۷.....	ضرورت وجودی خانواده.....
۲۷.....	۱- نقش تربیتی بی‌عالی‌ترین فرم تربیتی.....
۲۸.....	۲- نقش فرهنگی خانواده.....
۲۹.....	۳- نقش اجتماعی خانواده.....
۳۰.....	نقش والدین در تربیت دینی و اخلاقی.....

#### فصل دوم: تهاجم فرهنگی به نظام خانواده

۳۷.....	امواج رادیویی و تلویزیونی.....
۳۸.....	ماهواره.....
۳۸.....	گروه‌های مخالف شبکه‌های ماهواره‌ای.....
۳۹.....	دلایلی استقبال از شبکه‌های ماهواره‌ای.....

بخش سوم: نقش تربیتی هر یک از افراد خانواده و خویشاوندان در مقابله با تهاجم فرهنگی

#### فصل اول: نقش پدر

۴۹.....	ازدواج و بچدایش نقش پدری.....
۵۱.....	ارتباط پدر و فرزند.....
۵۱.....	نقش پدر در رشد فرزند.....
۵۳.....	نقش پدر در تربیت فرزندان.....
۵۶.....	وظایف اساسی پدر در خانواده.....
۵۹.....	نقش‌های متعدد پدر در قبال فرزند.....

#### فصل دوم: نقش مادر

۶۴.....	نقش مادر.....
۶۵.....	اهمیت نقش مادر در تربیت فرزند.....
۶۹.....	مادران شاغل.....

#### فصل سوم: نقش فرزندان و خویشاوندان

۷۲.....	فرزندان.....
۷۲.....	تأسی متقابل خواهر و برادر.....
۷۳.....	نقش فرزند بزرگ‌تر (ارشد).....
۷۴.....	نقش خویشاوندان.....

## بخش چهارم: راه‌های جلوگیری از تهاجم فرهنگی به خانواده

### فصل اول: شروه‌ها و ابزارهای تهاجم فرهنگی

- ۱- تربیت دست آموز..... ۸۳
- ۲- جدایی جوانان از اعتقادات دینی..... ۸۴
- ۳- تشکلی مسابقات بین‌المللی، ادبی، هنری، علمی، ورزشی منطبق بر ارزش‌های غربی..... ۸۵
- ۴- تلاش در جهت نابودی افکار مخالف..... ۸۶
- ۵- ادعای دلسوزی برای آزادی مطبوعات..... ۸۷
- ابزارهای تهاجم فرهنگی..... ۸۸
- ۱- خبرگزاری‌های بین‌المللی..... ۸۸
- ۲- مطبوعات..... ۸۹
- ۳- رادی و تلویزیون..... ۸۹
- ۴- سررئما، تئاتر..... ۹۱
- ۵- مواد مخدر..... ۹۱
- ۶- کالاهای صادراتی..... ۹۲

### فصل دوم: راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی

- ۱- شناخت فرهنگ و اهداف دشمن در تهاجم فرهنگی..... ۹۵
- ۲- تقویت بخش دینی و سرپرستی..... ۹۶
- ۳- دقت در برنامه‌های آموزش و پرورش کودکان، نوجوانان و جوانان..... ۹۷
- ۴- زدودن فقر اقتصادی..... ۹۸
- ۵- احیای عزت نفس..... ۹۹
- ۶- مبارزه با روحیه تجمل‌گرایی..... ۹۹
- ۷- اشباع رکزهای طبیعی انسان از راه‌های مشروع..... ۱۰۰
- ۸- پیشگیری از نفوذ عوامل فرهنگی دشمن..... ۱۰۱
- ۹- گسترش امر به معروف و نهی از منکر..... ۱۰۲

- نقش خانواده در مبارزه با تهاجم فرهنگی ..... ۱۰۳
- راه‌های پیشگیری از انحراف فکری جوانان ..... ۱۰۴
- ۱- نهادینه کردن باورهای دینی و پرورش اخلاق و فهم اجتماعی ..... ۱۰۵
- ۲- بستر سازی حضور جوانان در مکان‌های مذهبی ..... ۱۰۶
- ۳- تشویق به مطالعه کتاب‌های دینی ..... ۱۰۶
- ۴- تشکیل جلسه‌های مذهبی و ایجاد سرگرمی مناسب ..... ۱۰۷
- ۵- فراهم کردن محیط دوستانه در خانواده ..... ۱۰۸

### بخش پنجم: شروه‌های ترویج فرهنگ اسلامی در خانواده

- ۱- روش‌ها و وسایل تربیت مذهبی فرزندان ..... ۱۱۱
- روش‌ها و شروه‌های مناسب جهت آموزش دینی ..... ۱۱۲
- ۱- داستان سرایی ..... ۱۱۳
- ۲- ایجاد عادات ..... ۱۱۴
- ۳- مجالس و محافل ..... ۱۱۴
- ۴- عبرت آموزی ..... ۱۱۵
- ۵- سره در طبعیت ..... ۱۱۵
- ۶- تفکر و تعقل در امور ..... ۱۱۶
- ۷- تلقین و تذکر ..... ۱۱۶
- ۸- معاشرت و هم‌نشینی با ریکان ..... ۱۱۷
- ۹- استفاده از قرآن ..... ۱۱۷
- ۲- رعایت چند اصل در تربیت ..... ۱۱۸
- الف - اصل تشویق ..... ۱۱۸
- ب - محبت ..... ۱۱۸
- ج - تذکر ..... ۱۱۹
- د- تهدیع ..... ۱۱۹
- ه- سرزنش و قهر ..... ۱۲۰
- و - تنبیع ..... ۱۲۰
- ز - اصل اعتدال ..... ۱۲۰

نتیجه گیری

پیشنهادات و راه کارهای مقابله با تهاجم فرهنگی

منابع و مأخذ

خلاصه تحقیق پالویی

## مقدمه

خدای متعال را شکر و سپاس می‌گوییم که جهاد ما را در این عرصه‌ی بزرگ فرهنگی در راستای یکی از مهم‌ترین مسائل که امروزه در جامعه‌ی ایران اسلامی از اهمیت بسزایی برخوردار است. مسئله تربیت دینی خانواده و مقابله آن‌ها در مقابله با تهاجم‌های فرهنگی قرار داده است. در زندگی بشر همواره فرهنگ جاری بوده و جامعه‌ای که فرهنگ ویژه‌ای ندارد، مرده است. افزون بر این، فرهنگ بالنده برای تکامل باید توانایی تبادل با سایر فرهنگ‌ها و جذب ویژگی‌های مثبت آن‌ها را داشته باشد. بنابراین، تمام فرهنگ‌ها با یکدیگر در تعامل‌اند تا بتوانند بشر را به پیشرفت مطلوب برسانند.

خانواده مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است که پیوسته در حال تأثیر پذیری و تأثیر گذاری دو سویه با فرهنگ و عوامل اجتماعی است. انسان در خانواده به هویت و شخصیت دست می‌یابد و در خانواده سالم به تکامل معنوی و اخلاقی می‌رسد. از این رو خانواده نه فقط عامل کمال بخشی و آرامش و بالندگی اعضای خویش است، بلکه در دگرگونی‌های اساسی جوامع، نقش مهمی ایفا می‌کند. مذهب و حکومت نیز از عملکرد خانواده تأثیر می‌پذیرند و این تأثیرپذیری باعث ایجاد دگرگونی می‌گردد. از آنجا که محیط خانواده کانون انسان‌سازی و اولین آموزشگاه تربیتی انسان است. به همین دلیل تربیت خانوادگی ماندگارترین تربیت است و در حال حاضر دشمنان هدف آن‌ها در مورد خانواده‌هایی است که ضعف تربیتی دارند و در مقابله با تهاجم فرهنگی توانمند نیستند خانواده‌هایی که بی حفاظند و مسئولیت گریزند.

مقاوم سازی نسل در برابر دسپسه‌ها و قطع زمینه‌های تهاجم پذیری در درون خانواده با تربیت صحیح فرزندان امکان پذیر است. یکی از مهم‌ترین ارکان جامعه خانواده است. خانواده بنیان و اساس جامعه‌ی بزرگ است. اگر بنیان یک ساختمان استوار و محکم پایه گذاری شد،

استحکام آن بنا تضمین گشته، در برابر طوفان و هر حوادث دیگری به ویژه اگر جامعه اسلامی بخواهند ارزش‌های اسلامی در میانشان زنده باشد. باید اساساً ترمیم شود تا از شیخون‌های فرهنگی در امان باشند. در خانواده است که آینده سازان هر جامعه رشد و نمو می‌کند. خانواده سالم فرزندان سالمی را به جامعه تحویل می‌دهد. پدر و مادر که دو رکن این جامعه در گرو آن‌هاست. لذا اسلام برای خانواده ارزش والایی را در نظر گرفته است.

در حالی که خانواده باید به یکی از مهم‌ترین وظایف خود در امر تربیت فرزندان بپردازد. متأسفانه پرداختن به مشکلات زندگی و تلاش برای رفاه و لذات بیشتر آن‌ها را از این وظایف مهم تربیتی دور کرده است.

آشنا کردن و متنبه کردن والدین به وظایفشان و ارائه راهکار عملی، هدف پژوهش است و ترسیم نقش خانواده در مقابله با تهاجم فرهنگی، تهاجمی که با جایگزین کردن مسائل غیر دینی و کم رنگ کردن دین در دل‌ها می‌باشد. از زمان پیش از انقلاب اسلامی و حرکت همگانی مردم برای تغییر بنیادین ارزش‌های نظام پهلوی برگرفته از دنیای غرب، دشمنان همواره از طریق برنامه‌های مختلف سعی در اختلال در نظام برنامه‌های کشورمان داشته‌اند پس از آن دشمنان از ادامه رابطه و مصالحه با رهبران جمهوری اسلامی مأیوس شدند به جنگ تحمیلی دامن زدند که خود توانست تضعیف نظام تا نابودی کامل هویت دینی ملی ایران را در بر داشته باشد. البته دشمن از هیچ حربه‌ای فرو گذار نشد. اما رشادت‌ها و ایثار جوانان مانعی بزرگ بر سر راه آن‌ها بودند و باعث ناکامی دشمن شدند.

به همین دلیل دشمن به دلیل شکست‌های مکرر به فکر راه‌های پنهانی‌تر و البته کشنده‌تر برای نابود سازی نظامی افتادند در این دوره تهی سازی معانی ارزشی جامعه مهم‌ترین هدف دشمن قرار گرفت که همان تهاجم فرهنگی یا شیخون فرهنگی می‌باشد، که دشمن بهترین راه نفوذ خود را در خانواده‌ها پیدا کردند.

در این تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی و روش جمع آوری مطالب به صورت فیش برداری از کتاب‌های معتبر کتابخانه‌های و سایر منابع اطلاعاتی به ۵ بخش کار شده است. بخش اول کلیات و مفهوم شناسی که خود به دو فصل کلیات و مفهوم شناسی مجزا شده است و بخش دوم شناخت جایگاه خانواده و رابطه آن با مسئله تهاجم فرهنگی که آن نیز به دو فصل اهمیت خانواده و نقش تربیتی و فرهنگی آن و فصل دوم تهاجم فرهنگی به نظام خانواده. بخش سوم نقش هر یک از افراد خانواده در مقابله با تهاجم فرهنگی که شامل ۵ فصل به تربیت نقش پدر، نقش مادر، نقش فرزندان و نقش خویشاوندان می‌باشد. بخش چهارم راه‌های جلوگیری از تهاجم فرهنگی به خانواده که شامل دو فصل شیوه‌ها و ابزارهای تهاجم فرهنگی و فصل دوم راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی است و در پایان بخش به ۵ شیوه‌ی ترویج فرهنگ اسلامی در خانواده اشاره می‌شود.



**بخش اول:**

**کلیات و مفهوم شناسی**

**فصل اول:**

**کلیات**

## تعریف و تبیین موضوع

تهاجم فرهنگی را باید هجوم و یورش و تجاوز بیگانگان به حریم فرهنگ یک جامعه دانست که اجازه و خواست آن جامعه به آن تعلق نگرفته است. اعم از این که این تهاجم به همه ابعاد و زمینه های فرهنگ آن جامعه یا به برخی از آن ها صورت بگیرد و اعم از این که این یورش توسط ابزار فرهنگی باشد یا در آن از سایر ابزارها که جنبه ی فرهنگی صرف نیز ندارد استفاده شود و حتی اعم از این که تهاجم فرهنگی به قصد ویران کردن فرهنگ یک جامعه و بیگانه نمودن آن جامعه از فرهنگ خود آن ها باشد و یا این که مقصود جایگزینی فرهنگ مهاجمین به جای فرهنگ بومی آن ها نباشد.

خانواده مؤثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادین جامعه است که پیوسته در حال تأثیرپذیری و تأثیرگذاری دو سویه با فرهنگ و عوامل اجتماعی است. انسان ها در خانواده به هویت و رشد شخصیت دست می یابند و فقط خانواده های سالم می توانند به تکامل معنوی و اخلاقی برسند که این خود می تواند کارکرد بازدارنده ای در مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه و نقش مهم در رشد ارزش ها و باورهای دینی کودکان و نوجوانان داشته باشند. برای تقویت بخشیدن و ماندگاری کارکرد خانواده و ثبات فرهنگی آن باید نهادهای فرهنگی برنامه ریزی و خود خانواده هم با برنامه ریزی و آینده نگری پیش رفته و بدانند که رعایت ارزش ها و پسندها توسط والدین موجب واکنش مثبت و تجربه خوشایند و الگو پذیری فرزندان می شود، از این رو خانواده نه تنها عامل کمال بخشی و آرامش و بالندگی اعضای خویش است بلکه در تحولات اساسی جوامع نقش عمده ای ایفا می کند و مذهب آموزش و حکومت نیز از عملکرد خانواده متأثر می شوند.

در زمینه مقابله با تهاجم فرهنگی نیز خانواده‌ها می‌توانند با تربیت فرزندان نقش خطیر خود را در جامعه به خصوص جامعه اسلامی به ظهور برسانند به همین خاطر این تحقیق به دنبال نقش تربیت دینی خانواده در مقابله با تهاجم فرهنگی است.

## اهمیت و ضرورت تحقیق

محیط خانواده کانون انسان سازی و اولین آموزشگاه تربیتی انسان است. به همین دلیل تربیت خانوادگی ماندگارترین تربیت است در حال حاضر دشمنان بیشترین هدف آن‌ها در مورد خانواده‌های است که ضعف تربیتی دارند و در مقابله با تهاجم فرهنگی توانمند نیستند. خانواده‌هایی که بی‌حفاظند، مسئولیت‌گریزند و آن‌هایی که از تربیت فرزندان آگاهی و نیز احساس مسئولیت ندارند و هدف آن‌ها از طریق سایت‌ها، رسانه‌های ماهواره‌ای، فیلم‌ها و ... زیان باری که بیشتر جنایی یا ترویج فرهنگ مبتذل غرب‌اند باعث برانگیختگی احساسات جنسی در جوانان می‌شود و حس ارتکاب به جرم و جنایات را در آن‌ها افزون می‌سازد در چنین شرایطی نقش تربیتی خانواده نیازمند مطالعه دقیق و برنامه ریزی اصلی کارگزاران تربیتی و مؤسسات و فرهنگی مرتبط با خانواده خصوصاً خود خانواده در مقابله با تهاجم فرهنگی برای دور ماندن فرزندان‌شان از آسیب‌های عصر حاضر است بنابراین ضرورتی دیدم تحقیقی پیرامون تربیت دینی خانواده در مقابله با تهاجم فرهنگی به مخاطبین ارائه دهم و این تحقیق می‌تواند به صورت نشریه و مقاله در اختیار ارگان‌های مختلف از جمله آموزش و پرورش و برنامه‌های تربیتی و مشاوران خانواده قرار گیرد تا بتوانند خود را در مقابل با تهاجم فرهنگی ایمن سازند.

## اهداف و فوائد تحقیق

در حالی که خانواده باید به یکی از مهم‌ترین وظایف خویش در امر تربیت فرزندان بپردازد متأسفانه پرداختن به مشکلات زندگی و تلاش برای رفاه و لذت بیشتر، بسیاری از والدین را از وظایف مهم تربیتی دور کرده است. آشنا کردن و متنبه کردن والدین به وظایفشان و ارائه راهکار عملی هدف پژوهش است و ترسیم نقش خانواده در مقابله با تهاجم فرهنگی، تهاجمی که توجهشان را به شیوع عشق‌های زودگذر، مشغول کردن به لوازم و لباس ... و جایگزین کردن مسائل غیر دینی و کم رنگ کردن دین و جایگزین کردن عشق و محبت پوچ به جای عشق و محبت به اهل بیت - علیهم السلام - در دل‌ها می‌باشد و همچنین ارائه راه کارهای آسان و کار آمد به والدین تا ارزش‌های دینی و هنجارهای رفتاری را در فرزندان نیز فراهم آورده باشند اما به عنوان طلبه پژوهشگر وظیفه داریم نیازهای معرفتی و تربیتی خانواده را در قالب همین پژوهش ارائه دهیم لذا هدف اصلی این پژوهش ۱- شناخت جایگاه خانواده و رابطه ی آن با مسأله تهاجم فرهنگی ۲- تهاجم فرهنگی به نظام خانواده ۳- تعیین نقش هر یک از افراد خانواده و این پژوهش باید در اختیار ارگان های مختلف مرتبط با خانواده و حتی خانواده ها قرار گیرد تا بتوانند خود را در مقابل با تهاجم فرهنگی ایمن سازند.

## پیشینه موضوع تحقیق

پیشینه‌ی تاریخی این موضوع از زمان پیش از انقلاب اسلامی و حرکت همگانی مردم برای تغییر بنیادین ارزش‌های نظامی پهلوی برگرفته از دنیای غرب، دشمنان همواره از طریق برنامه‌های مختلف سعی در اختلال در نظام برنامه‌های کشورمان داشته‌اند پس از آن دشمنان از

ادامه‌ی رابطه و مصالحه با رهبران جمهوری اسلامی مایوس شدند به جنگ تحمیلی دست زدند که خود توانست تضعیف نظام تا نابودی کامل هویت دینی ملی ایران اسلامی را در برداشته باشند. البته دشمن از هیچ حربه‌ای فرو نگذاشت اما رشادت‌ها و ایثار جوانان به مدد عقیده و ارزش‌های اسلامی که بدست آورده بودند مانعی بزرگ بر سر راه آنها بودند و دشمن چیزی جز ناکامی در بر نداشت. بدین ترتیب دشمن زخم خورده از شکست در حوزه‌های نظامی به فکر راه‌های پنهانی‌تر و البته کشنده‌تر برای نابود سازی نظامی افتادند در این دوره تهی سازی معانی ارزشی جامعه مهم‌ترین هدف دشمن قرار گرفت که همان تهاجم فرهنگی یا شبیه خون فرهنگی می‌باشد. در مورد پیشینه‌ی تحقیقی این موضوع کتاب‌های در این زمینه که مختص به این موضوع باشد نوشته نشده است ولی در راستای این موضوع کتاب‌هایی وجود دارند که من بخش‌هایی از آنها را در تحقیق خود بررسی نموده‌ام که عبارتند از: نقش تربیتی پدر در خانواده نوشته‌ی اکرم مهربان - جوانان و تهاجم فرهنگی نوشته‌ی محمد کاویانی - تهاجم فرهنگی از دیدگاه آیات و روایات و فقه نوشته‌ی حسن علی اکبر - فرهنگ، تهاجم، نوشته‌ی حسن صدری و همچنین آثار دیگری که من در تحقیق خود از آنها بهره گرفته‌ام.

## **سوالات تحقیق**

### **سؤال اصلی**

۱- تربیت دینی خانواده چه نقشی در مقابله با تهاجم فرهنگی دارد؟

### **سوالات فرعی**

- ۱- تربیت دینی مادر چه نقشی در مقابله با تهاجم فرهنگی دارد؟
- ۲- تربیت دینی پدر چه نقشی در مقابله با تهاجم فرهنگی دارد؟
- ۳- ابزار تهاجم فرهنگی و راهکارهای مقابله با آن با استفاده از تربیت دینی چیست؟

## فرضیه تحقیق

به نظر می رسد خانواده با تربیت دینی و نظارت، در عین همراهی مناسب با فرزندان نقش بسزایی در مقابله با تهاجم فرهنگی دارد.

## ساختار تحقیق

این تحقیق مشتمل بر ۵ بخش است که عبارتند از:

بخش اول: کلیات و مفهوم شناسی: فصل اول کلیات و فصل دوم مفهوم شناسی خانواده ، تهاجم، فرهنگ و تهاجم فرهنگی.

بخش دوم: شناخت جایگاه خانواده و رابطه‌ی آن با مسئله تهاجم فرهنگی که دارای دو فصل می‌باشد. فصل اول: اهمیت خانواده و نقش تربیتی و فرهنگی آن. فصل دوم: تهاجم فرهنگی به نظام خانواده.

بخش سوم: نقش هر یک از افراد خانواده و فرزندان و خویشاوندان در مقابله با تهاجم فرهنگی که دارای چهار فصل می‌باشد. که عبارتند از : فصل اول: نقش پدر فصل دوم: نقش مادر فصل سوم: نقش فرزندان فصل چهارم: نقش خویشاوندان.

بخش چهارم: راه‌های جلوگیری از تهاجم فرهنگی به خانواده .

بخش پنجم: شیوه‌های ترویج فرهنگ اسلامی در خانواده.

## **روش تحقیق**

روش تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی است و روش جمع آوری مطالب به صورت فیش برداری از کتاب‌های معتبر کتابخانه و سایر منابع اطلاعاتی بوده است.

## **مفاهیم و متغیرها**

نهاد خانواده: جامعه نسبتاً کوچکی را تشکیل می‌دهد که هر یک از اعضای آن به نحوی بر دیگری تأثیر می‌گذارد.

تهاجم فرهنگی: امری است که همیشه دارای دو طرف (مهاجم) و (مورد هجوم) می‌باشد. تهاجم فرهنگی یکی از پدیده‌های مهم اجتماعی است که می‌بایست زمینه‌های پیدایش و گسترش آن به طور دقیق و جامع بررسی شود.

تبادل فرهنگی: معاوضه مجموعه‌ای از آداب و رسوم، علوم و معارف و هنر یک قوم است.

## **محدودیت‌ها و مشکلات و موانع تحقیق**

کمبود منابع دست اول در شهرستان و در دسترس نبودن امکانات دیجیتالی.



**فصل دوم:**

**مفهوم شناسی**

بخش ارتباطات ، تهاجم فرهنگی یا به عبارت دیگر نبرد فرهنگی که می توان آن را نوعی از سلطه دانست پدیده ای نو و تازه تولد یافته نیست، که در قرن بیستم به منصف ظهور رسیده باشد بلکه سابقه‌هایی به بلندای تاریخ دارد. این پدیده از ابتدای تاریخ زندگی اجتماعی انسان مطرح و موجود بوده است چرا که از همان هنگام تقسیم شدن انسان ها به حق و باطل و مسئله ی استکبار و سلطه طلبی در بین آن ها رواج داشته است. اما اگر بخواهیم تاریخ این نوع از هجوم را در کارنامه ی اخیر مغرب زمین به عنوان چهره شناخته شده استعمارگری و سلطه جویی بررسی کنیم باید دانست که از زمان تجدید حیات فرهنگی (رنسانس) در غرب و ظهور اندیشه و فرهنگ جدید، ملاک ها و ارزش هایی توسط مغرب زمین عرضه شد که با فرهنگ و ارزش جوامع دیگر، تفاوت اساسی داشت. این فرهنگ جدید زمینه را برای ظهور قدرت های سرمایه داری و نظام کاپیتالیستی فراهم آورد. قدرت های جدید غربی که برای استحکام و گسترش نظام سرمایه داری خود به منابع دست نخورده نیاز داشتند، به استعمار سرزمین های جهان دست زدند و کشورهای مختلف آفریقایی و آسیایی را زیر سلطه خود گرفتند، این استعمار گران برای تثبیت سلطه ی خود در سرزمینهای جدید، به زدودن موانع فرهنگی در کشورهای زیر سلطه ی خود پرداختند. ساختن مدارس به سبک غربی، وارد کردن کالاهای غربی و راه انداختن جریانها ی سیاسی و مذهبی بر اساس میانی خودشان، از جمله اقدامات آن ها برای مقابله با فرهنگ بومی بود.

## خانواده

خانواده کانون مقدسی است که در سایه ی پیوند زناشویی دو انسان از جنس مخالف پایه گذاری شده. خانواده از نهادهای مهم و اساسی اجتماع است که کار آن « ایجاد و پرورش نسل و

جهت دادن آن به سوی هدف‌های اندیشیده است.»

## تعریف خانواده

منظور از خانواده یک واحد اجتماعی است که متشکل از پدر و مادر و فرزندان که به علت هدفی و منافع مشترکی به دور هم گرد آمده‌اند.

## تعریف خانواده از نظر اسلام

اسلام خانواده را گروهی متشکل از افراد، دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی معرفی می‌کند که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مردی تشکیل می‌دهد. ارتباط خویشاوندی در سایه نکاح پدید می‌آید و اعضای آن دارای روابط قانونی، اخلاقی و عاطفی می‌گردند.

## وظایف و کارکرد خانواده

- خانواده عهده دار وظایف مهم و فوق‌العاده‌ای است که اهم آن‌ها عبارتند از:
۱. ارضاء و اقناع ذائقه جنسی به صورت مشروع و بر اساس ضوابط مورد تأیید.
  ۲. تولید نسل و ابقای آن از طریق تولید مثل.
  ۳. پرورش نسل و مراقبت و محافظت آن از خطرات گوناگون.
  ۴. صمیمیت و نزدیکی شدید با اعضاء و هم‌رنگی و همدلی و تعاون و تعاضد.

۵. تکمیل و تکامل و ایجاد امنیت و آسایش در یکدیگر به گونه‌ای که امکان عبادت خدا و موجبات رشد از هر حیث فراهم گردد.

## معنی و مفهوم تهاجم

تهاجم که مصدر باب تفاعل و از ریشه «هَجَمَ - يَهْجُمُ» است به معنی یورش بردن و به طور ناگهانی و غفلتاً هجوم آوردن و دخول و ورود بدون اجازه دادن است و ظاهراً اشتراک در وقوع فعل در مصدر این باب، اصل همه معانی دیگر آن است.<sup>۱</sup>

کلماتی مانند هجمه، هجوم و تهاجم همه از یک ریشه‌اند و به معنی حمله، یورش، به ناگاه حمله کردن و ورود و دخول ناگهانی یک خطر آمده‌اند و اساس آن رسیدن به یک هدف، از طریق مبارزه و محاربه است. این مبارزه گاهی در آغاز کار است و زمانی در فرجام یک اقدام و معمولاً هجوم با حمله‌ای آغاز شده، به تصرف هدفی ختم می‌گردد.

در توجیه هجوم باید گفت که دشمن از طریق عادی و طبیعی قادر به نفوذ در یک مرز و یا وصول به نقطه‌ای معهود نیست. لذا ناگزیر است به صورت رسمی و جدی و گاهی با استفاده از غفلت و یا نقاط ضعف طرف مقابل و با در نظر داشتن مرز نفوذ، ناگهان سر رسد و او را به تسلیم و تبعیت وا دارد.

در منابع لغت فارسی نیز تهاجم به معنی «ت. ج.» (مصدر عربی) حمله کردن یکی بر

---

<sup>۱</sup> . جمعی از علما، جامع المقدمات، بی جا: بی نا، بی تا، ص ۵۳ : اصل این باب آن است که میان دو کس باشد و هر دو به حسب صورت فاعل باشند مثل (تضارب زید و عمرو)

دیگری، به یکدیگر هجوم بردن مقابل تدافع.<sup>۱</sup>

و مصدر به معنای ناگاه آمدن، در تاختن، هجوم بردن، حمله کردن به یکدیگر و اسم مصدر به معنی هجوم و یورش آمده است.<sup>۲</sup>

در هر هجوم دو مسأله و دو نکته مطرح است:

۱- هجوم آورنده که سعی دارد با شکستن مانع وارد حوزه‌ی طرف مقابل شود. (تهاجم)

۲- هجوم پذیر که عملاً یا غفلتاً، بر اثر ضعف یا جهل، آگاهانه یا ناآگاهانه پذیرای هجوم

دشمن می‌شود و این هر دو گروه یا فرد از جهات مختلفی مورد بحثند.

جامعه‌ی ما امروز با تهاجم‌ها روبروست. دامنه‌ی آن بسیار وسیع و شامل تهاجم سیاسی در

قالب جنگ افروزی، تهاجم اقتصادی در قالب حصرها و برنامه ریزی برای به زانو در آوردن‌ها،

تهاجم اجتماعی در چهره‌ی توسعه و گسترش مفاسد و آلودگی‌ها و تبهکارها و تهاجم فرهنگی

است.

## نوع تهاجم

تهاجم‌ها گاهی جسمی یا بدنی است و در آن مقصد این است که جسم طرف مقابل را

ضعیف کرده، در اختیار خود قرار دهد و یا توان زور آزمایی و حرکت را از او سلب کند.

گاهی تهاجم فکری است و در آن به جای محاربه‌ی تن به تن، می‌کوشد فکر و اندیشه‌ی

طرف مقابل را تحت استیلا در آورد و او را به احساس ضعف و کهنتری و اعتراف به عجز وا دارد.

---

۱. علی اکبر، دهخدا، ج ۱۴، بی جا: بی نا، بی تا، ص ۱۱۵.

۲. محمد، معین، فرهنگ معین، ج ۱۱، بی جا: بی نا، بی تا، ص ۱۱۷۲.

همچنین تهاجم ممکن است با مقصد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی باشد که هر یک از موارد فوق اصل بر این است که با ریش‌هایی که به بدن قربانی خود فرو می‌کنند، توان حرکت و تلاش و اتخاذ مواضع مناسب را از او سلب کرده و طعمه ایی بی رمق، بی تفاوت، ساکت و تسلیم را در اختیار خود داشته باشد و در آن صورت، شکست خوردگان، عاملان بی مزد و بی جیره و مواجب آن‌هایند که خط فرمانشان را در جامعه‌ی خود اجرا می‌کنند و کشور خویش را مرتع و میدان تاخت و تاز آن‌ها قرار می‌دهند. به عنوان مثال مصنوعات آن‌ها شده و دست نیاز بر سر سفره ایشان دراز کرده و این یک ذلت و انحطاط است که غیرت اسلامی ما اجازه پذیرش آن را نمی‌دهد.

## **معنا و مفهوم فرهنگ**

فرهنگ اصطلاحی است جامع و وسیع که عصاره زندگی بشر را در ابعاد گوناگون در خود جای داده و بیانگر خصایص و ویژگی‌های جوامع انسانی است. این واژه در طول تاریخ دچار تحولات گوناگون بوده و با معانی مختلف از آن یاد شده است.

تمدن، ادب، معارف، آموزش و پرورش هر کدام در زمانی معنی و مفهوم فرهنگ بوده است و امروزه به دلیل گستردگی دیدگاه‌های نسبت به آن و تکامل ژرف شدن مباحث پیرامون آن در بیان مفهوم آن هر کسی سخنی گفته است.

از نظر دهخدا لغت فرهنگ چنین است:

«فرهنگ» (ف. هَ) (اسم): مرکب از «فر» که پیشاوند است و «هنگ» که از ریشه‌ی «ئنگ» اوستایی به معنی کشیدن و فرهیختن و فرهنگ هر دو مطابق است با ریشه «ادوکا» که به معنی کشیدن و نیز به معنی تعلیم و تربیت است.»

به معنی فرهنگ است که به علم و دانش و ادب باشد.

عقل و خرد، آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، کتاب لغات فارسی نیز نام دارد.

شاخ درختی را نیز گویند که در زمین خوابانیده، سپس از جایی دیگر س برآورد.<sup>۱</sup>

در فرهنگ، فرهنگ: « ۱- ادب (نفس) تربیت ۲- دانش، علم، معرفت ۳- مجموعه آداب و

رسوم ۴- مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم و ... »<sup>۲</sup>

و دکتر شریعتی آن را وجه معنوی تمدن بشری که عبارت است از میراث گذشته، تقلید از

دیگران و ساخته اکنون خود که دو وجه عادی و معنوی دارد و می‌داند.<sup>۳</sup> و حضرت امام خمینی -

رحمة الله علیه - در بیان اهمیت و جایگاه فرهنگ آن را هویت و موجودیت جامعه معرفی می‌نماید

و می‌فرماید:

«بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه

است، اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ هر چند

جامعه در بعدها اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است.

---

۱. علی اکبر، دهخدا، همان کتاب، ج ۳۳، صص ۲۲۹-۲۲۶.

۲. محمد، معین، همان کتاب، ج ۲، ص ۲۵۳۸.

۳. علی شریعتی، تاریخ تمدن ۱، تهران: انتشارات حسینیه ارشاد، ۱۳۵۹ هـ ش، صص ۸-۷.

اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد.<sup>۱</sup>

و در ادامه در رابطه با استقلال فرهنگی می‌فرمایند:

« استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آن‌ها امکان پذیر است. بی جهت نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام اهداف آن‌ها است هجوم به فرهنگ جوامع زیر سلطه است.»<sup>۲</sup>

بر این اساس می‌توان گفت:

« فرهنگ یعنی تعلیم و تربیت و عقل و خرد و دانش و حکمت و هنر و معرفت یک انسان و یا یک جامعه که در رفتار و نحوه زندگی و شکل حیات او تجلی نموده و در عمق جان او نفوذ کرده و همه اعمال و کردار او را متأثر از خود می‌سازد و در واقع فرهنگ مجموعه بینش‌ها و گرایش‌ها و ارزش‌های یک ملت است.»

## تهاجم فرهنگی

متأسفانه هم اکنون فراگیرترین حالت تماس و برخورد فرهنگ‌ها همین حالت تهاجم و تعارض فرهنگی است و فرهنگی که دارای قدرت تبلیغاتی قوی‌تر است تحت عنوان حقوق بشر،

---

<sup>۱</sup>. روح الله، خمینی، صحیفه نور، ج ۱۵، تهران: انتشارات سروش، بی تا، ص ۱۶۰.

<sup>۲</sup>. همان، ص ۱۶۰.



حقوق زن، حقوق شهروندان و امثال آن‌ها، هجوم فرهنگی خود را با توجه به مقاصد ظاهراً انسان دوستانه آغاز کرده و در حقیقت مرموزانه و موزیانه اهداف دیگری غیر از مسائل مطروحه را پی می‌گیرد. اکنون غارتگران جهان امروز پس از تجربه دوره جنگ گرم و ناتوانی در دستیابی به اهداف پلید خود از طریق نظامی، تهاجم فرهنگی را آغاز نموده و چه بسا این تهاجم فرهنگی آنان به دلیل پیشگیری از تهاجم متقابل می‌باشد لذا علما، نویسندگان، دانشجویان، طلاب و معتمدین از هر قشری باید هر چه بیشتر خود را برای این مبارزه آماده نمایند.<sup>۱</sup>

و در این رابطه لازم است بدانید همان‌طور که بکارگیری سلاح در جنگ گرم می‌توانست در صورت عدم استفاده صحیح اثرات سوء برای ما داشته باشد در مقابله فرهنگی نیز عدم اقدام یا واکنش صحیح در مقابل توطئه‌های فرهنگی می‌تواند سبب تشدید خسارات و یا حتی موجب خسارات جبران ناپذیر گردد. امروزه با توجه به رشد فکری و آگاهی عمومی ملت‌های جهان، سلطه و افزایش مستعمرات، با لشکر کشی نظامی به آسانی امکان پذیر نیست و هزینه‌های زیادی را بر مهاجمان تحمیل می‌کند. به همین سبب از یک قرن پیش استعمارگران، روش نفوذ خود را در کشورها تغییر دادند. این کشورها با تبلیغ مذهبی، رواج فن آوری، ترویج زبان، انجمن‌های خیریه، ترویج بهداشت، سواد آموزی و ... مقاصد خود را دنبال می‌کنند. به عبارت دیگر، نام اهداف خود را سیاست‌های فرهنگی می‌گذارند. هر چند این عناوین از دیدگاه نوع دوستی و انسانیت، مورد تردید نیست، ولی تاریخ نشان می‌دهد که با این برنامه ریزی دقیق، در پی رشد و بالندگی

---

<sup>۱</sup> . وصیت نامه سیاسی الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله امام خمینی - رحمه الله علیه -

فرهنگ کشورهای هدف نیستند. بلکه زمینه اسارت کامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان را فراهم ساخته‌اند.<sup>۱</sup>

استعمارگران به این نتیجه رسیدند که بهترین راه نفوذ در سایر کشورها، نفوذ در فرهنگ آنان و استحاله درونی آن است. آنان می‌خواهند ارزش‌های مورد پسند خود را از ارزش‌های مترقی جلوه دهند و جایگزین معیارهای بومی و فطری ملت‌ها سازند و از این راه، بدون هیچ دغدغه‌ای، از منافع آینده خود در این کشورها اطمینان داشته باشند.<sup>۲</sup>

جایگزینی فرهنگ بیگانه با فرهنگ خودی به شکلی هوشیارانه که بتواند ملت و جامعه‌ای را نسبت به فرهنگ خود بیگانه و مطیع‌گرایز بیگانگان کند تهاجم فرهنگی نامیده می‌شود.<sup>۳</sup> بنابراین مقوله‌ی فرهنگ، مقوله‌ی وسیعی است که در اطراف آن بحث‌های فراوانی

صورت گرفته و برای آن بیش از پانصد تعریف ذکر شده است. بر اساس دیدگاه برخی اندیشمندان، می‌توان این مقوله را به طور اختصار این گونه تعریف نمود: «مجموعه‌ی مایه‌هایی که رفتار انسان را از رفتار حیوانات مشخص و ممتاز می‌سازد.»

بر این مبنا باید گفت که فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است در بر دارنده‌ی اطلاعات، باورها، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم، گرایش‌ها، گوناگون، قابلیت‌ها و عادات روزانه که آدمی با عضویت در یک اجتماع به دست می‌آورد. باید توجه داشت فرهنگ از یک مقوله متجانس نبوده و بر یک واقعیت مفرد دلالت نمی‌کند بلکه همانگونه که گذشت، تعداد زیادی از عناصر را در سطوح مختلف در بر می‌گیرد.

---

۱. محمود، روح الامینی، زمینه فرهنگ شناسی، پویایی و پذیرش، چاپ سوم، تهران: انتشارات عطار، ۱۳۷۲ ه.ش، ص ۱۰۱.

۲. محمود، روح الامینی، همان کتاب، ص ۱۰۱.

۳. همان.

**بخش دوم:**

**شناخت جایگاه خانواده و رابطه آن با  
مسأله تهاجم فرهنگی**

**فصل اول:**

**اهمیت خانواده و نقش تربیتی و فرهنگی  
آن**

اهمیت خانواده و نقش آن در جامعه بشر از ره آورد تأمل و تفکر در دو بعد وجودی انسان آشکار می‌گردد. خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن تأمین سلامت روانی برای سه دسته است. زن و شوهر، پدر و مادر، فرزندان و همچنین هدف ایجاد آمادگی برای برخورد و رویارویی با پدیده‌های اجتماعی است.

## معرفی خانواده

ازدواج پیمان اتحاد ملکوتی و مقدسی است بین زن و مرد برای شرکت تعاون و معاضدت در امر تشکیل خانواده و حفظ و حراست آن بر اساس اراده و خواست و در سایه قرار دادی بنام عقد پدید می‌آید. خانواده یک نهاد حقوقی است که اعضای پدید آورنده‌ی آن به وسیله رشته ازدواج زناشوئی، خون یا فرزندخواندگی با یکدیگر پیوند می‌یابند و در یک مجموعه با هدفی مشترک و در زیر سقفی با هم زندگی می‌کنند. این مجموعه می‌تواند کوچک و محدود، شامل زن و شوهر یا شامل فرزندان یا شامل چند خانوار باشد. آن را مجموعه‌ای از نظامات متعامل معرفی کرده‌اند که هر فردی نقش منحصر به فرد خود را ایفا می‌کند. نقش‌ها مکمل یکدیگر و همه در جهت اهداف واحدی هستند. چنین تشکیلات و تأسیساتی در تمام جهان وجود دارد که در آن اعضای خانواده با حفظ منافع مشترک و تشریک مساعی به زندگی خود سر و سامان می‌دهند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> . علی، قائمی، کودک و خانواده نابسامان، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، پاییز ۱۳۷۴ هـ.ش، ص ۳۴.

## اهمیت خانواده و نقش آن

خانواده را مهم‌ترین نهادی دانسته‌اند که جامعه خود را تغذیه کرده و در سلامت و عدم سلامت، در شرافت و انحراف آن، در سازگاری و نابهنجاری آن مؤثر است. رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و دولت و ملت به حمایت آن وظیفه مندند.<sup>۱</sup>

خانواده نخستین مدرسه و مهد اصلی تربیت است، کارگاه الگو سازی است، زمینه ساز تحول و تکامل است، محیط رشد است. ما هیچ بنیادی را نمی‌شناسیم که در جنبه سرنوشت سازی و تربیت از خانواده مؤثرتر باشد. کودک درس‌های اصلی و اساسی خود را از خانواده می‌گیرد. هر سازندگی یا اشتباهی که در آن واقع می‌گردد مستقیماً در کودک اثر می‌گذارد.<sup>۲</sup>

محیط خانواده در تشکیل شخصیت انسان بسیار مؤثر است. سنت‌ها، الگوها، ضوابط و قوانین آن در کودک اثر دارد. خواستاری زندگی متعالی بدون خانواده میسر نیست و تأمین حیات سالم فردی و اجتماعی بدون آن ممکن نخواهد بود و در تأمین سعادت اجتماعی کودک نقشی فوق‌العاده ایفا می‌کند.

خانواده عامل انتقال فرهنگ، تمدن، ادب و سنن است و اهمیت آن همیشگی است و برای دوام و بقای جامعه و تمدن و فرهنگ راهی جز آن وجود ندارد از لحاظ واحد می‌یابیم که خانواده کوچک است ولی از لحاظ اهمیت بسیار مهم و بزرگ است زیرا هسته اصلی و زیر ساز جامعه‌های بشری است.<sup>۳</sup>

---

۱. علی، قائمی، همان کتاب، ص ۳۴.

۲. همان.

۳. همان.

قدر و اهمیت خانواده آنگاه معلوم می‌شود که فردی بیخانمان گردد و یا برای خانواده او مسأله جدائی، متارکه، طلاق یا مرگی پدید آید. چون مسأله آن پیش پا افتاده است مردم آن را به حساب نمی‌آورند ولی این عدم محاسبه از ارزش و قدر آن نمی‌کاهند.<sup>۱</sup>

- هسته اول همه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی خانواده است. همه‌ی نقش‌های مربوط به ایجاد تمدن و انتقال موارث و رشد و شکوفایی انسانیت به آن مربوط می‌شود.

- همه سنت‌ها و عقائد و آداب، ویژگی‌های فردی و اجتماعی از طریق خانواده به نسل جدید منتقل می‌گردد.

- جامعه متشکل از خانواده‌هاست و اثر وجودی مفید و یا زیان‌بخش آن به جامعه هم می‌رسد.

- ساخت و مشی آن در سکون یا اضطراب جامعه مؤثر است.

- انگیزه اعضای خانواده در انگیزه‌های اجتماع تأثیر می‌گذارد.

- چگونگی مشی و سبک زندگی آن در اخلاق جامعه و در صحت یا بیماری آن نقش مؤثری دارد.

- تشکیل خانواده خدمتی است به اجتماع از نظر دور داشتن از عوامل فساد و لغزش و ایجاد مسئولیت و تشکیل خانواده .

همچنین:

- خدمتی است به کودک که نیاز به مربی و معلمی صالح دارد.

- و خدمتی است به مکتب و مذهب که تعالیم آن از این طریق حیات و تداوم پیدا

---

<sup>۱</sup>. علی، قائمی، همان کتاب، ص ۳۵.

می‌کنند.<sup>۱</sup>

## ضرورت وجودی خانواده

ضرورت وجودی خانواده عقلاً و شرعاً قابل اثبات است چرا که:

بدون وجود خانواده حیات اجتماعی شکل و معنایی ندارد. تلاش در از بین بردن سودی

نداشته بلکه آفات و ضررهایی را نیز به دنبال داشته است. وجود نسل ناشناخته و کودکانی که

دچار نارسایی‌ها و کمبودهای عاطفی می‌شوند یکی از دلایل عدم ثبات این امر در جامعه است.<sup>۲</sup>

نقش‌های مهم خانواده: ۱- تربیتی ۲- فرهنگی ۳- اجتماعی و ... می‌باشد.

### ۱- نقش تربیتی یا عالی‌ترین فرم تربیتی

نظر به اهمیت خانواده در سیستم‌های تربیتی گذشته و حتی در برخی از جوامع پیشرفته

کنونی عالی‌ترین فرم تربیتی را به صورت خانوادگی در می‌آورند و کودک را بدست خانواده‌ها

می‌سپرنند. این امر در اجتماعاتی که رنگ و فرم عرفان و تصوف دارد بیشتر به چشم می‌خورد.<sup>۳</sup>

- سالک، شب و روز را با مرشد می‌گذراند و با او زندگی می‌کند تا خوی‌های لازمه را کسب

کند و صفات مورد نظر در صورت اکتساب، عادی و ملکه او گردد.

---

۱. علی، قائمی، همان کتاب، ص ۳۵.

۲. اکرم، مهربان، بررسی خانواده و نقش آن از لحاظ تربیتی، بی جا: انتشارات نمایشگاه تشخیص و منزلت زن در اسلام، ۱۳۶۹ هـ. ش، صص ۱۰-۵.

۳. همان.



- راز تأسیس، مؤسسات شبانه روزی توسط ارتش و آموزش و پرورش و بیمارستان‌ها بر این اساس بهتر می‌تواند توجیه شود.

- بدین سان عالی‌ترین سیستم تربیتی، سیستمی است که در آن آدمی از نظر فرم، شبانه روزی باشد و مربی و متربی دائماً با هم در تماس و مواجهه باشند، خواب و بیداریشان با هم و زندگی‌شان همیشه در کنار هم باشد.<sup>۱</sup>

- چنین زمینه‌ای از هر حیث در خانواده فراهم است به همین علت نقش آن بیش از دیگر سیستم‌های تربیتی است.

## ۲- نقش فرهنگی خانواده

کودک در جایی به دنیا می‌آید که از قبل ساخته شده و دارای فرهنگی ارزیابی شده یا غلط است. طفل از شاهد و تماس مستقیم یا غیر مستقیم با والدین، اشیاء و ابزار موجود در خانواده در دریایی از فرهنگ آن با تمام ابعاد و جوانبش غوطه‌ور می‌شود. او از همان روزها و ماه‌های اول تولد این فرهنگ را از طریق والدین و بستگان می‌گیرد و بر این اساس ذهن او شکل می‌گیرد و راه زندگی و فلسفه اجتماعی او از این طریق پیدا می‌شود.<sup>۲</sup>

- پس فرهنگی شدن کودک بر اساس ذوق و نظر والدین است و خود کودک در آن نقشی ندارد مگر آنگاه که از نظر جسمی و فکری رشد کافی یابد.

- در جنبه کسب اطلاعات و معلومات عمومی نیز خانواده نقش و اهمیت اساسی دارد.

---

۱. اکرم، مهربان، همان کتاب، صص ۱۰-۵.

۲. همان.

- طفل در خانه بیشتر می‌آموزد از آن باب که توفیقش در آن بیشتر است و مسائلی که کودک با آن سروکار پیدا می‌کند بیش از مسائلی است که در مدرسه مطرح می‌شود و انگهی آنچه را که کودک از خانه می‌آموزد از جای دیگر امکان پذیر نیست.
- مسأله زبان و مکالمه را کودک در خانواده می‌آموزد. راه رفتن و آداب زندگی را از آنها می‌آموزد و از طریق معاشرت آگاهانه یا ناخودآگاه از طریق خانواده اخلاق می‌آموزد.
- از سوی دیگر آنچه طفل در خانه می‌آموزد از کتاب‌ها قابل فهم نیست.
- کودک در خانه عملاً درس عشق و محبت، صمیمیت و همکاری، همدردی و همسانی یاد می‌گیرد.
- شرافت و عزت نفس صدق و صفا می‌آموزد.
- ذکر لای لای مادر معنویت و صفای قلبی و روحانی را به قلب و روح کودک می‌دمد.
- والدین به کودک دین می‌آموزند. راه بهره‌مندی از وجدان، پاک‌دلی، پارسایی، تملک نفس می‌آموزند.
- خانواده مهم‌ترین سازمان و مرکز انتقال تمرین است. بدان حد که میزان انسانیت و مدنیت آدمی بسته به این است که در کدام خانواده و با چه بعدی از مدنیت پرورش یافته‌اند.<sup>۱</sup>

### ۳- نقش اجتماعی خانواده

- خانواده نخستین مسئول صلاح و فساد جامعه است. از آن بابت که برهان‌های فکری کودک در خانواده گذارده می‌شود.

---

<sup>۱</sup>. اکرم، مهربان، همان کتاب، صص ۱۰ - ۵.

- والدین و کسان کودک هستند که او را برای اجتماع صالح یا فاسد می‌پرورانند.

- خانواده نخستین مؤسسه‌ای است که فردی را به زندگی اجتماعی می‌آورد و تمایلات و اندیشه‌های دینی، سیاسی، عقیدتی، اجتماعی و ایده آن‌ها اغلب از آنجا منشأ می‌گیرد.

خانواده مسئول معایب و مفسد بی شمار اجتماعی است. بسیاری از بدبختی‌ها، جنایت‌ها، عصبیت‌ها، ناسازگاری‌ها، بی نظمی‌ها، هرج و مرج‌ها، کجرویها، آشفتگی‌ها تحت تمام انواع و فرم‌های آن مربوط به خانواده می‌شود.

کمبودهای تربیتی و اخلاقی که در اثر بی‌مایگی و یا بی توجهی والدین است مفسدی را سبب می‌شود که ذکر همه آن‌ها در این بحث امکان پذیر نیست.

از سوی دیگر: خانواده منبع هر گونه خیر و برکت و نعمت و سعادت جامعه است.

- درس محبت، تعاون، فداکاری، علاقمندی به خلق خدا را یاد می‌گیرد و در محیط خود پیاده می‌کند.<sup>۱</sup>

## نقش والدین در تربیت دینی و اخلاقی

کودکان به طور فطری دیندار و خداشناس هستند و از نظر اخلاقی نیز همه‌ی خلیات فطری را دارا می‌باشند اما در مورد بحث اول که همه‌ی افراد انسانی در ابتدای تولد خداشناس هستند، رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - می‌فرمایند:

«هر کودکی با فطرت پاک خداداد متولد می‌گردد و این محیط خانوادگی است که کودک

---

<sup>۱</sup>. اکرم، مهربان، همان کتاب، صص ۱۰-۵.

را یهودی، مسیحی، یا مجوسی می‌گرداند.<sup>۱</sup>

پدران و مادران و معلمان و مربیان باید توجه داشته باشند که کودکان خدا را می‌شناسند.

روی این اصل بزرگ‌ترها در اصل شناسایی خداوند نباید تلاش کنند بلکه باید سعی کنند قوه شناسایی خدا را به تدریج به فعلیت تبدیل سازند. به عبارت دیگر فطرت توحیدی را آرام آرام باور سازند و آن را شکوفا گردانند. پس کودک اصل شناخت خدا را بر اساس فطرت دارا می‌باشد. با توجه به این اصل پدران و مادران نباید تلاش کنند که اصول ایمانی را به کودکان تحمیل کنند. مشکل تربیت دینی در کودکان از اینجا آغاز می‌گردد که بزرگ‌ترها به جای باور ساختن حس دینی به تحمیل کردن می‌پردازند در حالی که اعتقاد ما این است که کودک حس دینی را داراست و پدران و مادران باید با ظرافت و لطافت آن را استخراج نمایند.<sup>۲</sup>

اما بحث دوم: مسائل اخلاقی در کودکان فطری است یعنی همه‌ی کودکان سرمایه‌های اولیه به طور فطری آفریده می‌شوند به عنوان مثال: همه‌ی کودکان چه شرقی و چه غربی همه و همه با درستی و راستی، صداقت و امانت داری آشنا هستند و هرگز پدران و مادران این روحمیات را به فرزندان خود نمی‌آموزند به همین جهت اعتقاد داریم که اگر پدران و مادران روحمیات غیر صحیح و غیر منطقی را به کودکان خود انتقال ندهند کودکان با همان خلقیات فطری آشنا می‌گردند.<sup>۳</sup>

به خاطر داشته باشیم که دروغ و خیانت و امثال آن را کودکان از دیگران می‌آموزند و اگر محیط خانوادگی و اجتماع بدی‌ها را به کودک انتقال ندهد، کودکان معصوم همان روحمیات پاک

---

<sup>۱</sup>. «کل مولد یولد علی الفطرة الا ان ابواه یهودانه او ینصرانه او یمجانه»، بحار الانوار، ماده ی فطر در معجم البحار تألیف آقای براوش.

<sup>۲</sup>. اکرم، مهربان، همان کتاب، صص ۱۰-۵.

<sup>۳</sup>. همان.

خداداد را ظهور و بروز خواهند داد. بنابراین یکی از رسالت‌های اصیل پدران و مادران این است که کودکان خود را از بدی‌ها و زشتی‌ها برکنار دارند تا فطرت سالم و پاک آنان آلودگی پیدا نکند و به عبارت روشن‌تر نه خودشان عامل انتقال زشتی و بدی به کودکان خویش باشند و نه محیط اجتماعی اعم از بستگان و آشنایان. این دشوارترین وظیفه‌ای است که بر عهده‌ی والدین قرار گرفته است زیرا انجام این رسالت به تدریج روحيات ارزنده‌ی اخلاقی در کودکان رشد و نمو می‌کند و در زندگی اجتماعی در برابر انحرافات اخلاقی تا حدودی معنویت پیدا می‌کنند. همه‌ی پدران و مادران علاقه‌مندند که فرزندان خود را تربیت کنند ولی متأسفانه برخی با راه و روش تربیتی آشنا نیستند که خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

« باجی از در ورودی وارد شوید، نه از بی‌راهه. »<sup>۱</sup>

دانشمندان تربیت می‌گویند:

« فاقد شیء نمی‌تواند معطی شیء باشد. » روی این اصل والدین که خود تهذیب نشده باشند نمی‌توانند فرزندان خود را تزکیه نمایند. زیرا چراغی که خاموش باشد، فاقد نور است نمی‌تواند به دیگران نور و روشنایی ببخشد. مادری فرزند خود را نزد پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - برد تا او را از خوردن خرما باز دارد. رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمود: «از آنجا که امروز رطب خورده‌ام، فرزندت را از خوردن رطب باز نمی‌دارم، زیرا رطب خورده، منع رطب چون کند؟»<sup>۲</sup>

---

۱. « وَ أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا »، سوره بقره (۲) / ۱۸۹.

۲. استادان طرح جامع آموزش خانواده، خانواده و فرزندان در دوره ی ابتدایی، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، زمستان ۱۳۷۷ هـ. ش، صص ۶۷-۶۴.

خانواده می‌تواند عامل سازندگی جسمی، روانی، ذهنی و ... کودک باشد یا عامل ویرانی و نابودی آن. می‌تواند شرافت و سلامت ایجاد کند یا عامل ویرانی و نابودی آن. می‌تواند شرافت و سلامت ایجاد کند یا انحراف و اختلال. تأثیر مستقیم آن در رشد و نمو قوای مادی یا معنوی کودک امری است که آن را نمی‌توان به سادگی منکر شد. خانواده در تهذیب اخلاق و جهت دادن افراد به سوی انسانیت و پرورش و تکوین شخصیت آنان را پدید آورد. آن‌ها را در برابر مسائل و امور به مقاومت واداشته و یا به تسلیم وادار نماید، موجب حفظ سلامت اعصاب و روان او شده و یا سبب پیدایش اغتشاشات و اختلالات عصبی و حتی بیماری روانی او گردد.<sup>۱</sup>

اعتبار اخلاقی و فرهنگی خانواده در توانایی تربیت کودکان و پروردن آن‌ها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و در صورت انجام وظیفه، خانواده می‌تواند کانون کار و عبادت، مرکز تربیت و کانون ایجاد تعالی و رشد باشد. کودک درس زندگی و انسانیت را در خانواده می‌آموزد و والدین از این بابت می‌توانند هم چون کارگزاران الهی در خدمت کودک باشند.

محیط خانواده و شرایط تربیتی آن از مسائل سرنوشت ساز و از جنبه‌هایی است که نمی‌توانند مسکوت عنه بماند. تنها اعلانات، آموزش‌ها و القات والدین نیست که در کودک اثر می‌گذارد بلکه جریانات عاطفی، اخلاقی، انضباطی و در کل تربیت خانواده نیز در کودک اثر می‌گذارد و این خود سبب بسیاری از سازگاری‌ها و یا نابسامانی‌هاست. خانواده ممکن است به گونه‌ای باشد که طفل را برای بهتر زیستن بر امور و شرایط حیات آمادگی بخشد، در امر تحصیل و پیشرفت او مفید و مؤثر باشد و یا بر عکس او را از تحصیل و رشد و پیشرفت باز دارد و این خود هشداری است برای والدین در امر تربیت آن‌ها و زمینه سازی شرایط مساعد برای رشد.

---

۱. اکرم، مهربان، همان کتاب، صص ۱۰-۵.

پدران و مادران در امر اداره خانه و تربیت فرزندان مسئولیت خطیری را بر عهده دارند و در این رابطه باید پاسخگو باشند. اصولاً از کارهای جدی خانواده فرزند پروری است که زمینه را برای بسیاری از رندها و گاهی هم انحطاط فراهم می‌سازند.

کارکرد خانواده تأمین نیازهای فرهنگی، اخلاقی، عاطفی و ... فرزندان و زمینه سازی برای تطبیق دادن او با شرایط مطلوب اجتماعی در دوران رشد و آماده سازی برای پذیرش مسئولیت‌های فردی و اجتماعی در راه یادگیری و تقلید است.

خانواده در رابطه با کودکان منحرف وظیفه درمان دارد. می‌بایست مشکلات و مسائل تربیتی او را حل کرده و او را به راه و س ر مرز شرافت و سازگاری آورند. خانواده مسئول تربیت بهتر و تهذیب نسل و آینده سازی برای کودک است و در اهمیت این مسئولیت باید هشیار باشند که سعادت جامعه در گرو حسن انجام آن است. آنان باید محیط زندگی را به گونه‌ای مساعد سازند که اهداف و مقاصد فوق تأمین گردد.<sup>۱</sup>

بنابراین مهم‌ترین رکن در نظام خانواده پدر و مادر و زن و شوهر است. که هر کدام از حقوق ویژه‌ای در ارتباط با یکدیگر و در ارتباط با فرزندان برخوردار هستند. رعایت این حقوق رشته‌های پر بار نظام خانواده را مستحکم می‌سازند و باعث می‌شود در برابر مشکلات اجتماعی و فرهنگی مقاوم باشد و موجب تزلزل زندگی آنها شود.

---

۱. اکرم، مهربان، همان کتاب، صص ۱۰-۵.

**فصل دوم:**

**تهاجم فرهنگی به نظام خانواده**



حملات فرهنگی نیاز به ابزارها و وسایل کارآمد داشت بنابراین همان طور که لازم حملات نظامی ابزار و آلات جنگی است لازمه‌ی تهاجم فرهنگی نیز وسایل است تا گلوله‌های زهرآگین فرهنگی دشمن از ماهواره‌ها گرفته تا اینترنت، رادیو و توزیع کتاب‌های ضد فرهنگی و دگر اندیشی به براندازی نظام‌های مخالف و تضعیف و آن‌ها مبادرت ورزد.

می‌توان گفت خانواده کانون توجه حملات ابزارهای مدرن تهاجم فرهنگی است. و با تضعیف آن بسیاری از اهداف تهاجم فرهنگی محقق می‌شود. با نگاه به کارکردهای خانواده بیشتر می‌توان به اهمیت آن توجه نمود.

استعمارگران امروزه به این باور هستند که بهترین راه نفوذ در کشورهای مورد هدفشان، نخست نفوذ در فرهنگ و تغییر درونی آن کشور است. آنان می‌خواهند عواملی را که در کشور خودشان بهتر جلوه می‌کند را از ارزش‌های ترقی یافته نشان داده و جانشین معیارهای محلی ملت‌ها سازند، و از این راه و روش می‌خواهند که بدون هیچ‌کدام مشکلی به منافع آینده خود در هر مملکتی دست یابند. لذا با یک نگاه قوی می‌توان دید که تهاجم فرهنگی در کشور ما چقدر اثرات خودش را بر اذهان عمومی مخصوصاً قشر جوان اعم از زن و مرد گذاشته است و این بار با این سلاح می‌خواهند نهاد گرم خانواده اسلامی را متلاشی نمایند. هر نوع تغییر مثبت و منفی در خانواده در جامعه بزرگ انسان‌ها تأثیر مستقیم دارد.<sup>۱</sup>

پایداری و ناپایداری خانواده مستقیماً بر جامعه تأثیر می‌گذارد. در جامعه‌ایی که ارزش‌های خانواده متلاشی می‌شود بدون شک که ارزش‌های اخلاقی عمومی نیز از هم می‌پاشند. تقریباً بیشترین اسنادهای قتل و تجاوز، دزدی و حملات خشونت آمیز را اشخاصی انجام داده‌اند که قبلاً

---

<sup>۱</sup>. همت، سهراب پور، جوانان در طوفان غریز، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ هـ.

خانواده او از هم متلاشی شده‌اند. این دشمنان همیشه در تلاش هستند تا با تهاجم فرهنگی سعی در از بین بردن نظام خانواده در جامعه نمایند که بهترین عمل احیای امر به کارهای نیک و نهی از کارهای ناپسند می‌تواند جلوی تمام نقشه شوم دشمنان را بگیرد. دشمنان دین با تهاجم فرهنگی کوشش می‌نمایند تا نظام خانواده در جامعه را از هم متلاشی کنند. لذا احیای دعوت مردم، دوستان و فامیل به کارهای نیکو و دور نمودن آن‌ها از کارهای زشت و ناپسند می‌تواند جلوی تمام پلان‌های دشمنان را بگیرد. تهاجم فرهنگی همانند سایر تهاجم‌های دیگر، سلسله ابزارهای خاصی دارد و مهاجمان برای هجوم خویش، از آن‌ها استفاده می‌کنند. ابزارهای تهاجم فرهنگی دشمن، ممکن است وسیع و فراوان باشد که به یکی از بارزترین آن در خانواده رخنه کرده اشاره می‌کنیم.<sup>۱</sup>

## امواج رادیویی و تلویزیونی

امروزه امواج صدا و سیما، مرزهای جغرافیا، سیاسی، زمانی و مکانی را از بین برده است و پیشرفت تکنولوژی به جایی رسیده است که تنها با فشار دادن یک دکمه، گویی آدمی در سراسر گیتی به پرواز در می‌آید و دورترین نقطه جهان را وارد اتاق خویش می‌سازند.

امروزه کشورهای غربی نزدیک به ۹۰٪ امواج رادیویی را در اختیار دارند و رادیوهایی که علیه اسلام و ارزش‌های اسلامی - انقلابی فعالیت دارند. در مجموع روزانه ۴۸ ساعت برنامه‌های به زبان فارسی پخش می‌نمایند. برنامه تلویزیونی جهان غرب نیز سطح گسترده‌ای در جهان سوم به نمایش در می‌آید و مهاجمان فرهنگی از طریق رادیو، ماهواره و تلویزیون مصاحبه با افراد ضد

---

<sup>۱</sup>. همت، سهراب پور، همان کتاب.

انقلاب فراری و پخش موسیقی‌های مبتدل، در تبلیغ فرهنگ منحط غرب و حمله به فرهنگ اصیل اسلامی و خانواده‌ها اهتمام می‌ورزند.<sup>۱</sup>

## ماهواره

از زمانی که ماهواره اختراع شد تا کنون حدود ۲۰ هزار شبکه ماهواره‌ای در جهان فعال هستند که حدود ۳۰۰۰ شبکه در ایران از طریق دیش و ریسورهای قابل دریافت هستند ماهواره‌ها به دلیل دسترسی آسان عموم مردم در تمامی کشورها به عنوان ابزاری قوی در دست سلطه‌گران غربی قرار گرفته است. از پیامدها و معضلات برنامه‌های ماهواره‌ای می‌توان به افول فرهنگ، رنگ باختگی ارزش‌های انسانی و باورهای مذهبی و نهادهای ملی و میهنی، رشد روز افزون بی‌سوادی عمومی به علت تماشای بی‌حد این برنامه‌ها، عدم تمرکز و تفکر نسبت به مصنوعات و مسائل مختلف، کاهش داد و ستدهای عاطفی و اجتماعی در روابط انسان‌ها با یکدیگر و در نتیجه خطر سقوط فرهنگ اجتماعی اشاره کرد.<sup>۲</sup>

## گروه‌های مخالف شبکه‌های ماهواره‌ای

شاید تا چند سال بیشتر ماهواره‌ها روی جوانان و یا ناراضیان سیاسی تمرکز داشتند. اما در سال‌های اخیر با تأسیس شبکه‌های مثل: بی بی سی، من و تو، صدای آمریکا، فارسی وان با

---

<sup>۱</sup>. همت، سهراب پور، همان کتاب.

<sup>۲</sup>. همان.

هزینه‌های بسیار زیاد، نسل جدیدی از شبکه‌های ماهواره‌ای تأسیس کردند که با نوع قدیمی آن متفاوت است. در شبکه‌های قدیمی بسیار سطحی و شعاری کار می‌کردند اما شبکه‌های جدید اولاً خط و مشی هماهنگ با هم دارند و ثانیاً استراتژی کاملاً مشخصی دارند و آن این است که مخاطب رسانه‌های داخلی و رسانه ملی را کم می‌کنند و از طرفی دیگر مخاطب آن‌ها مخالفین سیاسی و نوجوانان نیست بلکه آن‌ها بیشتر زنان، خانواده‌ها و اقشار عادی جامعه هستند و سعی می‌کنند با روش‌های غیر مستقیم در لا به لای برنامه‌های سرگرمی، سیاسی، فیلم و سریال بر ذهن مخاطبان خاص خود و رفتار آن‌ها تأثیر بگذارند.<sup>۱</sup>

## دلایل استقبال از شبکه‌های ماهواره‌ای

دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد. ولی دلیل اصلی و مهم آن مخاطب است که شاید در شبکه‌های داخلی پاسخی مناسبی برای نیازش پیدا نکرده است. گاهی در بعضی ایام سال برنامه‌های صدا و سیما جذابیت لازم را ندارد و اگر مخاطب به خاطر تبلیغات دشمن یا هر دلیلی خیال کند که اخبار و یا فیلم و سریال و مستندهای شبکه‌های داخلی برایش کافی نیست قطعاً سراغ جای دیگری خواهد رفت. البته گاهی ممکن است نیاز کاذب باشد اما رسانه‌های غربی با روش‌های مدرن رسانه‌ای و خبری برای مخاطب از طرفی نیاز سازی می‌کند و از طرفی دیگر اعتماد جلب می‌کند.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup>. همت، سهراب پور، همان کتاب.

<sup>۲</sup>. باشگاه خبرنگاران جوان، تاریخ انتشار ۱۳۹۱/۸/۲۳.

بنابراین باید بررسی شود که چرا چنین نیازی به وجود آمده و با آگاهی دادن به خانواده‌ها آن‌ها را قانع کنیم که برنامه‌های ماهواره‌ای بر غیرت و عفت و حفظ نظام خانوادگی آن‌ها و مسائل دینی فرزندان آن‌ها و رفتارهای سیاسی و اجتماعی آن‌ها آثار منفی دارد. دلیل دیگر گرایش به ماهواره این است که ما به جای کار فکری و فرهنگی و کار اقناعی روی ذهن مخاطب و بیان ضررهای مسأله و آسیب شناسی برنامه‌های ماهواره‌ای به روش ممنوعیت ایجاد کردن و جمع آوری دیش‌ها اکتفا کردیم که متأسفانه اجرای ناقص این طرح هم هیچ اثر مثبتی نداشته است و گاهی اوقات ممنوعیت‌ها جذابیت هم ایجاد می‌کند. متأسفانه ورود بدون کنترل ماهواره در خانواده‌ها را به تعبیری می‌توان ورود یک فرد نامحرم و لایالی و دوست ناباب برای بچه‌ها و خانواده‌ها تشبیه کرد که به دنبال اختلاف بین زن و شوهر است و به ناموس او چشم طمع دارد، و دین آن‌ها را می‌گیرد.<sup>۱</sup>

اعتقادات آن‌ها را ضعیف می‌کند، مرزهای حیا و غیرت را می‌شکند، حقایق سیاسی و اجتماعی را وارونه جلوه می‌دهد، وقت آن‌ها را می‌دزدد و آن‌ها را به همدیگر بدبین می‌کند خرید ماهواره برای منزل، ورود چنین افرادی به منزل است. مجاز شمردن خیانت زن و شوهر و عادی سازی روابط با جنس مخالف، عادی سازی روابط دختر و پسر قبل از ازدواج، زشتی زدایی از حاملگی بدون روابط قانونی و ازدواج، اهانت به والدین و بی توجهی به آن‌ها، نفوذ جادو و تلمس در زندگی، همه نشان می‌دهد که شبکه‌های ماهواره‌ای به طور هدفمند عفت و غیرت و روابط خانوادگی سالم را نشانه گرفته است. تهاجم فرهنگی دشمن فروپاشی نظام خانواده را هدف قرار داده است. توجه به اعتقادات مذهبی و باورهای دینی نقش بسزایی در پایداری خانواده‌ها دارد. خانواده پایه‌های زندگی یک فرد به شمار می‌رود که چنانچه این پایه‌ها مستحکم نباشد موجب

---

۱. باشگاه خبرنگاران جوان، تاریخ انتشار ۱۳۹۱/۸/۲۳.

ناپایداری در شخصیت فرد خواهد شد. چنانچه شخصیت روحی، اعتقادی، فرهنگی، علمی و اجتماعی فرد در خانواده به طور مثبت شکل می‌گیرد همان‌گونه در جامعه نمود پیدا می‌کند و عکس این موضوع نیز صادق است. خانواده نهادی است که می‌بایست در آن مهم‌ترین برنامه‌ها برای شکل‌گیری شخصیت یک فرد انجام می‌شود و همواره از نظم خاصی برخوردار باشد. تهاجم فرهنگی دشمن برای آنکه بتواند یک جامعه را به انحراف بکشد از طریق خانواده‌ها ورود پیدا کرده و به طور اساسی اهداف شوم خود را اجرا می‌کند. همان‌گونه که توجه به خانواده موجب ارتقا و پیشرفت می‌شود بی‌توجهی به آن نیز نتایج خطرناکی را در پی خواهد داشت. در نظام خانواده اسلامی دین جایگاه ویژه‌ای دارد و کشورهای غربی به دلیل پیشرفت در علم و فناوری خود را بی‌نیاز از دین می‌دانند و می‌بایست مشکلات خانواده‌ها از طریق مشورت با کارشناسان باتجربه برطرف شود و رفع این‌گونه مسائل از راه‌های غیر کارشناسی موجب بروز بحران در خانواده‌ها خواهد شد. نهاد خانواده رکن اصلی اجتماع است و در سعادت جامعه نقش بسزایی دارد.<sup>۱</sup>

اولین شرط داشتن جامعه سالم و پویا سلامتی و پایداری خانواده‌ها بوده که می‌بایست با حمایت و هدایت آن‌ها به جایگاه واقعی و متعالی خود دست یابند.<sup>۲</sup>

مشاهده‌ی رفتارهای از قبیل مصرف‌گرایی، غرب‌زدگی و بی‌تفاوتی نسبت به موازین شرعی بیانگر این حقیقت است که صاحبان چنین رفتارهایی بارها و بارها در شرایط و موقعیت‌های متفاوت به طور غیر مستقیم در معرض اندیشه‌های به وجود آورنده این رفتارها قرار

---

۱. باشگاه خبرنگاران جوان، تاریخ انتشار ۱۳۹۱/۸/۲۳.

۲. همان.

گرفته‌اند و به لحاظ ضعف نگرش و عدم اعتماد به نفس به تدریج هویت فرهنگی خود را از دست می‌دهند و گرایش به رفتار جدید پیدا می‌کنند.

**بخش سوم:**

**نقش تربیتی هر یک از افراد خانواده و  
خویشاوندان در مقابله با تهاجم فرهنگی**



**فصل اول:**

**نقش پدر**

در اسلام پدر دارای مقام و چهره‌ی برجسته و مورد احترام است و شأن پدر بعد شأن خدا ذکر شده است. مسئله‌ی پدری و عهده داری سرپرستی فرزندان مسئولیتی خطیر و موفقیت در آن مستلزم آگاهی، فداکاری و اخلاق و اعتقادات است.

تربیت فرزندان از اولین امور مهم خانه، مدرسه و جامعه است. همه‌ی این عوامل در تربیت فرزندان به سمت مثبت و یا منفی دخالت دارند اما حقیقت آن است که تأثیر محیط خانه و خانواده از میان این عوامل، به شکلی چشمگیر در تربیت و به خصوص در تربیت دینی فرزندان افزون‌تر است. قرآن کریم در حالی که تغییر وضعیت یک قوم و ملت را به تغییر درونی تک تک اعضای آن قوم و جامعه توسط خودشان وابسته کرده است.<sup>۱</sup> خانواده را به منزله‌ی واحدی تربیتی که در آن سرپرست خانواده مسئول تربیت و اعضای خانواده متربیان وی هستند پذیرفته است.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و

سنگ‌هاست حفظ کنید.»<sup>۲</sup>

از دیدگاه امام علی - علیه السلام - فرزندان انسان تربیت پذیرند و اگر پدر و مادر از شیوه‌ها و اصول تربیتی آگاه باشند از این ویژگی‌ها و تربیت پذیر بودن انسان به خوبی بهره می‌برند و فرزندان خویش را در رسیدن به بالاترین درجه‌های علمی و معنوی یاری می‌رسانند آن حضرت بپ اساس اصل تربیت پذیر بودن انسان یکی از حقوق فرزندان بر پدر را تربیت شایسته فرزند می‌داند می‌فرماید:

«حق فرزند بر پدرش این است که نام نیکو برای او برگزیند و به خوبی ادب و تربیتش

---

۱. «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اَنْفُسَکُمْ وَ اَهْلِیْکُمْ نَارًا وَ قُوْدَهَا النَّاسُ وَ الْجِجَارَةُ عَلَیْهَا»، رعد (۱۳) / ۱۱.

۲. تحریم (۶۶) / ۶.

کند و به وی قرآن بیاموزد.<sup>۱</sup>

خانواده یکی از عوامل مؤثر و اساسی در رفتار فرد می‌باشد. کودک از بدو تولد خصوصیتی را از والدین خود به ارث می‌برد و زمینه‌های رشدش فراهم می‌آید.

اسلام برای تشکیل و حفظ خانواده یک سلسله پیشگیری‌ها و راهنمایی‌ها ارائه داده و روابط خانواده را به صورت قانون مطرح کرده است در قرآن کریم، میل جنسی به عنوان یک انگیزه مهم انسان همانند میل به مال و ثروت، مطرح شده و ما به افزایش زیبایی زندگی بر شمرده شده است.

« [ یوسف گفت : ] « این [ درخواست اعاده حیثیت ] برای آن بود که [ عزیز ] بداند من

در نهران به او خیانت نکردم ، و خدا نیرنگ خائنان را به جایی نمی‌رساند»<sup>۲</sup>

اشاره‌ای که سوره یوسف در مورد میل جنسی آورده این است. گاهی این میل چنان بر شخص غلبه می‌کند که مرتکب گناه می‌گردد.<sup>۳</sup>

نفوذ والدین در کودکان، تنها جنبه‌های ارثی و وراثتی ندارد، بلکه در آشنایی کودک به زندگی اجتماعی و فرهنگ پذیری وی خانواده و والدین نقش مؤثری را بر عهده دارند.

موقعیت‌های مختلف خانواده و وضعیت معیشتی، افکار و باورها، آداب و رسوم، آرزوها و نحوه تربیت خانواده در چگونگی بروز رفتار در کودکان تأثیر زیربنایی دارد. خانواده در زمینه‌های مختلف اجتماعی، تربیتی، اقتصادی و ... با یکدیگر اختلاف دارند. ساختار و شکل خانواده‌ها، نحوه ارتباط اعضا هر خانواده با یکدیگر و جامعه‌ای که خانواده در آن زندگی می‌کند در بیشتر

---

۱. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، حکمت ۳۹۹.

۲. « ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْخَائِنِينَ »، سوره یوسف (۱۲) / ۵۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۰.

موارد همسانی ندارد. بر این اساس، رفتار و تأثیر خانواده‌ها در افراد، گوناگون است. خانواده، شکل کار و چگونگی ارتباط اعضاء خانواده، به نحوی است که محیط خانواده را برای تأمین احتیاجات اساسی و زیر بنای کودکان در زمینه‌های مختلف مهیا می‌سازد. کودکانی که در خانواده‌های راحت و تأمین پرورش یافته، رفتارشان با کودکانی که در محیط مناسب پرورش نمی‌یابند کاملاً متفاوت است. عادت‌هایی که کودک در خانواده کسب می‌کند، ممکن است منطقی و عقلانی باشد و یا در بعضی موارد مانع رشد و تحول طبیعی وی می‌شود. خانواده شکل دهنده افکار و عقاید، طرز برخورد و تمایلات کودکان با دیگران است. دیدگاه‌ها و نظرات اعضای خانواده به طور کلی در زمینه‌های بهداشت، تعلیم و تربیت، غذا و زندگی و ... تأثیر زیر بنایی و اساسی دارد و محلی است که کودک امور مختلف را در آن فرا می‌گیرد. کودک از نحوه برخورد و رفتار پدر و مادر چیزهای زیادی را فرا می‌گیرد، تجربیات بسیاری را در خانواده کسب می‌کند و با دنیای پیرامون و اجتماع آشنایی حاصل می‌کند. کودک نحوه معاشرت و برخورد با دیگران را در خانه می‌آموزد. کودک با توجه به رشد خود، آمادگی پیدا می‌کند تا مسائل و چیزهای مختلفی که از طرف پدر و مادر مطرح می‌شود را درک کند و آن را فرا گیرد. کودک علاوه بر دریافته‌های مختلف که از طرف پدر و مادر دارد، از جانب دیگران نیز چیزهای زیادی را فرا می‌گیرد و مسائل مختلفی را یاد می‌گیرد. کودک نه تنها چگونگی و نحوه‌ی غذا خوردن را می‌آموزد بلکه او یاد می‌گیرد که کارهای مختلف را با شور و نشاط و هیجان خاصی انجام دهد. کودک معمولاً وقتی رفتار و عملی را از والدین خود مشاهده می‌کند تصور می‌کند دیگران نیز این‌گونه عمل می‌کنند و آنچه را از والدین درک می‌کنند به دیگران تعمیم می‌دهند، پس در چگونگی قضاوت وی تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد. خانواده را می‌توان کلاس اول تربیت و پرورش کودک دانست. کودک مبانی اولیه زندگی را در آنجا فرا می‌گیرد و خوب و بد امور را از آنجا می‌آموزد. زندگی خانوادگی مقدمه‌ای برای ورود به زندگی اجتماعی و قبول مسئولیت عمومی است. خانواده، شخصیت کودک را رنگ می‌دهد و خط مش و

روش زندگی را در حال و آینده برای او تعیین می‌کند. خانواده بایستی محفلی باشد که در آن فرد احساس امنیت و آرامش و دوستی کند و حق داشته باشد علایق، استعدادها، عواطف و احتیاجات خود را بدون تشویق و نگرانی بیان داشته و از اعضای خانواده در حل مشکلات خود کمک بگیرد، به طور کلی در خانواده‌ای که صمیمیت و محبت و مهربانی حاکم است، کودک می‌تواند با ثبات و با شخصیتی سالم بار آید و با مشکلات بدون واگمه روبرو شود. خانواده به وجود آورنده محیط طبیعی برای کودک به شمار می‌رود. محیطی که از یک خانواده به خانواده دیگر تفاوت دارد. کودک قبل از ورود به مدرسه، دنیای غیر از دنیای خانواده خویش را نمی‌شناسد و این محیط تا حدی که از وی حفاظت کند و از نظر عاطفی تأمینش کند، برایش کافی است. کودک به اندازه دنیای ویژه خود، تأثیرات محبت و امنیت را درک می‌کند. کودک در خانواده احساس می‌کند که میل به تأیید خویشتن، تحول به سوی استقلال و آزادی و بزرگ شدن و ... دارد. خانواده با تقویت توانایی فرزند خود در او نوعی حالت دفاعی در برابر تجاوزات خارج ایجاد می‌کند و او را قادر می‌کند تا خود را از گزند سرباست‌های خارجی و تهاجمات حفظ کند. خانواده فرزند خود را آماده می‌کند تا به زندگی مستقل بپردازد و او را از انزوا طلبی و گوشه‌گیری بر حذر دارد و همین‌طور او را با نحوه برخورد با محیط خارجی آشنا می‌کند. با این حال، تمام خانواده‌ها نقش خویش را به یک صورت ایفاء نمی‌کنند. قوانین خانوادگی، فقط به رفتار والدین بستگی ندارد بلکه از محیط نیز تأثیر می‌گیرد. خانواده مهم‌ترین پناهگاه برای جوانان است، خانواده‌های آشفته و پریشان موجب می‌شوند که فرزندان از کانون خانواده گریزان بوده و والدین نقطه اتکای مناسبی برای آنان نباشند، اعتماد نسبت به والدین در این‌گونه خانواده‌ها بسیار نازل است. والدین بایستی در خانواده محیطی را فراهم آورند که فرزندان احساسات خود را بروز دهند و به سمت سازندگی به پیش روند. آنان باید رفتارهای طغیانگرانه فرزندان خود را نشانه‌های رشد تلقی کرده و علیرغم این رفتار آنان را دوست بدانند و به فرزندان خود این امکان را بدهند که

راهی مستقلانه را برای خودشان انتخاب کنند پدر و مادر نباید الگوهای خود را به فرزندان خود تحمیل کنند، بلکه می‌بایستی آنان را به تناسب استعدادهایشان آزاد بگذارند تا رشد کنند. انسان موجودی مسئول و متعهد و دارای ارزشی بس والا است. این ارزش و مقام انسان، به خاطر به کارگیری عقل می‌باشد که او را متمایز از دیگر جانداران گردانده است.<sup>۱</sup>

مسئولیت‌های انسان بسیارند و از جمله آن مسئولیت‌ها می‌توان، تشکیل خانواده و پذیرش مسئولیت پدری را نام برد که معمولاً با انتخاب همسر و ازدواج، با در نظر گرفتن اهداف و معیارهای خاصی صورت می‌پذیرد. پدر دارای مقامی و چهره‌ای برجسته می‌باشد و دارای شأن و مرتبگی که بس ستایش‌ها از مقامش شده است. فرزندان امروزی تصویر خاصی از پدر خود دارند. به صورتی که پدرش چهره‌ی برجسته خانواده، عامل امنیت و توانایی و ... می‌داند، او را ستایش می‌کند و دوست می‌دارد و با او همانند می‌کند. از سوی دیگر، پدر بودن به مرد احساس قدرت خاصی می‌دهد، آنچنان که وی خود را فردی قوی و نیرومند احساس می‌کند و بر این اساس خود را لایق نوعی احترام و منزلت می‌داند.<sup>۲</sup>

## ازدواج و پیدایش نقش پدری

خانواده به وسیله عقد ازدواج بین زن و مرد که کلیه جوانب و آداب و رسوم رسمی و اجتماعی در آن رعایت شدن، تشکیل می‌شود. در حقیقت زوج، همسرانی هستند که رشته پیوند بین اعضا یک نسل را از طریق فرزندان خویش امکان پذیر می‌کنند. ازدواج نقشی را به وجود

---

<sup>۱</sup> . حسین، انصاریان، نظام خانواده در اسلام، قم: انتشارات ام ابیها، ۱۳۸۳ هـ ش، صص ۴۴۹-۴۴۵.

<sup>۲</sup> . همان.

خواهد آورد که جدای از نقش‌های قبلی و گذشته را ایجاب می‌کند و نقطه بحرانی این گذر و انتقال نقش، آغاز دوره‌ی جدید زناشویی می‌باشد. در این بین توالی نقش‌ها دگرگون شده، ارتباطات جدیدی میان هر یک از زوجین گسترش خواهد یافت و موجب دگرگونی معاشرت‌ها و سبک زندگی قبلی شده و یا موجب از بین رفتن آن می‌شود. بدین ترتیب می‌توان اظهار داشت که زندگی زناشویی، منجر به آغاز فصل جدیدی در دوره‌ی زندگانی فردی می‌شود. مسئولیت‌ها در زندگی بسیار هستند و از جمله این مسئولیت‌ها می‌توان از پذیرش مسئولیت (پدری) نام برد که با در نظر داشتن اهداف و مقاصدی بعد از ازدواج بایستی ایفاء شود. این یک روند طبیعی است، زیرا ازدواج منجر به تولید نسل شده و موجب ارتقاء به مقام پدری یا مادری می‌شود. پدری دارای ارزش و مقام برجسته و قابل احترامی می‌باشد، به همان اندازه نیز احترامش بیشتر می‌باشد. پدر با فرزند خود دارای دو گونه رابطه است؛ یکی رابطه وراثتی و دیگری محیطی می‌باشد. کودک تصور و ذهنیتی خاص از پدر خویش دارد. او پدرش را چهره شاخص و برجسته‌ی خانواده دانسته و ضامن بقای خود و خانواده می‌داند. همچنین پدر را عامل تأمین آرامش و امنیت روحی، اقتصادی و شخصی با اقتدار می‌داند و به خاطر همین ذهنیت در پی آن است که با وی همانندی کند. پدری تنها نمی‌تواند اعمال قدرت و اقتدار در خانواده باشد. بلکه «پدری» مسئولیت بس مهمی است که بایستی برای رسیدگی به اعضای خانواده و فرزندان و امور مختلف زندگی ب‌عهده بگیرد. اگر پدر ارزش و مقام والایی دارد. به خاطر این است که مسئولیت مهمی را بر عهده گرفته است و امر سرپرستی، تهیه امور اقتصادی در خانواده و حفظ امنیت و آرامش و صیانت اعضای خانواده از خطرات متعدد را بر عهده گرفته است. پدر، بزرگ خانواده بوده و مایه سرور اهل خانه است، او عامل مهر و محبت است و برای رشد و پیشرفت اعضای خانواده وجودش لازم است. اوست که به نیازهای تک تک اعضای خانواده رسیدگی می‌کند، به کودکان محبت می‌کند و کار و حالشان را سر و سامان می‌دهد اگر در انجام مسئولیت موفق باشد فرزندان

در برابر حوادث مجهز و آماده خواهند شد و اگر موفق نباشد احتمال کج روی و انحراف زیادتر می‌شود. بنابراین به نقش اساسی پدر اشاره شد و می‌بینیم که چگونه پس از ازدواج مرد بایستی چنین نقش مهمی را ایفا کند.<sup>۱</sup>

## ارتباط پدر و فرزند

فرزند حاصل ترکیب سلول‌های جنسی زن و مرد می‌باشد و بسیاری از صفات و ویژگی‌های خود را از پدر و مادر خویش گرفته است. بر این اساس فرزند را می‌توان وارث صفات و خصایص والدین دانست. نقش پدر برای فرزند و زندگی حال و آینده او بسیار مهم و حیاتی است. او دارای تأثیرات محیطی و وراثتی سرنوشت ساز برای فرزند است، عملکرد و رفتار وی الگو و مدلی برای فرزند است. گفتارش سند و جرأت او، اطمینان بخش و آرامش دهنده می‌باشد. وقار و هیبت او سازنده و غرورش کارساز است.<sup>۲</sup>

## نقش پدر در رشد فرزند

از آیات سوره مبارکه آل عمران، آیات ۳۳ تا ۳۷ و آیه ۲۸ سوره مبارکه‌ی مریم استفاده می‌شود که رشد و کمال انسان بستگی به ارتباط او با چهار واقعیت دارد. پدر با ایمان، مادر مؤمنه، معلم پاک و دلسوز، غذای حلال. تأثیر وضع پدر در اخلاق و اعمال و تربیت فرزند است.

---

۱. حسین، نجاتی، نقش تربیتی پدر در خانواده، تهران: نشر ژرف، صص ۶۷-۶۵.

۲. همان، ص ۷۳.



پدر در درجه‌ی اول باید به تربیت دینی و اخلاقی و دانش اندوزی فرزند توجه کند و در مرحله‌ی دیگر با همسرش آنچنان زندگی کند، که شیرینی حیات را در کام فرزندان تلخ نکنند و در جهت دیگر مواظب باشند که لقمه‌ای از حرام سر سفره اهل بیت و فرزندان نبینند. در روایات اهل بیت - علیهم السلام - آمده چند طایفه بی حساب وارد عذاب می‌شوند، یکی از آنها پدران هستند که به تربیت دینی و اخلاقی فرزندانشان توجه نداشتند. خداوند متعال تمام انسان‌ها را برای رسیدن به مقام خلافت از خدا، هدایت، دانش، بصیرت و نهایتاً ورود به بهشت خلق فرمود. رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - پدران را به موقعیت خطیری که دارند توجه داده، امامان بزرگوار به پدران سفارشات زیادی کرده‌اند، پدر در خانه همچون امیر مملکت که مسئول همه جامعه است مسئول زن و فرزند است و فردای قیامت پدر در معرض مؤاخذه حق است. فرزندان خود را آراسته به نیت پاک کنید، آنان را به کار خیر ترغیب نمائید، عشق به علم و دانش و عالم و دانشمند را در قلب آنان ظهور دهید. آنان را با خود به مجالس الهی ببرید، به تکلیف نرسیده مسائل واجب را به آنها تعلیم دهید، با آنان رفیق باشید و با نرم خوئی و کرامت و اخلاق خوش رفتار کنید. پیامبر و امیرالمؤمنین - علیهم السلام - برای تمام پدران بهترین اسوه و سرمشق هستند. پدران باید احوالات و زندگی این دو بزرگوار را مطالعه کنند سپس در زندگی خود برنامه‌های آن دو معصوم را سرایت دهید که بگذارید فرزندانان در انتخاب الگو و اسوه به جای انتخاب چهره‌های مبتذل خارجی و داخلی، رسول حق و مولای عارفان و عابدان و پرهیزکاران مؤمنان را انتخاب کنند، زمینه سازی کنید که خانه و اهل آن بوی نبوت و ولایت بگیرد تا خیر دنیا و آخرت شما تأمین شود.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> . حسین، انصاریان، نظام خانواده در اسلام، صص ۴۴۹-۴۴۵.

پدر نه فقط در تأمین امکانات اقتصادی و اجتماعی خانواده، نقشی اساسی ایفا می‌کند، بلکه وجود او در تعلیم و تربیت کودکان نیز اهمیت والایی دارد. کودک زمانی قدرت و اهمیت پدر را درک می‌کند که تا حدی بزرگ شده، به موقعیت خود و دیگر اعضای خانواده پی برده باشد و آن هنگام در می‌یابد که محور اصلی گردش زندگی و نظم و ثبات آن رفیع نیازمندی‌های خانواده را پدر بر عهده دارد. امام سجاد - علیه السلام - خطاب به پدر می‌فرمایند:

« حق فرزندان بر تو آن است که بدانی او از توسل و رفتار نیک و بدش در این دنیا با تو پیوند دارد و تو به دلیل مسئولیت و ولایتی که به او داری موظفی او را خوب تربیت کنی و به جانب پروردگار رهنمون باشی و به او کمک کنی تا در ارتباط با تو و خودش، از خداوند فرمان برد و نیز توجه داشته باش که اگر او را به شایستگی تربیت کنی، پاداش آن را خواهی یافت و چنانچه در تربیت او سهل انگاری کنی مورد عقوبت خداوند قرار خواهی گرفت.»<sup>۱</sup>

## نقش پدر در تربیت فرزندان

نقش پدر در تربیت فرزند بسیار مهم است. نقش پدر در تربیت کودکان گسترده‌تر شده و آن‌ها مسئولیت‌های نظیر مراقبت از کودکان، تعلیم کودک، تعویض لباس و ... را نیز بر عهده می‌گیرند. در گذشته تنها وظیفه تأمین مخارج کودک بر عهده پدر بود و امور مربوط به کودک معمولاً به مادران واگذار می‌شد. نقش پدر در تربیت کودک بسیار مهم است. آن‌ها می‌توانند در

---

<sup>۱</sup> . ابومحمد الحسن ابن شعبه، حرانی، تحف العقول عن آل الرسول، بی‌جا: چاپ و نشر بین الملل، بی‌تا، ص ۱۸۹.

رها کردن کودک از قید و بند احساسات به طور مفید وارد عمل شده و به او بیاموزند. هنگام نامیدی چگونه بدون درگیر کردن احساسات با مشکل کنار بیایند.<sup>۱</sup>

معمولاً پدر در دوران نوپا بودن کودک به دلیل قادر نبودن کودک به تکلم در برقراری رابطه با او دچار مشکلاتی است اما باید توجه داشت در این زمان آن‌ها می‌توانند با کودک بازی کرده و رابطه خود را با او نزدیکتر کند. نحوه برقراری رابطه پدر و مادر با کودک متفاوت است. مادرها حس محبت، صمیمیت و نزدیکی را از طریق مراقبت و شیر دادن به کودک کسب می‌کنند. حال آنکه پدرها از بازی کردن با او به این حس دست می‌یابند. فراگیری مهارت‌های یکدیگر می‌تواند آن‌ها را در کسب نتیجه بهتر از تربیت و صمیمیت با کودک یاری کند.<sup>۲</sup>

به طور مثال اگر پدرها مهارت‌های بچه داری را بیاموزند و مادر نیز تمرین کند که چگونه کمتر احساساتی شود، زندگی کودک از عشق و محبت پر خواهد شد. هنگامی که عشق به قانون گذاری، تربیت مثبت، تعامل و ارتباط خوب همراه باشد، والدین می‌توانند تعادل و ثبات را به زندگی کودک خود وارد کنند. وجود پدر موجب گرمی و شادی کانون خانوادگی می‌باشد. نحوه برخوردها، روش و شیوه‌های محبت یا اعمال خشونت، نحوه اعمال انضباط، اتکای به نفس و بسیاری مسائل دیگر برای فرزند درس آموز و تعیین کننده می‌باشد. رابطه واقعی با فرزندان این است که بتوانید درک کنید که چه مسائلی در اذهان کودکان می‌گذرد، نه اینکه تنها به صحبت‌های آنان از روی بی‌اعتنایی گوش فرا دهید. توانایی والدین بایستی در آن حدی باشد که از طریق پیام‌ها و کلمات کودکان به احساسات آنان پی برده و تنها به این نکته توجه نکنند که چه چیزی در روزهای قبل برای او اتفاق افتاده است. یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های پدر ایجاد

---

۱. حسین، نجاتی، نقش تربیت پدر، تهران: انتشارات ژرف، بی تا، صص ۸۹-۸۵.

۲. همان.

اعتماد بین خود و فرزندش است. این رابطه بایستی محکم و استوار باشد، اگر غیر از این باشد نمی‌توانید مشکلات فرزندان خود را درک کنید تا آنان به تصمیمات و خواسته‌های شما احترام بگذارند. اگر پدر توانسته باشد یک رابطه تنگاتنگ با فرزند خویش برقرار کند. قادر می‌شود او را به شیوه‌های دلخواه و مورد علاقه خود هدایت کرده و او را تربیت کند. یکی دیگر از مسائل مهم تربیتی که والدین در ارتباط با فرزند بایستی برای آن ارزش قائل شوند این است که فرزند خود را نسبت به ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها آگاهی داده و قدرت تشخیص را در آنان تقویت کنند و این مسئله مهم زمانی به واقعیت خواهد پیوست که پدر بتواند ارزش هر چیزی را در ذهن فرزند خود درست و بجا جایگزین کند. در این مورد پدر بایستی یک الگوی تمام عیار باشد تا فرزندش از او پیروی کند. زیرا اعمال کودک تماماً تقلید است.<sup>۱</sup>

پدر از دیدگاه کودک، منبع قدرت به حساب می‌آید. او توقع دارد که این قدرت در راه خیر و صلاح کودک و خانواده مصرف شود و برای وی منشاء خیر و نیکویی باشد، نه زحمت و ملامت و رنج. پدر بایستی به گونه‌ای با کودک خود برخورد کند که کودک هر آن در آرزوی دیدارش لحظه شماری کند، نه اینکه از او گریزان و روی گردان باشد. پدر نمونه و سرمشقی است که پسر سعی می‌کند مانند او باشد و از او تقلید کند، زیرا از لحاظ جنسی با او مشترک است و این اشتراک انگیزه‌ای برای تقلید وی می‌باشد و این تقلید نیرومندترین عامل در رشد و پرورش و هم‌پن‌طور تکوین شخصیت پسر می‌باشد. دختر نیز یک وابستگی رمانتیک به پدرش دارد. پدر نخستین فردی است که از جنس مخالف که دختر می‌بیند و احساس دختر نسبت به پدرش، چگونگی روابط او را با مردان دیگر در آینده تعیین خواهد کرد.<sup>۲</sup>

---

۱. حسین، نجاتی، همان کتاب، صص ۸۵-۸۹.

۲. همان.

## وظایف اساسی پدر در خانواده

مسئله پدری و عهده داری سرپرستی فرزندان و مسئولیتی خطیر و موفقیت در آن مستلزم آگاهی، فداکاری و اخلاق و اعتقاد است. به فرموده پیامبر پدر مسئول است او مسئول است اعتماد را در درون خانواده بیاورد مراقب فرزندان باشد و زمینه را برای استقلال و آزادی فراهم آورد و مخاطرات را از آن‌ها دور سازد از همان دوران جنینی پدر، پدر باید زمینه ساز تربیت فرزندان باشد تا روزی که او به دنیا آمد دچار گرفتاری و سردرگمی نباشد.<sup>۱</sup>

پدر رهبر و مدیر خانواده است، نه به خاطر اینکه به ریاستی دست یابد یا کمبودهای خویش را بپوشاند، بلکه او رهبر است و به خاطر اینکه هدایت خانواده و فرزندان در جهت رشد و شکوفایی شخصیت، بر عهده اوست. او بایستی زمینه را برای بزرگ شدن کودک از لحاظ عاطفی، اخلاقی، انسانی، جسمی و ... فراهم کند. او می‌بایست شرایطی را در خانواده خویش ایجاد کند که شخصیت کودک در آن رشدی طبیعی کند، حسن اعتماد بنفس، خویش اتکایی، آزادی اندیشی در او رشد کرده و تقویت شود. او بایستی به نحوی عمل کند که استعدادهای گوناگون فرزندان شکوفا شود به صورتی که بتوانند در جامعه انسانی مثبت برای خود و دیگران باشند.

پدر برای خانواده هم رهبر و هم مدیر است وی مجری مقررات خانوادگی و حافظ و نگهبان منافع و مصالح تک تک اعضای خانواده است. پدر بهترین و قابل اعتمادترین نقطه اتکای کودک است، اوست که تصمیم می‌گیرد، سازماندهی می‌کند، می‌سازد، اجرا می‌کند، پناه می‌دهد، مسئول انضباط، مسئول امور مالی و ... خانواده است. فرزندان پدر را ناخودآگاه، سمبل قانون و عامل اقتدار می‌دانند و هم او را راهنما، هادی، حامی، مراقب خانواده، عامل عشق و فداکاری و موضوع

---

<sup>۱</sup> . حمید رضا، ترکمندی، ماهنامه پیام زن، شماره ۱۵۴، (سایت زیبا وب)، دی ۱۳۸۳ هـ.ش.

ستایش و تحسین می‌دانند. کودک در عمل دریافته که او مدیر و رئیس خانواده است. موضوع پدری و سرپرستی فرزندان، مسئولیتی بس خطیر و موفقیت در آن مستلزم فداکاری، آگاهی عشق، صبر و اطمینان است. از همان دوران جنینی، پدر بایستی زمینه ساز تربیت فرزند باشد تا روزی که او متولد می‌شود. دچار سردرگمی و گرفتاری شود. این مسئولیت خطیر موقعی موفقیت و رضا مندی به همراه دارد که پدر آن را با آمادگی کامل از پیش حاصل کرده باشد. پدر رئیس خانواده، مدیر خانه به شمار می‌آید. او بایستی با اندیشه و آگاهی‌های لازم امکانات سعادت و نیکبختی، رفاه و آسایش و آرامش اعضای خانواده را برای تک تک اعضای خانواده به ارمغان آورد. اگر کودکی پدر خود را سهل انگار و بی مسئولیت ببیند، دچار یأس و دل‌زدگی از خانواده می‌شود. نیازهای گوناگون خانواده بایستی به شیوه‌های منطقی و متعادل بر آورده شوند.<sup>۱</sup>

عدم ارضای این نیازها، باعث لطمات جبران ناپذیری برای خانواده و مخصوصاً فرزندان خواهد شد و کدورت بین پدر و اعضای خانواده به وجود می‌آید. برای کودک، لطمات به وجود آمده از عدم ارضای نیازها، بسیار عمیق است و احتمال دارد که سلامت و رشد عاطفی، جسمی اجتماعی و اخلاقی او را به خطر افتد. و روابط وی و اعضای خانواده مخصوصاً پدر، تیره شده و باعث یأس و ضعف در او خواهد شد، در نهایت سبب می‌شود که عقده‌های روانی و نابسامانی‌های فراوانی در وی به وجود آید و ریشه بگیرد و در این صورت فرزندان نیازهای خود را از طریق جامعه و راه‌های دیگر برآورده می‌سازند که گاه سبب نابودی و زوال آن‌ها گردد. دامنه نیازهای کودک بسیار وسیع است. یکی از نیازمندی‌های اساسی دیگر کودک، نیاز به امنیت به معنای اخص کلمه و به معنای گسترده آن است که در همه‌ی موارد، بایستی در بالاترین و بهترین شکل ممکن احساس شود. رشد کودک هنگامی امکان پذیر است که در امنیت و محیط آرام خانواده

---

<sup>۱</sup> . حسین، نجاتی، نقش تربیتی پدر در خانواده، تهران: نشر ژرف، صص ۸۹-۸۵.

حاصل شود. کودک باید احساس کند که در پناه و سایه محافظت پدر از تمامی خطرهای در امان می‌باشد، این احساس ایمنی، برای رشد شخصیتی کودک ضروری است. تحقیقات متعددی که در زمینه امنیت صورت گرفته، نشان دهنده این مطلب مهم است که اگر امنیت کودک تأمین نشود، باعث اختلالات گوناگونی در فرزندان می‌شود. فقدان امنیت در بسیاری از موارد موجب وحشت و اضطراب شدید و زمینه ساز بسیاری از رفتارهای نامطلوب و نابسامانی‌های مختلف می‌شود. همچنین تحقیقات بسیاری دیگر که در این زمینه انجام گرفته، نشان می‌دهند کودکانی که در کنار پدر خویش احساس امنیت نمی‌کنند، کودکانی ترسو، درون‌گرا، افسرده، متزلزل در برابر هر نابسامانی می‌گردد. یکی دیگر از مسئولیت‌های پدر، تربیت فرزند است. وی باید در این زمینه به گونه‌ای عمل کند که کودک در آینده فردی مفید برای جامعه و خود باشد. مسئولیت در این زمینه بس سنگین و مهم است. پدر وظیفه دارد که کودک خود را فردی لایق، متعهد و مسئول بار آورد. وی در این راستا مجبور است که هدفی را در امر تربیت کودک دنبال کند که سرانجام آن، تحکیم شخصیتی با ثبات و انسانی را برای کودکش در پی داشته باشد. انساری‌اش تحکیم یابد، بایستی به او چیزی بیاموزد که مورد استفاده وی در زندگی آینده و حال قرار گیرد. پدر وظیفه دارد زمینه‌های مختلف استعدادها را شکوفا کند و نگذارد که این استعدادها در زیر گرد و غبار مدفون شود در این باره پدر باید از روش‌های تربیتی گوناگون آگاهی داشته باشد. امر تربیت، مستلزم تلاش و کوشش مستمر و مراقب و دلسوزی طولانی است در این راه، تنها اختصاص دادن وقت کافی نیست، بلکه به همراه آن بایستی هوشیاری و آگاهی باشد. پدران بایستی در این جهت فداکاری‌های لازم را بکنند و مراقبت‌های لازم را داشته باشد. اگر پدر با فرزندانش برخوردی اصولی و منطقی داشته باشند، کار تربیت آسان می‌شود در صورت کوتاهی

پدر در امر تربیت زمینه برای بسیاری لغزش‌ها و انحرافات فراهم می‌شود و ممکن است کودک به سمت تباهی برود.<sup>۱</sup>

## نقش‌های متعدد پدر در قبال فرزند

کودک که به دنیا می‌آید، بجز از آگاهی‌های ذاتی و فطری چیزی به همراه خویش ندارد و از چیزهایی که در جهان می‌گذرد سر در نمی‌آورد، او به آگاهی نیازمند است. در این عرصه، محیط و خانواده چه موضعی باید اتخاذ کند؟ کودک نیاز دارد جهان پیرامون خویش را درک کند و بشناسد و از نحوه تطابق با آن آگاهی حاصل کند. بفهمد که چه فلسفه و چه هدفی را باید برای زندگی خویش انتخاب کند و برای معاشرت خود چه شیوه‌ای را برگزیند و چه آداب و رسومی را رعایت کند و با ارزش‌های گوناگون جامعه خویش، با زیبایی‌ها و زشتی‌های جهان خود، آشنایی یابد. این آگاهی را پدر باید به فرزندان خود بدهد و به عنوان یکی از آگاه‌ترین افراد خانواده، باید آگاهی‌های فوق را به کودک بدهد. پدر اگر این آگاهی را از کودک دریغ کند از موقعیت شایسته خود از دید کودک آفت می‌کند. پدر در ارتباط با این مسئولیت، نقشی را ایفا می‌کند که دیگران از آن محرومند. پدر پایه‌های صحیح اطلاعات و علم را در خانواده می‌گذارد و به کودک خویش مهارت و معلومات و ... را ارزانی می‌دارد و جهت و راه را به آنان گوشزد می‌کند. پدر باید نقش فرهنگی خود را از اولین روزهای زندگی کودک شروع کند و نگذارد که ذهن کودک از مطالب گوناگون دیگران پر شود و دیگر مجالی برای داده‌های پدر باقی نماند. پدر باید با نقشه‌های قبلی و اهدافی مشخص و حساب شده و اساسی، هوشیارانه در این راه گام نهد. نیاز

---

<sup>۱</sup>. حسین، نجاتی، همان کتاب، صص ۸۹-۸۵.



به مذهب، از ضروری‌ترین نیازهای آدمی است و ریشه در وجود او دارد و برای توسعه زندگی فردی و اجتماعی و حرکت و تکامل انسان‌ها بسیار حیاتی و ارزشمند می‌باشد. پرورش مذهبی کودکان، یکی دیگر از وظایف عمده پدر است. شور و شوق به کمال و فضیلت و پاکی، موجب شده که نقش مذهب بسیار تعیین‌کننده و راهگشا باشد. پدر باید با در نظر گرفتن این روح بی‌نهایت، این احساس را در کودک تقویت کند و با توجه به این احساس فطری باید کودک را به سمت مذهب جهت دهد و اطلاعات لازم را در اختیارش بگذارد و او را تشویق کند. آموزش‌های پدر باید طوری قرار گیرد که کودک عمیقاً بتواند به آن پایبند باشد و از تمام لغزش‌هایی که در این که در معرض آن قرار گیرد به دور باشد. پدر باید قوانین و ضوابط جامعه را طوری تطبیق دهد که کودک هنگام عمل به آن بتواند که خود را با آن هماهنگ سازد. یکی از مسئله‌های مهم دیگر که مطرح است و از تفاوت‌های اساسی حیوان و انسان به شمار می‌رود موضوع اخلاق است، حدود و مقرراتی که با به کار بستن آن، رشد آدمی میسر می‌شود. اخلاق، ضرورتی برای حیات فردی و اجتماعی به شمار می‌آید و تربیت باید همیشه همراه با اخلاق باشد تا معنا و مفهوم داشته باشد. پدر وظیفه دارد تمامی زمینه‌های فطری در کودک را پرورش و جهت دهد. به جنبه‌های عاطفی و اخلاقی آن توجه داشته باشد و او را به سمت خیر و صلاح راهنمایی کند. پدر باید خود معرف و الگوی برتر آن رفتاری باشد که می‌خواهد آن را به کودک آموزش دهد و القاء کند. در تربیت اجتماعی و اخلاقی کودکان باید به این نکته توجه داشت که دامنه آن وسیع و شامل همه مسائل و مباحثی می‌شود که در حیات اجتماعی حال و آینده کودک به آن‌ها نیازمند است. چون فرزندان خود را با پدر همانند سازی می‌کند، این نکته بسیار قابل تأمل است که اگر در رفتار پدر نارسایی مشهود باشد باز هم فرزند با او همسانی می‌کند و این مسئله بایستی به دقت و عمیقاً مورد توجه پدران قرار گیرد. از وظایف مهم دیگری که پدر بایستی به آن عمل کند، تکوین نقش سیاسی کودک است. بدون هیچ‌شکی بخشی از وظایف تعهدات پدر، معرفی جهان،

اقوام، کشورها و سرپرست‌های حکومتی است. پدر به تدریج و با در نظر گرفتن ظرفیت و درک کودک و با فراخور حال کودک، او را نسبت به مسائل و موضوعات سیاسی موجود جهان آگاه می‌کند. در تربیت سیاسی، کودک بایستی به اندازه‌ی توان و استعداد، نقش خود را در عرصه جهان دریابد و احساس کند که در جامعه چه نقشی را بایستی ایفا کند و چگونه در مقابل جریان‌ات موضع منطقی بگیرد. این واقعیت را باید پذیرفت که شخصیت آدمی در کلیت خود از محیط اجتماعی و خانواده ساخته می‌شود و تأثیر می‌گیرد و پدر در این راستا است که به کودک خود نحوه‌ی موضع‌گیری‌های مختلف سیاسی را می‌آموزد و او را با واقعیات موجود اجتماع آشنا می‌کند که پدر خود باید اولین الگوی سیاسی فرزند خود قرار گیرد. مسأله اقتصاد از مسائل مهم و ضروری جامعه به شمار می‌آید و از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است و نقش بزرگی در زندگی آدمی دارد. از این رو پدر بایستی از همان اول کودکی به پایه‌گذاری و ایجاد علاقه در این زمینه بپردازد تا کودک در دوران کار از آن روی گردان نشود. فرزندان به تدریج متوجه می‌شوند که همچون والدین خود عهده دار مسئولیتی می‌شود و با فنون و شغلی آشنا شود پدر می‌تواند با استفاده از آگاهی کودک به این مسئله با تذکرات و هشدارها و راهنمایی‌های به جا و منطقی و مناسب، شوق و رغبت کودک را در این راه عمیق‌تر کرده و گسترش دهد. به دلیل نقش الگویی که پدر برای کودک دارد، او هیچ‌گاه نباید از کار و شغل خود بد بگوید و اظهار نارضایتی و بدبختی کند زیرا موجب تشویش و هراس کودک برای حضور در جامعه خواهد شد. به همین دلیل اگر پدر در طول زندگی نقش خود را به خوبی ایفا کند موجب می‌شود که فرزندان آنها در مقابل حمله‌ی تهاجمانه‌ی غربی‌ها محفوظ بدارند و زندگی آنها قابل تجاوز نباشد.<sup>۱</sup>

---

۱. حسین، نجاتی، همان کتاب، صص ۸۹-۸۵.

بنابراین تربیت فرزندان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مسئولیت پدر است که باید در اجرای آن کوتاهی نکند باید توجه داشت که تربیت فرزندان در هر جامعه‌ای بر اساس فرهنگ آن جامعه متفاوت است. پدران باید توجه داشته باشند که آن‌ها نوعی الگو برای فرزندان‌شان هستند و هر گونه سهل‌انگاری در این زمینه می‌تواند خطرات جبران‌ناپذیری را ایجاد کند. پدر باید فرزند خود را از تمام ابعاد ( فرهنگی ، اجتماعی و اخلاقی ... ) تربیت کند.

**فصل دوم:**

**نقش مادر**

دامن مادر نخستین مدرسه و اولین پایگاه تربیتی است در این مدرسه کودک علم و اخلاق و دین می‌آموزد. مهم این است که آنچه کودک در این مدرسه می‌آموزد برای همیشه در نزدش می‌ماند. طفل بدون آگاهی و نیرو پا به این جهان می‌گذارد و کاملاً متکی به مادر است. بر این اساس تا مادر خود را از عوامل فاسد و اخلاق نادرست دور ندارد، نمی‌تواند امیدوار به زندگی خوب فرزندش باشد.

## نقش مادر

پس از تولد نوزاد، مادر نخستین فرد خانواده است که با کودک تماس مستقیم دارد. در واقع زندگی کودک با ارتباط زیستی میان او و مادرش آغاز می‌شود. این ارتباط نه فقط در رفع نیازهای کودک مؤثر است بلکه بر حالات روانی و عاطفی وی نیز تأثیر می‌گذارد. اصولاً رشد طبیعی و روانی کودک در درجه‌ی نخست، به وجود مادر وابسته است و تا مدتی طولانی، وی عمده‌ترین نقش را در زندگی فرزند بازی می‌کند. رابطه‌ی کودک با مادر، نخستین عامل رشد و تکامل وی به شمار می‌آید. از سوی دیگر، مادر اولین تماس میان کودک و دیگران را برقرار می‌کند و در او علاقه به اشخاص دیگر را به وجود می‌آورد. او نخستین واسطه‌ی بین کودک و زندگی اجتماعی است و هنگامی در ایفای نقش مادری مهارت خواهد یافت که به کودک علاقمند باشد و او را از مهر و محبت و سلامت برخوردار کند. مطالعاتی که روان‌پزشکان کودک درباره‌ی ناراحتی‌ها و اختلالات عاطفی کودکان به عمل آورده‌اند، نشان می‌دهد که علت بیشتر این اختلالات محرومیت از مادر است. کندی در سخن گفتن، پایین آمدن بهره‌ی هوشی، کاهش

میزان جنب و جوش، کم عمقی واکنشی عاطفی، پرخاشگری، اختلال حواس، ضعف استعداد تفکر انتزاعی و ... می‌تواند از آثار ناگوار محرومیت از مادر به حساب آید.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد وجود حالات عاطفی لازم و مناسب، اساسی‌ترین عاملی است که می‌تواند نقش مادر را در رشد و تکامل کودک نشان دهد. از گفتار پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - چنین استفاده می‌شود که مادر بیشتر از پدر، به ابراز عواطف نسبت به فرزند خود می‌پردازد و درباره‌ی رشد و تکامل او بیشتر جدیت به خرج می‌دهد.<sup>۲</sup> و این حاکی از اهمیت وجود مادر برای رشد کودک است.

حضرت امام زین‌العابدین - علیه السلام - ضمن بیان گوشه‌ای از زحمات طاقت‌فرسای مادر در مسیر رشد و تربیت فرزند، می‌فرمایند:

« هرگز کسی را به تنهایی یارای سپاس و تقدیر از مادر نیست، مگر اینکه از خداوند مدد

جوید و از او توفیق انجام دادن این وظیفه را بطلبید.<sup>۳</sup>

## اهمیت نقش مادر در تربیت فرزند

دوران جنینی یکی از مهم‌ترین دوران زندگی کودک است و اقدامات تربیتی مادر در این دوران می‌تواند تأثیرات زیادی بر رشد و تکوین شخصیت کودک بگذارد و به نسبت بی‌توجهی به این دوران و غفلت از آن در تربیت سال‌های بعد از زندگی او اثرات منفی خواهد داشت. دوران

---

۱. علی اکبر، شعاری نژاد، روانشناسی رشد، بی‌جا: انتشارات اطلاعات، آبان ۱۳۹۲ هـ.ش، ص ۷۲.

۲. ملا محسن، فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۳، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا، ص ۴۳۵.

۳. محمد، محمدی ری شهری، میزان الحکم، ج ۱۰، چاپ سوم، تهران: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۱ هـ.ش،

بارداری بین مادر و کودک ارتباط بسیار نزدیکی برقرار است. کشش فطری و باطنی موجود میان مادر و فرزند امری انکار ناپذیر است. چون اولین محیط و مکان امنی که کودک احساس می‌کند، درون رحم مادر است. بر اساس گواه قرآنی و یافته‌های علمی، گوش اولین وسیله ارتباطی جنین با عالم بیرون از رحم است و جنین قادر به شنیدن صداهای اطراف خود است و مادر نماینده جنین در دیدن مناظر اطراف او است. به همین دلیل تمام حالات و افکار و روحيات مادر به طور مستقیم بر روی فرزند تأثیر می‌گذارد و از پیش پا افتاده‌ترین مسائل تا مهم‌ترین مسائل در شکل‌گیری شخصیت کودک تأثیر می‌گذارد. یکی از نکات دیگر مهم دوران بارداری تغذیه مادر و تأثیر آن بر روی کودک است. مادر باید سعی کند از طعامی طیب و پاک و حلال بخورد و در هنگام خوردن غذا نام و یاد خدا را در دل داشته باشد و مراقب باشد که از هر غذایی نخورد، چرا که مال حرام بر روی جنین اثر می‌گذارد و باعث شقی شدن و به وجود آمدن اخلاق و روحيات بد در کودک می‌شود. همان گونه که در پرورش ظاهری جنین نیاز به غذای ظاهری است، برای پرورش روح و روان جنین نیز نیاز به غذای معنوی است، غذایی که روح و روان کودک را با خدا و اولیای او آشنا کند، و روح عشق و زیبایی را درونش پرورش دهد. «بعد از گذراندن نه ماه وقتی نوزاد از محیط باطن مادر وارد محیط بیرون می‌شود با بی‌تابی گریه می‌کند. او احساس می‌کند امنیتش به خطر افتاده است. در اینجا اولین مسئولیت مادر پس از تولد نوزاد شکل می‌گیرد که همان در آغوش گرفتن، نوازش کردن و تغذیه او است و بهتر است که هنگام شیردهی و خواباندن کودک، مادر او را در سمت چپ خود قرار دهد، زیرا نوزاد در دوران جنینی با صدای ضربان مادر انسی داشته و به همراه این صدا غذا دریافت می‌کرده است پس از تولد نیز با قرار گرفتن در سمت چپ مادر و تغذیه همراه با شنیدن این صدا آرامش می‌یابد.» هیچ غذایی نمی‌تواند جانشین مناسب شیر مادر برای کودکان باشد، تغذیه کودکان با شیر مادر به دلیل ویتامین‌ها و مواد غذایی کاملی که دارد نه تنها باعث رشد جسمی و صحت مندی نوزاد می‌گردد بلکه تغذیه کودکان با شیر مادر

تأثیرات عمیق روحی و عاطفی را در کودک خلق می‌نماید. فرزند انسان هر چند آدمی زاده متولد می‌شود اما انسان واقعی نیست و تنها به واسطه تربیت است که خواهد توانست در مسیر رشد و تکامل انسانی گام بردارد. فرزند امانتی از سوی خداوند در دست والدین است که باید کوشیده شود تا با تربیت صحیح، این امانت را به خوبی به صاحبش باز گرداند. آشنایی با تربیت یکی از حیاتی‌ترین نیازهای بشری و یکی از ضروریات حیات انسان است. آن کسی که تربیت نیافته، نه تنها خود را تلف کرده بلکه از لحاظ اجتماعی زیان عظیمی از او متوجه مردم دیگر خواهد شد. تربیت واقعی یعنی پرورش دادن، شکوفا کردن و به فعلیت رساندن استعداد های درونی در جهت کمالاتی که خداوند آن را هدف خلقت انسان معرفی می‌کند، قلب کودک نیز همانند زمینی است که برای پذیرش هر نوع بذری آمادگی دارد. از این رو والدین نخستین نقش را در تربیت فرزندان دارا هستند و الگوی رفتاری او به شمار می‌آیند. دامن مادر، بزرگ‌ترین مدرسه‌ای است که بچه در آنجا تربیت می‌شود. آنچه که بچه از مادر می‌شنود غیر از آن چیزی است که از معلم می‌شنود. بچه از مادر بهتر می‌شنود تا از معلم. خداوند متعال زن را موجودی سرشار از عاطفه و محبت خلق کرد و صبر و بردباری تربیت را در دل آن نهاد تا به اصلی‌ترین وظیفه خود که تربیت افراد صالح است، با شکیبایی جامه عمل بپوشاند. آن قدری که بچه از مادر می‌شنود، آن قدر که اخلاق مادر در بچه کوچکش تأثیر دارد و به او منتقل می‌شود از دیگران عملی نیست. مادرها مبدأ خیرات هستند و اگر خداوند نخواست مادرانی باشند که بچه را بد تربیت کنند مبدأ شرند. اما حقیقت تلخی که در دنیای امروز رو به افزایش است فاصله گرفتن مادران از فرزندان و پرداختن به کار بیرون از منزل است، مشکل اکثریت خانواده‌های امروزی این است که یاد برده‌اند فرزند بیش از هر چیز حمایت و عطوفت می‌خواهد نه ثروت و تجمل. امروزه عده‌ای تنها نام مادر را یدک می‌کشند، چه فایده که کودکی در آغوش خدمتکار از همه جا بی خبر ناراحت و افسرده، ولی مادر او رئیس یا مدیر کل باشد. چنین مادرانی نمی‌توانند رسالت خود را در جامعه تحقق



بخشند. زیرا فرصتی برای این کار ندارند. فرزندان چنین مادرانی حقیقتاً یتیم اند و مثل بچه‌های یتیم و بی سرپرست در معرض خطرات و آلودگی‌ها و انحرافات قرار دارند. به فرموده امام خمینی - رحمه الله علیه - می‌فرمایند:

«شریف‌ترین شغل عالم، بزرگ کردن بچه است و تحویل دادن یک انسان است به جامعه.» این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ انبیاء را برایش فرستاده، در طول تاریخ انبیاء آمدند انسان را درست کنند. تربیت فرزند صالح بزرگ‌ترین وظیفه مادران است که باید سال‌ها قبل از تولد فرزند به این امر توجه داشت. نقش تربیتی زن در اسلام پیش از ازدواج آغاز می‌شود به همین خاطر سفارش شده دختران در سازندگی و تربیت خود بکوشند و قبل از ازدواج نقش مادری خود را در نظر آورده و روح و جسم خود را برای آن آماده کنند. در طول تاریخ زنان بزرگی بوده‌اند که با تسلیم عاشقانه وجود خود را به کاملان زمان و مربیان الهی سپردند تا در سایه سار تعلیمات و نفعات روحانی آن گوهر وجود خویش را از زنگار شرک و پلیدی پک نموده و فرزندان را به هستی آورند که مظهر خلیفة الله بودند و هر یک به تنهایی جامعه‌ای را متحول ساختند، همچون مریم مقدس که در حصار امن ولایت حضرت زکریا - علیه السلام - رشد و پرورش یافت و با عشق و دلدادگی تسلیم تعلیمات پرورش دهنده وی شد تا به وجود آورنده عیسی - علیه السلام - آن روح قدسی و کلمه الله گردد. «مادر خوب بچه خوب تربیت می‌کند و خدای نخواستہ اگر مادر منحرف باشد بچه از همان دامان منحرف بیرون می‌آید.» پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - می‌فرمایند:

«انسان بدبخت در شکم مادرش بدبخت است و انسان سعادت‌مند در شکم مادرش

سعادت‌مند است.»<sup>۱</sup>

## مادران شاغل

درباره‌ی این سؤال که آیا اشتغال مادران در خارج از خانه سازنده است یا زیان بار؟ جواب قطعی و روشنی وجود ندارد. میزان تأثیر اشتغال مادران شاغل بر فرزندان رابطه‌ی نزدیکی با ویژگی‌ها، نگرش‌های اجتماعی، شرایط موجود در خانه و اجتماع، جنس و سن کودک و نیز علت اشتغال مادر دارد. شاغل بودن مادران بر اساس برخی تحقیقات تأثیری تهدید آمیز بر فرزندان ندارد، بلکه نتایج مثبتی به ویژه برای دختران در پی داشته است. رشد سازگاری اجتماعی و شخصیتی دختران می‌تواند از این آثار مثبت تلقی شود. از سوی دیگر مشخص شده کودکانی که مادران شاغل دارند از والدین خود الگوهای تثبیت شده و رایج کمتری دریافت می‌کنند و به کار می‌بندند و از اینکه مادران وقت بسیار کمی را با آنان می‌گذرانند، شکایت دارند. اشتغال تمام وقت مادران، به طور قطع تأثیرات نامطلوبی در رشد کودک به ویژه رشد عاطفی او بر جای می‌گذارد. خانه داری مادران نیز هنگامی می‌تواند روش تضمین شده‌ای برای تربیت سالم و شایسته‌ی کودک به حساب آید که مادران در محیط خانه رابطه خویش را با کودک حفظ کنند و نسبت به امور تربیتی آنها اهتمام ورزند. توجه بیش از حد مادران به تنظیم و انجام دادن امور منزل و غفلت از ایجاد رابطه‌ی مناسب و لازم با فرزندان نیز زیان آور است. مادران شاغل و مادران

---

<sup>۱</sup> . حسن، لطف آبادی، روان شناسی رشد کودک و مفاهیم اسلامی در روانشناسی رشد، بی جا: بی نا، بی تا،

خانه داری که در خانه همواره در فکر کار منزل هستند و کمتر به فرزندان خود توجه می‌کنند. هر دو، تأثیر نامطلوبی بر روند رشد کودک بر جای می‌گذارند.<sup>۱</sup>

در چنین وضعیتی چه بسا معلمان شایسته‌ی آموزشگاه‌های پیش دبستانی، بهتر بتوانند نیازهای عاطفی کودکان را تأمین کنند. بدون شک مادران غیر شاغل بهتر می‌تواند به نیازهای عاطفی، اجتماعی، فرهنگی و شخصیتی کودک خود پاسخ دهد و در حین رسیدگی، با وی تعامل عاطفی برقرار ساخته، او را از عواطف محبت آمیز خود بهره‌مند گرداند، مادری که با فراغت کامل در انجام دادن وظیفه‌ی خانه داری و مادری موفق باشد و محیط خانه را محل امنیت و آرامش خاطر خود، فرزندان و همسرش قرار دهد، بهتر می‌تواند بین خود و سایر اعضای خانواده، روابط انسانی ایجاد کند و از این طریق، الگوهای صحیح تربیتی را به فرزندان منتقل سازد. مادری که به دنبال چندین ساعت کار و تلاش در خارج منزل با حالتی خسته به خانه بر می‌گردد، نمی‌تواند بر انجام دادن این مهم آن طور که شایسته است اقدام کند. در چنین مواردی کودکان در انتظار و اشتیاق دیدن مادر لحظه شماری می‌کنند ولی باعث سرد شدن روابط بین آنها می‌گردد و باعث تعارض و همچنین بر رفتار و روان کودک آثار نامطلوب بر جای می‌گذارد به همین خاطر مادران چه شاغل باشند چه خانه دار باید در تمام زمینه‌ها نسبت به فرزندان خود کوتاهی نکنند که باعث تزلزل آنها در آینده آنها شود.<sup>۲</sup>

بنابراین وظیفه‌ی ما در این است که اولاً تربیت فرزند را مهم و ضروری بدانند، ثانیاً برای

تحقیق آن بکوشد و ثالثاً از روش‌های تربیتی آگاهی داشته و به آنها به طور دقیق عمل کند.

---

۱. حسن، لطف آبادی، همان کتاب، ص ۱۷.

۲. همان.

**فصل سوم:**

**نقش فرزندان و خویشاوندان**

خویشاوندان و فرزندان بزرگ‌تر به طور طبیعی به الگوی فرزندان کوچک‌تر تبدیل می‌شوند و از آنجایی که اشتیاق بچه‌ها به پیروی از خواهر و برادر بزرگ‌تر امری طبیعی است والدین می‌توانند با تشویق آن‌ها به رفتارهای صحیح و توصیه به مراقبت از فرزندان کوچک‌تر به القای احساس مسئولیت و استقلال در فرزند بزرگ‌تر کمک کرده و اعتماد به نفس آنان را تقویت می‌بخشد.

## فرزندان

فرزندان بعد از والدین عنصر دیگر خانواده را تشکیل می‌دهند و به سهم خود بر رشد یکدیگر به ویژه از لحاظ رشد اجتماعی تأثیر متقابل دارند.

## تأثیر متقابل خواهر و برادر

خواهر و برادر بعد از والدین در شخصیت و رفتارهای اجتماعی یکدیگر بیشترین تأثیر را دارند. به خصوص اگر در سنین ۲ تا ۱۰ سالگی باشند. در روابط خواهر و برادر احتمال یادگیری کودک از الگوهای رفتاری چون وفاداری، حمایت، اختلاف، تسلط جویی و رقابت بسیار زیاد است. برادران و خواهران معیارهایی را تعیین می‌کنند و از آن‌ها تقلید می‌کنند که از طریق آن‌ها می‌توانند کنش متقابل اجتماعی را تمرین کرده، در واقع تنش عاطفی به یکدیگر رسانند. روابط خواهر و برادر همراه سن تغییر می‌کند. در دوران بلوغ از برخی رقابت‌ها و سرگیری‌های نخستین و آشکار کاسته می‌شود و در مواردی که خواهران و برادران به منزله‌ی افراد قابل اعتماد و سرچشمه‌ی اتکای روحی برای همدیگر به شمار روند، نوعی صمیمیت خاص بین آنان ایجاد

می‌شود. در زمینه‌ی وضع ظاهری و مشکلات اجتماعی و عاطفی نیز خواهران و برادران بهتر و با سهولت بیشتری می‌توانند مسائل خود را در میان بگذارند. در روایات اسلامی در مواردی خواهران و برادران عامل زداینده‌ی غم و اندوه یکدیگر دانسته شده.<sup>۱</sup>

و در مواردی، هنگام اندوه و بلا، یاور و پشتیبان هم. به هنگام خوشی و آسایش، زینت یکدیگر معرفی شده‌اند.<sup>۲</sup>

پیامبر بزرگوار اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - دو برادر را به دو دست تشبیه می‌کنند که موقع شستشو هر کدام دیگری را یاری می‌رساند و ملاقات آن‌ها باعث خیر برای دیگری است.<sup>۳</sup>

قابل ذکر است که در بیشتر موارد برادر نسبت به برادر و خواهر نسبت به خواهر روابط دوستانه‌تری دارد تا برادر نسبت به خواهر و یا بالعکس. در واقع فرزندان هم‌جنس خانواده، از یکدیگر بیشتر تقلید می‌کنند تا فرزندان ناهم‌جنس.

### نقش فرزند بزرگ‌تر (ارشد)

غالباً از فرزند ارشد انتظار می‌رود مسئولیت خواهر و برادر کوچک‌تر را که جانشین او شده‌اند بپذیرد و خویشتن‌دار باشد. هنگامی که فرزند ارشد احساس حسادت یا خصومت می‌کند. والدین وی را سرزنش و تنبیه می‌کنند، در صورتی که فرزند کوچک‌تر مورد حمایت قرار می‌گیرد و یا از او دفاع می‌شود. از طرف دیگر، فرزند نخست تسلط بیشتری بر دیگران دارد، با کفایت است

---

۱. حضرت علی - علیه السلام - : «الاکخوان جلاء الهموم و الاحزان»، شرح غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۴۳.

۲. حضرت علی - علیه السلام - : «الاکخوان زینة فی الرخاء و عُدَّة فی البلاء»، ج ۱، ص ۳۹۴.

۳. رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - : «مثل الخوین اذا التقیا مثل الیدین تغسل احدیہما

الخری و ما التقی المؤمنان قط الا افاد الله احدیہما من صاحبه خیراً»، محجۃ البیضاء، ج ۳، ص ۲۸۵.

و توانایی زور گفتن و همچنین کمک و آموزش به خواهران و برادران کوچکتر خود را دارد. بنابراین. شگفت آور نیست اگر فرزندان بزرگ خانواده رفتارهای مخالف آمیزی چون ضربه زدن، لگد زدن، گاز گرفتن و یا رفتارهای تربیتی سازگارانه ای نسبت به خواهران و برادران کوچکترشان نشان می‌دهند. قدرتمندی و زورگویی فرزند ارشد برای فرزندان کوچکتر قابل قبول است و آنها این قدرتمندی را می‌پذیرند؛ زیرا در بیشتر اوقات به حال آنان مفید است. میزان کمک و اعمال قدرت خواهر و برادر بزرگتر به کوچکترها در اواسط دوران کودکی افزایش می‌یابد. رفتارهای متقابل معمولاً از جانب خواهر و برادر بزرگتر نسبت به کوچکترها یا مشاهده نمی‌شود و یا بسیار کم است. به علاوه آنان نسبت به فعالیت‌های کوچکترها علاقه چندانی نشان نمی‌دهند، مگر اینکه به کار خودشان مربوط شود. فرزندهای بزرگتر چون مورد تقلید کوچکترها قرار می‌گیرند باید در رفتارهای خود دقت بیشتری داشته باشند که الگوهای مناسبی بر آنها قرار بگیرند.<sup>۱</sup>

## نقش خویشاوندان

دخالت اطرافیان در تربیت فرزند، خصوصاً پدر و مادر والدین، همیشه اذیت کننده و نگران کننده بوده و هست. اگر چه پدر بزرگها و مادر بزرگها می‌توانند نقش حمایتی مفیدی برای کودک و والدین داشته باشند، اما گاه همین حمایت می‌تواند مضر و آسیب رسان باشد. بارها دیده شد که پدر و مادر طبق شیوه قدیم با کودک رفتار کرده‌اند و با تشر پدر و مادر خودشان مواجه

---

<sup>۱</sup> . ناصر، بی ریا، روانشناسی رشد ۲، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، بی تا، صص ۸۶۸

شده‌اند و همین باعث شده کودک، آغوش پدر بزرگ و مادر بزرگ را ترجیح دهد. این نگرانی زمانی بیشتر می‌شود که والدین ناچار شوند کودک خود را ساعاتی از روز برای نگهداری به پدر بزرگ و مادر بزرگ بسپارند. کارشناسان معتقدند در نبود پدر و مادر، مادر بزرگ و پدر بزرگ تا ۳ سالگی بهترین جانشین برای نگهداری از فرزند هستند. سپردن کودک به آن‌ها که سرشار از مهر و محبتند، از سپردن به مهد کودک بهتر است. از نکات مثبت سپردن کودکان به مادر بزرگ و پدر بزرگ این است که آن‌ها از منبع سرشار عاطفه در غیاب والدین محروم نمی‌شوند. اما به دلیل وابستگی زیادی که پدربزرگ و مادر بزرگ به نوه دارند، ممکن است در برخورد با آن‌ها آسان‌گیرتر از والدین باشند. این سهل‌گیری بیش از حد باعث بروز رفتارهای نامناسب از جمله لجبازی و پرخاشگری بیشتر در کودکان می‌شود. این موضوع تقریباً در مورد تمام مادر بزرگ و پدر بزرگ‌ها صدق می‌کند و کودکان وقتی با آن‌ها هستند رفتارهای نامطلوب بیشتری دارند و متأسفانه مادر بزرگ و پدر بزرگ چشم‌پوشی کرده و عکس‌العمل مناسبی نشان نمی‌دهند و حتی گاه با بسیاری از بی‌ادبی‌ها و رفتارهای نامطلوب کودک کنار می‌آیند. تأثیر رفتار آن‌ها در تربیت فرزند قابل چشم‌پوشی نیست در فرهنگ ما، نوه از فرزند هم عزیزتر و شریف‌تر است و بنا بر همین موضوع، آن‌ها همواره در صدد محبت بیش از اندازه به نوه‌هایشان هستند که این اتفاق می‌تواند در موارد بسیاری ایجاد مشکل کند. حضور آن‌ها در نحوه تربیت کودک به میزان قدرتمندی آن‌ها و نحوه مدیریت رفتار آنان توسط والدین بستگی دارد. اگر ناهماهنگی بین آنچه که والدین از کودک می‌خواهند با آنچه که مادر بزرگ برای کودک می‌پسندد وجود داشته باشد می‌توان شاهد رفتارهایی نظیر لجبازی، پرخاشگری و تضاد ورزی، پنهان‌کاری و دروغ‌گویی در کودک بوده. فرزند بین تربیت والدین و رفتارهای اطرافیان نزدیک قرار گیرد. تبعات منفی زیادی به دنبال دارد. اول این که کودک به این باور می‌رسد که هر ممنوعیتی واقعاً غیر قابل اجتناب نبوده و می‌شود کارهای ممنوع را نیز انجام داد و گاه با برخورد قاطع مواجه نشد. دومین اثر



منفی این اتفاق، نفرت از والدین است. کودک وقتی می‌بیند در خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ و یا اقوام نزدیک آزادی کامل دارد و با او برخورد نمی‌شود. ناخودآگاه نسبت به رفتارهای سخت‌گیرانه والدین حساس شده و از آن‌ها تنفر پیدا می‌کند. تمام اطرافیان که به نحوی در مراقبت و تربیت کودک نقش دارند، باید هم صدا و هماهنگ باشند و یکدیگر را تأیید کنند تا کودک جایی برای نافرمانی پیدا نکند. چنانچه بین این افراد اختلاف نظر و ناهماهنگی تربیتی وجود داشته باشد، کودک متوجه این ناهماهنگی می‌شود و از یکی به دیگری پناه می‌برد تا حرف خود را به کرسی بنشانند. این موضوع باعث خواهد شد تا نافرمانی و بدرفتاری کودک افزایش می‌یابد و باعث می‌شود کودک به محبت‌های بیرونی روی آورد و باعث مختل شدن فرهنگ وجودی او می‌شود.<sup>۱</sup> بنابراین فرزندان بعد از والدین عنصر دیگر خانواده را تشکیل می‌دهند. و به سهم خود بر رشد یکدیگر به ویژه از لحاظ رشد اجتماعی تأثیر متقابل دارند. در روایات اسلامی در مواردی خواهران و برادران عامل زداینده‌ی غم و اندوه یکدیگر دانسته شده که هنگام آسایش یا غم و اندوه زینت یکدیگر معرفی شده‌اند.

---

<sup>۱</sup> . ناصر، بی‌ریا، همان کتاب، صص ۸۶۸ - ۸۵۹.

**بخش چهارم:**

**راه‌های جلوگیری از تهاجم فرهنگی به  
خانواده**

## فصل اول:

# شوره‌ها و ابزارهای تهاجم فرهنگی

شپوه‌های تهاجم فرهنگی به دو بعد داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند. بعد خارجی شامل استفاده از شبکه‌های گسترده، بنگاه‌های تبلیغاتی در سخن پراکنی خود می‌کوشند. به عنوانی چون نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم، آزاد نبودن زنان و ... ترسیم نمایند. و بعد داخلی شامل: الف) ترویج اندیشه‌های غیر اسلامی و ضد اسلامی ب) تجرد گرایی، غرب گرایی، علم زدگی و عقل گرایی افراطی و ... است.

ابزارهای تهاجم فرهنگی: (۱) ورود زنان بیگانه به جای زنان رسمی و عمومی (۲) ترویج تجمل گرایی (۳) وسایل ارتباط جمعی و ... می‌باشد. که در این راه زشت‌ترین و شیطانی‌ترین شپوه‌ها و ابزارهای تهاجم فرهنگی را بر می‌گزینند.

خانواده انسان به مثابه یک واحد اجتماعی و نیز هر کدام از گروه‌ها و قشرها و بالاخره یک ملت و یک امت و یک مجموعه‌ی بزرگ بشری نیز باید به عنوان یک واحد حیاتی در نظر گرفت. در چنین واحدی شرط سلامت حیات و تضمین سلامتی و رشد تناسب و تعادل آن باید به عنوان یک واحد زنده برخوردار از تعادل جاری مورد توجه قرار گیرد. زندگی سالم و داد و ستدهای متعادل تمامی قشرها و آحاد یک جامعه با تمامی و در تمامی ابعاد و وجوه آن و نیز ارتباط این واحد با جهان خارج خود باید بر محورها و معیارها و بهره‌مند از سنجش‌ها و فیلترهایی صورت گیرد که ضامن بقاء و پایداری و تأمین شرایط لازم برای حفظ و جریان تعادل جاری آن بوده باشد. همان‌گونه که عوامل زیست محیطی جهان خارج دائماً دستخوش دگرگوری‌ها و تکامل بوده و نحوه زندگی و برخورد با این عوامل نیز متحول بوده است؛ همچنین پیشرفت و تکامل مادی زندگی از خورد و خوراک گرفته تا مقولات مربوط به زندگی جمعی، دگرگوری‌ها و انطباق انسان را با شرایط نو به نو شوند طلب می‌کند و هم بر انسان اثر می‌گذارد و هم از انسان اثر می‌پذیرد؛ در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی و معنوی و جنبه‌های روحی و روانی انسان و جامعه نیز وضع به همین قرار است. هر پدیده نو در محیط زیست انسانی به لحاظ بیولوژیک عکس‌العمل معقول و

متعادل انسان را برای تضمین تعادل جاری و مالا حیات سالم طلب می‌کند. ساده‌ترین مثال را می‌توان برق و الکتریسیته و یا واضح‌تر از آن آلودگی هوا ناشی از سوخت انرژی فسیلی دانست کاربرد اتومبیل و وسایل حمل و نقل ضمن اینکه ساختار جامعه را متحول می‌سازد اثرات نامطلوب بر محیط زیست بر جای می‌گذارد که تمهیدات معقول و منطقی را لازم می‌سازد. یک انسان تربیت یافته باشعور و صاحب معیارهای عقل و خرد از یک خانواده متدین، زمانی که با پدیده‌ای مواجه می‌شود یا خبری می‌شنود از خود عکس‌العمل مناسب نشان می‌دهد و بسته به صحت و سقم مثبت و یا منفی بودن و پسندیده یا ناپسند بودن جریان از سنجش‌ها و فیلترهای تعبیر شده در جسم و روان و اندیشه و خرد خود مدد می‌گیرد و با آن به گونه‌ای مواجه می‌شود که تعادل جاری حافظ سلامت جسم و روح او را به مخاطره نیافکند. جوان تربیت یافته‌ای که با جریانی ناپسند مواجه می‌شود با بهره‌گیری از معیارهای حسن و قبح نهفته در وجودش، سلامت جسم و روان خود را مصون نگه می‌دارد. این مثال و این مقدمه را از آن جهت ذکر کردم که وضعیت جامعه خودمان را در عصر جدید که به عصر انفجار اطلاعات شهرت یافته است و در محاصره سیطره امواج را دیوئی و تلویزیونی و ماهواره‌ای هستیم، نشان دهم. جامعه‌ای که دارای عناصر بسیار اصیل و ارزشمند فرهنگی و دینی و ملی و طبیعی است و بایستی در حیات مادی و معنوی خود مانند بدن یک انسان سالم در تعادل جاری زندگی سالم خود را بگذراند، و نمی‌تواند با جهان خارج خود قطع رابطه کند و لذا پیوسته در داد و ستد و کنش و واکنش مادی و معنوی قرار دارد، لازم است ارگان‌ها و ابزارهای ضامن تعادل را شناخته و آن‌ها را تقویت کند و با سالم و فعال نگه داشتن آن‌ها، سلامت اجتماعی را تأمین و تضمین کند. آنچه که در این مجموعه به بحث مورد نظر ما مربوط است، برخورد منطقی با هر امواج و عصر رسانه‌ها و ارتباطات الکترونی است که جریانی روز افزون یافته و با یورش و شبیخون به جامعه بشری، در صدد از بین بردن و

نابود کردن اجزاء و عناصر ضامن تعادل جاری در حیات فرهنگی و روحی و سلامت روانی جامعه‌ها می‌باشد.

همان گونه که بدن انسان از یک سیستم و نظام تدافعی در مواجهه با عناصر اخلاک‌گر سلامت جسمی برخوردار است و نیز با برخورداری از یک معیار و ترازوهای تعیین کننده واکنش‌های انسانی در مواجهه با اطلاعات ویرانگر، تعادل جاری نظام فکر و جسم خود را تأمین می‌کند جامعه نیز باید به چنین ارگان‌های مجهز باشد.

ارگان‌های که می‌توانند موجبات عکس‌العمل مطلوب انسان و جامعه را در برخورد با تنش‌های اطلاعاتی و یورش و خروش جریان اطلاعاتی تضمین کنند عبارتند از:

۱- خانواده.

۲- نظام آموزشی .

۳- ارگان‌های مذهبی و نهادهای تربیت اخلاقی و فرهنگی.

۴- ارگان‌های قضایی .

۵- احزاب و دستجات کوچک و بزرگ سیاسی، فرهنگی، هنری و نظایر آن .

۶- اصولاً هر شکل و اجتماعی که دارای ضابطه‌های فکری و التزامات عملی برای اعضاء خود می‌باشد.

در یک خانواده افراد به دلیل تعلقات عاطفی و فرهنگی و برخورداری نسبی از معیارهای اخلاقی و تربیتی و عقیدتی و غیره از نوعی وسیله دفاعی و ارگان تشخیص صلاح از غیر صلاح بهره‌مند هستند که آنان را در مواجهه با یک جریان یا یک حرکت اطلاعاتی یاری می‌رساند. با فرض، اینکه جوانی که از یک خانواده مذهبی است و به لحاظ عاطفی و روابط درونی، سالم به جریانی بر می‌خورد که از او برای شرکت در اجتماعی تفریحی دعوت می‌کنند. بلافاصله

در ذهن او معیارها و ابزارها سنجش‌هایی که تعبیر شده است وارد کار می‌شود و او به اقتضای آن تمیز می‌دهد و تعمیم می‌گیرد و عمل می‌کند.

کسانی که مسئولیت تربیت و هدایت فرزندان خود را بر عهده دارند از هر قشر و گروه و طبقه اجتماعی که هستید و از هر آئین و مسلک و مرام و دین و فرهنگ و سنتی که پیروی می‌کنید و حتی اگر معتقد هستید که باید در عصر جدید حساسیت و تعهدی نسبت به قید و بندهای انسان ساز مذهبی نداشته باشید لاقلاً این خواسته و آرزو را دارید که فرزندان خود را آن گونه که می‌خواهید و صلاح می‌دانید تربیت کنید. و راه سالم ارتقاء و زندگی در جهان متلاطم امروز را فرا راه آنان قرار دهید.

بهتر است از تجربه کسانی که طی دهه‌های اخیر شاهد اضمحلال تمامی اصول انسانی و فرهنگی انسان‌ها بوده‌اند و آثار رسانه‌های ارتباط جمعی را با تمام وجود خود بر جوامع خود حس می‌کرده‌اند بهره بگیرند.

کسانی که با سخاوت امواج ماهواره را به درون خانه و حریم خانوادگی خود راه داده‌اند و به مدد فیلم‌های ویدئویی تجارتی اوقات بیشتری را از عمر فرزندانشان قربانی می‌کنند، در یک اصل و نکته مسلم تردید نداشته باشید و آن این است که از آن لحظه به بعد، دیگر شما نقشی در تربیت و هدایت آنان نخواهید داشت و کم‌ترین کاری که انجام داده‌اید این است که نهان تربیت امیدهای آینده خود را چه در زمینه فرهنگ و چه در مقوله اخلاق به دست کسانی می‌سپارید که نه آن‌ها را می‌شناسید، نه از اهداف و اغراض آنان آگاهی دارید، نه روش‌های مؤثر و کارساز دست اندر کاران و گردانندگان و مجریان این برنامه‌ها را بررسی کرده‌اید تردیدی نداشته باشید که این مریبان ماهواره‌ای و این (تله واعظ) از فرزندان شما آن نخواهد ساخت که شما طلب می‌کنید. برای نجات عصر و نسل خود باید اقدام کنیم.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه‌ای در این باره می‌فرمایند:

«دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری اسلامی را با تهاجم نظامی نمی‌شود از بین برد محاسبه‌ی قبلی آنان غلط از آب درآمده بود. همین طور دیدند با محاصره‌ی اقتصادی هم نمی‌شود کاری کرد. ... لذا فهمیدند که باید (عقبه‌ی) ما را بمباران کنند ... (عقبه‌ی) ما در مبارزه ملت ایران با قلدری استکبار جهانی، عبارت از فرهنگ ما بود. منطقه‌ی عقبه‌ی ما از اخلاق اسلامی، توکل به خدا، ایمان و علاقه‌ی به اسلام بود.»<sup>۱</sup>

شپوهایی که فرهنگ سلطه گر جهانی، برای اسارت ملت‌های مستضعف جهان به کار گرفته، بسیار متنوع و گوناگون است.

در اینجا به برخی از مهم‌ترین این شپوه‌ها اشاره می‌کنیم.

## ۱- تربیت دست آموز

سیاستمداران، اساتید دانشگاه‌ها، دانشجویان فارغ‌التحصیل غرب، تاجران، صاحبان قلم، هنرمندان و شاعران می‌توانند بهترین عوامل برای نفوذ و نشر فرهنگ بیگانه باشند. اینان در صورتی که از هویت فرهنگی و ملی خود بیگانه شده و تبدیل به مهرهای ساخته و پرداخته استعمار گردند با زبان و قلم خویش، و با بهترین شیوه، تلاش می‌کنند تا فرهنگ مبتذل غرب را جایگزین فرهنگ ملی و بومی خود نمایند. همچنان که خود مجذوب بی بند و باری‌های فرهنگ بیگانه می‌شوند، می‌کوشند تا ملت خود را از ارزش‌های فرهنگ خودی تهی کرده، مجذوب جلوه‌های فرهنگ و تمدن نمایند.<sup>۲</sup> در این میان آنان که دوره‌های تحصیلی و تخصصی خود را در دنیای غرب گذرانده و اینک به عنوان استاد دانشگاه و متخصص رشته‌های گوناگون علمی و

---

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۱/۵/۲۲

۲. محمد علی، جاودان، در تحلیل استعمار فرهنگی، تهران: انتشارات بنیاد شهید، ۱۳۵۸ هـ.ش، ص ۳۳.



صنعتی به کشور خود باز می‌گرداند. می‌توانند این نقش مغرب فرهنگی را به بهترین وجه ایفا نمایند. مگر آنکه پیش از آن در فرهنگ دینی و ملی خودپخته و وارسته شده باشند.

با تأسف کشور ما نیز خالی از افراد وابسته و دل‌بسته به غرب نبوده نیست، زیرا قبل از انقلاب اسلامی افراد تحصیل کرده در داخل و خارج از کشور که ادعیه‌ی روشن‌فکری داشتند به گونه‌ای تربیت می‌شدند که فرهنگ غربی در نزد اغلب آنان بهترین و کامل‌ترین فرهنگ‌ها تلقی می‌شد. در نگاه این قلم به داستان بی‌اصالت و ماره‌های خوش‌خط و خال دست پرورده استعمار برای پیشرفت و رسیدن به تمدن، از فرق سر تا ناخن پا فرنگی شده، تمامی آداب، رسوم، و الگوهای رفتاری آنان را مورد تقلید بی‌چون و چرا قرار دهند.

## ۲- جدایی جوانان از اعتقادات دینی

جوانان سازندگان کشورند و اگر خوب تربیت شوند و باورهای دینی را در قلب پاک خویش بی‌روانند، هادیان جامعه‌اند، شور و نشاط جوانان وقتی با فرهنگ پاک و پویایی اسلام عجین شد، آنگاه به بار خواهد نشست و همگان از ثمرات آن بهره‌مند خواهند گردید. دشمنان اسلام این نکته را خوب می‌دانند: از این رو (باورهای اسلامی) در نوک پیکان آنان است و می‌کوشند از هر طریق اعتقادات را در وجود جوانان سست و کم‌رنگ کنند تا به خود برسند، زیرا با وجود فرهنگ اسلامی جای هیچ نفوذی برای فرهنگ بیگانه نیست. رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه‌الله خامنه‌ای - مد ظله‌العالی - از این توطئه شوم اینچنین نقاب برمی‌گیرند: «یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوان‌های مؤمن را از پایبندی‌های متعصبانه به ایمان که همان چیزی است که یک تمدن را نگه می‌دارد، منصرف کنند مانند همان کاری که در قرن‌های

گذشته در «اندلس» کردند. جوان ها ریختند در عالم فساد، شهوترانی و میگساری، این کارها در حال حاضر انجام می گیرد.<sup>۱</sup>

این ایمان و اعتقاد جوانان حزب الهی و بسیجی است که بر سر راه استکبار جهانی قرار گرفته است و از انقلاب اسلامی و اسلام ناب، پاسداری و حراست می کند. جوان با ایمان از امام راحل خویش آموخته است که تا ایمان به خدای قادر دارد، راهی برای نفوذ بیگانگان و رخنه در انقلاب اسلامی نیست، با این وفاداری به انقلاب اسلامی و تسلیم ناپذیری غیور مردان با ایمان، جایی برای غارتگری جهان خواران نخواهد ماند. و این را استکبار جهانی خود دریافته است. از این رو می کوشد با فاسد کردن جوانان، قدرت را از آنان بگیرند و آن ها را به سوی تباهی و پوکی سوق دهند.

### **۳- تشکیل مسابقات بین المللی، ادبی، هنری، علمی، ورزشی منطبق بر ارزش های غربی**

از دیگر شیوه های تهاجم فرهنگی دشمن، مسابقاتی است که در سطح بین المللی در رشته های گوناگون ادبی، هنری، علمی و ورزشی برگزار و به هنرمندان و دانشمندان کشورها جوایزی اعطا می شود در این تحلیل جایزه های که داده می شود مهم نیست بلکه مهم افرادی هستند که جایزه به آنان تعلق می گیرد.

و به اصطلاح مورد توجه استکبار جهانی قرار می گیرند که بیشتر افراد بی اصالت و دور از فرهنگ ملی و اسلامی و مزدوران را شامل می شوند غالب این افراد که ترویج کنندگان فساد و

---

<sup>۱</sup>. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۷/۱۵/۲۲.

ابتدال هستند و انسانیت را خدشه دار ساخته‌اند به عنوان چهره‌های برجسته‌ی ادبی، هنری، معرفی می‌شوند در نتیجه هر علم و هنری که بیانگر لجام گسیختگی آدمی و دور از معنویات بوده و در خدمت منافع غرب می‌باشد مورد تأکید قرار گرفته و می‌گیرد و برنامه‌های مبتذلی مانند انتخاب ملکه زیبایی و غیره که نه تنها فاقد ارزش‌های انسانی است. بلکه مایه‌ی لگد کوب کردن شرافت انسان و کرامت ذاتی اوست. در رأس برنامه‌های آنان قرار می‌گیرد.

به این ترتیب هنرمندان وابسته‌ای که بیشتر به تقلید از ادبیات و هنر اروپا و آمریکا می‌پردازند، مقبول استکبار قرار می‌گیرند و روشنفکران که فرهنگ اسلامی - ملی و سنت‌های بومی و دینی خویش را به صورت‌های مختلف مورد تحقیر و تمسخر قرار می‌دهند و همچون سلمان رشدی مرتد خود را به لامذهبی و بی‌قیدی زده و به رنگ اروپا و آمریکا در می‌آیند.<sup>۱</sup>

تلاش استعمار این است که با منزوی ساختن ادب و هنر انقلابی، هنر بازدارنده‌ی غرب را مطرح می‌سازد و بدین وسیله هنرمندان روشن بین و روشنگر را با انواع برچسب‌های لُ چسب از صحنه‌ی هنری و فکری جامعه حذف نماید. چرا که تنها با منزوی کردن نیروهای مؤمن و جایگزین ساختن مزدوران وابسته و غیر متعهد که می‌تواند به اهداف پلید شیطانی خود دست یابد.

#### **۴- تلاش در جهت نابودی افکار مخالف**

استکبار جهان خوار هر عقیده و فکری را که مخالف سلطه‌گری آنان باشد، مردود شمرده و سعی در نابودی آن دارد. کتاب آیات شیطانی که به دستور استکبار جهانی، نوشته شد و عقاید

---

<sup>۱</sup> . محمد علی، جاودان، در تحلیل استعمار فرهنگی، تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۵۸ هـ. ش، ص ۳۷.

بیش از یک میلیارد مسلمان را به تمسخر گرفت بر همین انگیزه تدوین و انتشار یافت. دشمن تلاش داشت تا با مطرح ساختن این مسائل، توهین به اسلام و دیانت را عادی سازد و یا به گفته‌ی خودش، بشر مورد نظرش را آزاد بسازد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره می‌فرمایند:

«صه‌یونیس‌ها با رایج کردن کتاب آیات شیطانی - که پیامبر اسلامی - صلی الله علیه و آله و سلم - و اصحاب آن حضرت را به شکل وقیحی مورد اهانت قرار داده است - تلاش کرده‌اند تا به تدریج اهانت به اسلام را عادی کنند.»<sup>۱</sup>

## ۵- ادعای دلسوزی برای آزادی مطبوعات

شیوه دیگر استکبار برای مخدوش ساختن فرهنگ ملی کشورها از جمله کشور ما، فریاد عدم آزادی مطبوعات است. غرب با شعار آزادی مطبوعات تلاش می‌کند تا کشور ما را مخالف آزادی مطبوعات جلوه دهد و به مردم دنیا القا کند که در ایران آزادی مطبوعات وجود ندارد.

این دروغ‌گویی استکبار با وجود بیش از ۴۰۰ مجله و روزنامه در کشور وقاحت و بی‌شرمی زیادی را می‌طلبد.

مستکبران زیاده‌طلب غرب، شیوه‌های ردیالانه‌ی دیگری را نیز در این راه به کار می‌گیرند. به علت رعایت اختصار از پرداختن به آن‌ها خودداری می‌کنیم.

---

۱. شناخت استکبار جهانی، ص ۵۰.

## ابزارهای تهاجم فرهنگی

از آنجا که موضع‌گیری انسان در زندگی فردی و اجتماعی بستگی به سه عامل توان، نیاز، آگاهی دارد، استکبار جهانی نیز با بکارگیری ابزارهای مدرن و پیشرفته درصدد است تا با تبلیغات وسیع و دامنه دار خویش از عوامل فوق در جهت منافع خود بهره برداری نماید. بنابراین به بررسی برخی از ابزارهای تهاجم فرهنگی می‌پردازیم و به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

### ۱- خبرگزاری‌های بین‌المللی

سرعت بیشتر در گردآوری و پراکندگی خبرها از شرایط کامیابی رسانه‌های گروهی به ویژه روزنامه‌ها و شبکه‌های خبر رسانی در جهان امروز به شمار می‌آید. و این خود، به سازمانی وسیع و پرهزینه نیازمند است؛ که اغلب از توان صاحبان رسانه‌ها بیرون است. استکبار جهانی از دیر باز، با هدف کنترل آشکار رسانه‌های گروهی جهان، سازمان‌های بزرگ خبر رسانی را بنیان نهاده است. این بنیادها که چشمان پیدا و پنهان خویش را در سراسر جهان گسترانیده‌اند خوراک هزاران نشریه و شبکه رادیو و تلویزیونی را فراهم می‌آورند. ارائه تفسیر و تحلیل‌های جهت دار، مخابره‌ی حوادثی که هرگز تحقق نیافته، گزارش نکردن حوادثی که با فزون خواهی سرمایه داران غرب سازگاری ندارد. بزرگنمایی برخی حوادث کوچک برای مخدوش ساختن چهره انقلابی‌های ضد استکبار، ناچیز جلوه دادن تحرکات آزادی‌خواهانه و نیز تزریق فرهنگ مصرفی غرب، بخشی از برنامه‌های این خبرگزاری برای کنترل رسانه‌های گروهی به شمار می‌آید.

## ۲- مطبوعات

مطبوعات در واقع به مفهوم وسیع خود می‌توان آینه افکار جامعه به شمار آورد. در روزگار ما با پیشرفت ابزار چاپ و امکانات پخش، همه روزه هزاران نوع کتاب، مجله، روزنامه و بولتن‌های رنگارنگ جاده‌ها را پشت سر گذارده و در کم‌ترین زمان ممکن خود را در دست‌های مشتاقان مطالعه و تحقیق جای دهند.

استکبار جهانی از دیر باز مطبوعات را به عنوان ابزاری مطمئن برای دست یابی به اهداف خویش شناخته و در مسموم ساختن فضای فرهنگی جوامع از آن سود برده است. رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی - رحمه الله علیه - در این باره می‌فرمایند:

«مجله‌ها با مقاله‌ها و عکس‌های افتضاح و تأسف انگیز و روزنامه‌ها با مسابقات درمقامات ضد فرهنگی و ضد اسلامی خویش با افتخار، مردم را به سوی غرب یا شرق هدایت می‌کردند.»<sup>۱</sup>

## ۳- رادیو و تلویزیون

رادیو و تلویزیون به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارند، پیوندی آسان‌تر و ژرف‌تر با مردم برقرار می‌کنند و اثری فزون‌تر و سریع‌تر بر اندیشه‌ها و رفتار و کردار یکایک افراد جامعه می‌گذارند. استکبار از دیر زمان نقش این پدیده‌ها را دریافته و کنترل آن‌ها را به دست گرفته است. بی‌ارزش جلوه دادن فرهنگ، آیین، رفتار و کردار بومی جوامع مورد تهاجم از یک سو و ارائه الگوهای ایمان سوز در شریقه‌ی اندیشه، پوشش، مصرف و ... از سوی دیگر بخشی از

---

۱. رضا، علوی، اصول علوم سیاسی، ص ۳۱.

برنامه‌هایی است که تبلیغات جهت دار استکباری، روزانه به سمت آنتن‌های رادیو تلویزیونی در سراسر جهان می‌فرستد.

امام خمینی - رحمه الله علیه - در فرازی از سخنان خویش درباره‌ی این پدیده تمدن جدید می‌فرماید:

«دستگاه رادیو و تلویزیون چنانچه من کراراً گفته‌ام، یک دستگاهی است که حساس‌ترین دستگاه‌های تبلیغاتی هر کشوری است که هم از طریق بصر و هم از طریق سمع، از آن استفاده می‌کنند و آن طوری که مردم به رادیو و تلویزیون توجه می‌کنند. به هیچ دستگاهی آن طور توجه نمی‌کنند. از دستگاه کوچکی که برای بچه‌ها گذارده می‌شود تا آن برنامه‌های که برای دیگران. اگر این دستگاه اصلاح بشود و برنامه‌های آن، برنامه‌های اصلاحی باشد، امید که یک مملکت اصلاح بشود. و اگر این دستگاه یک دستگاهی باشد که نظیر همان زمان طاغوت باشد مردم به همان حال باقی می‌مانند.»<sup>۱</sup>

پیشوای خردمند جمهوری اسلامی ایران مردم را از آلوده شدن به این عادت‌های ناپسند بر حذر داشته و هشدار می‌دهد که :

« مبدا چنانکه در افراد سطحی و غافل دیده شده است، نسل انقلابی و زنان مؤمن دوباره روی به مصرف و تجمل‌های پوچ و گرایش‌های غیر انقلابی بیاورند.»<sup>۲</sup>

---

۱. روح الله، خمینی، صحیفه نور، ج ۱۰، تهران: انتشارات سروش، بی تا، ص ۱۱.

۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۸/۵.

#### ۴- سینما، تئاتر

مستکبران جهان با چنگ اندازی به مرزهای هنر و سرمایه گذاری از صنعت فیلم، نه تنها خون‌های مسموم و آلوده‌ی فرهنگ ویژه‌ی خویش را بر پیکر نحیف جهان سوم تزریق می‌کنند. بلکه به کنترل مردمان ساکن در کشورهای غربی نیز می‌پردازد. سود جویان غرب با بهره‌گیری از شیوه‌های پیچیده و مدرن تولید فیلم، مفاهیم خاص ارزشی خود را که غالب موارد نقش تخریبی ارزش‌های واقعی سایر فرهنگ‌ها را به عهده دارد، در قالبی بسیار زیبا و جذاب در میان مردم ترویج می‌کنند و با تهی ساختن جامعه از معنویات، راه را برای چپاول هر چه بیشتر آن هموار می‌سازند.

امام خمینی - رحمه الله علیه - در این باره می‌فرمایند:

«تمام این رسانه‌ها گروهی را اجیر کرده‌اند، یا از قصد و نیت شوم خودشان بود که طبقه جوان را به واسطه‌ی رادیو و تلویزیون و سینما و تئاتر و مطبوعات و مجلات و ... سرگرم به عیاشی کنند و عیاش بارشان بیاورند.»<sup>۱</sup>

#### ۵- مواد مخدر

تجربه چندین ساله نشان داد که استکبار تنها به غارتی بهتر، فزون‌تر و ایمن‌تر می‌اندیشد. سرمایه داران غرب با این دیدگاه هر انسان شرقی آگاه و متعهد به اصول انسانی را آتشفشانی خاموش می‌بینند که ممکن است روزی برای منافع آنان خطر آفرین باشد. از این رو نگاه آنان گرفتار ساختن مردم در جهان سوم در دام اعتیاد و فساد، تنها یک برنامه و توطئه ساده نیست؛

---

<sup>۱</sup> . وصیت نامه سیاسی - الهی.



بلکه نوعی یورش به زاغهی مهمات طرف مقابل و به آتش کشیدن آن به شمار می‌آید. زیرا افرادی که در معرض وزش توفان اعتیاد قرار می‌گیرند، نه تنها دیگر تولید کننده و اندیشمند نخواهند بود، بلکه با تبدیل شدن به انگلی نیمه جان و رها شده از چارچوب‌های معقول معنوی به عنوان ارزان‌ترین وسیله در جهت اهداف غرب به تباه ساختن بنیادهای استقلال جامعه می‌پردازد.

## ۶- کالاهای صادراتی

سود جویان غرب همه‌ی اهرم‌های ممکن را در راه برقراری سلطه‌ی همه جانبه و چیرگی سیاسی و اقتصادی خود به کار می‌گیرند و کشورهای تحت سلطه را حتی در گزینش کالاهای وارداتی، آزاد نمی‌گذارند. اینان از فقر مادی و نیازمندی‌های علمی، صنعتی و تکنولوژیکی کشورهای جهان سوم استفاده کرده و با ترفندهای گوناگون، زمینه ورود فرهنگ خویش را فراهم ساخته و با دست‌های پنهان و آشکار خویش، به چپاول منابع ارزنده آنان می‌پردازند. در این شیوه ضد انسانی، باور کردن کالاهای مصرفی لوکس مانند لوازم آرایشی، لباس‌های بدن نما با مدل‌های تحریک کننده و مانند آن، خودروهای سواری پر زرق و برق و ... به کشورهای غارت شده، و با تبلیغات وسیع خویش، تجمل گرایی و مصرف زدای و روحیه‌ی اشرافگری را در بین سران کشور و طبقه مرفه بی درد، ایجاد نموده و از غفلت و ناآگاهی طبقات مختلف مردم، استفاده می‌نمایند.

ورود این کالاها علاوه بر این که بار فرهنگی ویژه‌ای را همراه دارد، از به جریان افتادن اندیشه و سرمایه‌های این کشورها در راه‌های سازندگی پیشگیری می‌کند. مردمی که در معرض وزش تندباد صادرات کالاهای مصرفی غرب قرار گیرند، از یک سو با وجود انبوه کالاهای مصرفی ارزان، انگیزه‌ی تولید در داخل کشور را از دست می‌دهند؛ و از سوی دیگر با فرو رفتن در

منجلاّب، که هدیه مسموم اهریمنان دیو سیرت غرب است مذهبی و خطر کردن در راه آن باز می‌مانند.

بنابراین دشمن بر تهاجم فرهنگی ثابت قدم بوده و سه محور اصلی جامعه‌ی دینی و اسلامی ما را هدف قرار داده است. الف) پیشنهاد باورها ب) ارزش‌ها و گرایش‌ها ج) رفتارها و کردارها.

آن‌ها برای از بین بردن باورهای دینی ما، نهایت تلاش و کوشش انجام می‌دهند و باورهای دینی ما را افسانه و خیال‌بافی می‌دانند و می‌خواهند در بین افراد جامعه شبهه ایجاد کنند و آن‌ها را نابود سازند.

**فصل دوم:**

**راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی**

ملت مسلمان برای مقابله با یورش ناجوانمردانه فرهنگی باید بزرگی خطر را به درستی درک کند و متوجه باشد که دشمن هویت ملی مسلمانان را نشانه رفته و در پی کم رنگ کردن و بی رمغ کردن فرهنگ اسلامی است. به همین دلیل باید به فکر راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن شوند. که اگر این روند ادامه پیدا کند نسل آینده که آینده سازان و نیروهای اصلی جامعه‌اند، نه ایمان محکم و نه شناخت دقیقی از ارزش‌های دینی و اخلاقی خویش خواهند داشت.

با کنکاش فشرده در زمینه‌ها، ابزار و شیوه‌های « یورش فرهنگی » راه‌های رویارویی با آن نیز آشکار می‌شود ولی برشمردن مؤثرترین آن‌ها می‌تواند چونان سودمند باشد و مؤمنان را در مسیر مبارزه با آن یاری دهد. بر این اساس مهم‌ترین این راه‌ها بر اساس ذیل می‌باشد:

## **۱- شناخت فرهنگ و اهداف دشمن در تهاجم فرهنگی**

بی تردید شناسایی دشمن و برآورد اهداف، توان و تفکر وی، از الفبای مبارزه به شمار می‌آید، که پیش از برداشتن نخستین گام باید بدان پرداخته شود. برای رویارویی با یورش فرهنگی نیز باید فرهنگ دشمن و ویژگی‌های آن مورد بررسی دقیق قرار گیرد. چنین تحقیق وسیع و همه جانبه ای، اندیشمندان را در شناخت درست ردپای انحراف یاری دهد از سوی دیگر، اهداف دشمن، ابزار و شیوه‌های وی نیز باید در این یورش شناسایی شود. آگاهی از ابزار و شیوه‌های مورد استفاده‌ی یورشگران می‌تواند مسئولان و رزمندگان جبهه‌ی فرهنگی را در خلع سلاح مهاجمان کمک کند و نقشه‌های آنان را خنثی سازد. آشنایی با هدف‌های تهاجم دشمن نیز بسیار ارزنده و حائز اهمیت است. زیرا در سایه‌ی شناسایی اهداف و مقابله‌ی اصولی با آن می‌توان از آسیب پذیری اقشار مختلف جامعه در برابر توطئه‌های دشمن جلوگیری کرد. از این رو سزاوار

است چشم‌های بیدار و جستجو‌گری وجود داشته باشد تا ضمن شناسایی اهداف، ابزارها و شیوه‌های مورد استفاده دشمن در این زمینه، هر گونه تغییر روشی را نیز برای مردم و مسئولان یادآور شود.

## ۲- تقویت بینش دینی و سیاسی

یقین به حقایق با عظمتی چون آفریدگار جهان، پیامبران الهی و رستاخیز تعهد در انسان را پدید می‌آورد و میزان مصونیت او را در برابر یورش فرهنگی بیگانگان افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، تقویت باورهای دینی و پی‌ریزی بینشی درست در زمینه‌ی مذهب و سیاست می‌تواند چون سنگری نفوذ ناپذیر مردم را در برابر بمباران فرهنگی دشمن محافظت نماید و سودجویان غرب را ناکام و ناامید سازد. بی‌تردید، چنین ایمانی جامعه را به جهت‌گیری صحیح رفتاری رهنمون می‌شود و از کژ روی و ناهنجاری‌ها باز می‌دارد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «پروردگارشان به سبب ایمانشان هدایتشان می‌کند.»<sup>۱</sup>

نگاهی به سرنوشت اندیشمندانی که سال‌ها در اروپا و آمریکا به کسب دانش و تخصص پرداخته و پای بندی خود را به اصول اعتقادی و مبانی فکری اصیل خود همچنان حفظ کرده و پس از بازگشت به میهن اسلامی نیز مردم را به پیروی از آن فراخواندند به خوبی روشنگر این حقیقت است که ایمان درست و اعتقاد راسخ به اصول دین، انسان را در برابر امواج فساد غرب مقاوم می‌سازد.

---

۱. «يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ ...»، یونس (۱۰) / ۹.

بر این اساس، دستگاه‌های مذهبی چون حوزه‌های علوم دینی رسالتی عظیم را بر عهده دارند. و باید پرداختن به اصول دین و تقویت باورهای مردم را بیش از همیشه مورد توجه قرار دهند. البته در کنار پرورش نهال ایمان در دل‌های مردم، آگاه ساختن آنان به مسائل سیاسی روز و تبیین هدف شوم دشمن در یورش جنگی نیز ضروری است.

### **۳- دقت در برنامه‌های آموزش و پرورش کودکان، نوجوانان و جوانان**

کودکان با دل‌های پاک و اندیشه‌های شفاف برای پذیرش پیام‌های آموزشی و پرورشی از آمادگی ویژه‌ای برخوردارند. به گونه‌ای که آثار پیام‌های دریافت شده در روزگار خردسالی تا پایان زندگی در رفتار و کردار آنان باقی می‌ماند. با توجه بدین حقیقت بزرگ دست اندر کاران مسائل فرهنگی باید از فرصت طلایی خردسالی سود برند و به یاری هنر، ورزش و انواع سرگرمی‌ها ارزش‌های والای اسلامی را در ژرفای وجود فرزندان اسلام جای دهند.

البته روزگار نوجوانی و جوانی نیز ویژگی‌های خود را داراست و دولت اسلامی باید با برنامه‌های مناسب و استفاده از کارشناسان مؤمن، این دو قشر را از کژ روی باز دارند و به سوی نیکبختی و سعادت هدایت کنند.

## ۴- زدودن فقر اقتصادی

تنگدستی را شاید بتوان از پلیدترین پدیده‌های جامعه به شمار آورد. حقیقت ناگواری که پیشوایان دین آن را به کفر نزدیک دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

و دانشمندان از آن به عاملی برای آغاز انحراف و بزه کاری یاد کرده‌اند.<sup>۲</sup>

بی تردید بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی چون سرقت، ولگردی، گدایی، خود فروشی و ... به علت تنگدستی و بی چیزی به وجود می‌آید. نگاهی گذرا به بزهکاران و ساکنان ندامتگاه‌ها، ما را بدان حقیقت درد آور رهنمون می‌شود که شمار بسیاری از آنان در اثر تهیدستی، پای در این راه شوم و بدفرجام نهاده‌اند. پدیده‌ی فقر در هر جامعه‌ای که چهره‌ی کریه خود را به نمایش بگذارد، مانند سیلی بنیان کن زیر بنای تمامی ارزش‌های انسانی را از بن ویران می‌کند و کاخ‌های کرامت و شرافت آدمی را در بیغوله‌های ننگ و بدنامی تبدیل می‌کند و در برابر پدیده‌های اجتماعی خطرناکی همچون رشوه دهی و رشوه گیری فریب و روباه صفتی دزدی، حرص و طمع دست اندازی به اموال دیگران، کم فروشی و ... ارزش‌های فرهنگی جامعه را در کام شعله‌های سرکش خود خواهد سوزاند.

---

۱. محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، بیروت: انتشارات مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ ق، ص ۴۷.

۲. رضا، علوی، بزهکاران جوان، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۸ هـ ش، ص ۱۰.

## ۵- احیای عزت نفس

از جمله راه‌های مبارزه با تهاجم فرهنگی، احیای روحیه‌ی عزت نفس در بین اقشار مختلف جامعه می‌باشد، بنابراین لازم است با تقویت این روحیه و زدودن احساس خود کم بینی مردم جامعه اسلامی را از تقلید کورکورانه از روش‌های زندگی بیگانگان بازداشت.

در این باره امام صادق - علیه السلام - می‌فرمایند:

«خداوند به پیامبری از پیامبرانش وحی کرده که به مؤمنان بگو: لباس دشمنان مرا

نپوشید و غذای دشمنان مرا نخورید و به شیوه‌ی دشمنان من رفتار نکنید که شما نیز همانند

آنان جزو دشمنان من خواهید شد.»<sup>۱</sup>

بنابراین لازم است روحیه‌ی عزت نفس ترویج و تقویت شود تا زمینه‌ی پذیرش برنامه‌های

فرهنگی دشمن از بین برود.

## ۶- مبارزه با روحیه تجمل گرایی

امروزه اثر مستقیم روحیه‌ی تجمل گرایی بر واردات کالاهای مصرفی لوکس و پیروی از مدهای گوناگون که حجم انبوهی از فرهنگ و ارزش‌های غربی را یدک می‌کشند، بر کسی پوشیده نیست نگاهی به زندگی روزانه مرفهین بی درد، نشانگر این واقعیت است که پیروی از مد، حتی در شیوه خوراک آنان نیز دگرگونی پدید آورده است. البته زبان روحیه‌ی رفاه جویی و تجمل گرایی تنها در تغییر شیوه‌ی پوشش، خوراک و رفتارهای اجتماعی و شخصی آشکار

---

<sup>۱</sup> . «لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَلَا تَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي وَلَا تَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي، فَتَكُونُوا أَعْدَائِي

كَمَا هُمْ أَعْدَائِي»، رضا، علوی، همان کتاب، ص ۱۰.



نمی‌شود. بلکه در بالا رفتن میزان بزه کاری‌ها و زیر پا نهادن اصول اخلاقی نیز اثر شگرف دارد. افزایش خواسته‌های افراد که در سایه‌ی چنین روحیه‌ای پدید می‌آید. انگیزه‌ای نیرومند برای سرقت، کلاهبرداری، رشوه و ... به شمار می‌آیند.<sup>۱</sup> از این رو در مبارزه فرهنگی، زدودن روحیه‌ی تجمل‌گرایی از دل‌های مردم باید به گونه‌ای جدی مورد توجه قرار گیرد. و اثرات منفی آن برای جامعه تبیین شود تا جامعه با نگرشی آگاهانه به مسائل بیندیشند و از روی آوردن و تسلیم بی‌چون و چرا در برابر امواج ویرانگر این شبیخون در امان باشند.

## ۷- اشباع نیازهای طبیعی انسان از راه‌های مشروع

انسان مجموعه‌ای درهم پیچیده از غرایز گوناگون است. غرایزی که پیوسته او را به جنبش در کوچه‌های پر پیچ و خم زندگی فرا می‌خواند. این خواسته‌ها به گونه‌ای نیرومندند که می‌توانند انسان را در پی خویش به بیغول‌های تاریک و ناشناخته‌ی انحراف بکشانند. با توجه بدین حقیقت برآورده نشدن این غرایز در حد معقول و یا زیاده‌روی در کامروایی غریزی می‌تواند خطر ساز باشد. رها ساختن نامعقول مردم در بهره‌گیری هر چه بیشتر به هر شکل ممکن از این نیروهای مقدس، آنان را از تلاش در سازندگی خویش و جامعه باز می‌دارد و جلوگیری از ارضای غرایز در حد مشروع، یا ناتوانی در برآوردن نیازهای طبیعی نیز زمینه را برای روی آوردن همه جانبه به سوی برنامه‌های مخرب دشمن فراهم می‌آورد؛ انبوه مردم سوخته در آتش غرایز را در دام سرکشی و گسستن بندهای اخلاق و عفاف گرفتار می‌سازد.

---

<sup>۱</sup> . وسائل شیعیه، ج ۳، ص ۲۷۹. ابواب لباس المصلی، باب ۱۹، حدیث ۸.

## ۸- پیشگیری از نفوذ عوامل فرهنگی دشمن

عناصر خود فروخته‌ی فرهنگی، مطبوعات و مجله‌های گمراه کننده، فیلم‌های مبتذل و ... نمونه‌هایی از عوامل فرهنگی دشمن به شمار می‌آیند.

نگاهبانی از ارزش‌های الهی، بینشی ژرف می‌طلبد بینشی که در سایه‌ی آن همه‌ی عوامل فرهنگی غرب را شناسایی و کنترل نموده و در صورت لزوم طرد و منزوی سازد. مطبوعات را باید واداشت تا در چارچوب قانون فعالیت کنند و هرگز فرصت سمپاشی را به غرب زدگان خود باخته ندهند. امام امت - رحمه الله علیه - در این باره می‌فرمایند:

«اکنون وصیت من ... آن است که نگذارند این دستگاه‌های خبری و مطبوعات و مجله‌ها، از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور، حرام است و بر همه‌ی ما و همه‌ی مسلمانان جلوگیری از آن‌ها واجب است. و از آزادی‌های مخرب باید جلوگیری شود. و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود همه مسئول می‌باشند.»<sup>۱</sup>

---

۱. روح الله، خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۹۵.

## ۹- گسترش امر به معروف و نهی از منکر

پیشگیری از سقوط سنگرهای فرهنگی در برابر یورش دشمنان، علاوه بر موارد یاد شده،

بیداری فراگیر امت اسلامی را می‌طلبد. پروردگار بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید:

« باید از شما (مسلمانان) گروهی باشند که (مردم را) به کردار نیک فرا خوانند و امر به

معروف و نهی از منکر کنند و آنان رستگارانند.»<sup>۱</sup>

بی تردید اگر همه‌ی مردم به این اصل مهم پایبند باشند و هر کس در محدوده‌ی زندگی

خویش زشت کاران را از زشتی باز دارد و به کردار نیک فرمان دهد، دشمن هرگز روزه‌ای برای

نفوذ نخواهد یافت.<sup>۲</sup>

نه تهاجم فرهنگی یک امر بسیط است و نه مقابله‌ی با آن. مهاجمان فرهنگی با تکیه بر

زمینه‌های موجود اقدام می‌کنند و برای مقابله با آن نیز باید به اصلاح زمینه‌ها پرداخت؛ و اصلاح

زمینه‌ها کاری است اساسی و دراز مدت و در هم تنیده. ما هیچ گاه نمی‌توانیم از هجوم دشمن

ممانعت به عمل آوریم؛ دشمنی دشمن به همین هجوم‌هاست. لکن می‌توانیم تدابیری بیندیشیم و

اقداماتی انجام دهیم که تأثیر این هجوم کمتر شود. البته این تدابیر و اقدامات به دست یک نفر و

دو نفر انجام نمی‌شود؛ بلکه باید تمام جامعه با همه‌ی امکانات و سرگیری‌ها، به دنبال این هدف

باشند. باید دولت به معنای عام، رادیو، تلویزیون، سینما، مطبوعات، دیوستان‌ها و دانشگاه‌ها و

همه‌ی مراکز آموزشی، ادارات و نهادهای دولتی، به این مطلب توجه داشته باشند. به طور خلاصه،

برنامه و استراتژی فرهنگی داشته باشیم.

---

۱. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ

الْمُقْلِحُونَ». آل عمران (۳) / ۱۰۴.

۲. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه سپاه، تهاجم فرهنگی، صص ۱۲۵-۱۳۵.

اولین قدم اساسی برای مقابله با تهاجم فرهنگی این است که فرهنگ دینی به زبان امروزی و متناسب با نیازهای امروزی، هم برای افراد جامعه درونی شود و هم در قالب مقررات و قوانین و هنجارهای اجتماعی جزء ارزش‌های مسلط جامعه بشود؛ یعنی ظرف فرد و جامعه را خالی نگذاریم و این خود بسیار مشکل است و قدم دوم این است که گروهی اجتماعی یا فرهنگی، به مبارزه با مظلوف ارائه شده برخاست، با آن به درستی مقابله کنیم؛ اما مادامی که قدم اول را بر نداشته‌ایم، قدم مصداق پیدا نمی‌کند و نوبت به آن نمی‌رسد.<sup>۱</sup>

### **نقش خانواده در مبارزه با تهاجم فرهنگی**

پویایی معنوی و سیاسی هر جامعه به میزان حضور بالنده ارزش‌های دینی و ملی پذیرفته شده در آن جامعه و پایبندی افراد به آن‌ها بستگی دارد. از این رو بهترین راه سالم سازی و افزایش آمادگی جامعه در برابر ترندها و دسپسه‌های پیچیده دشمن، تلاش برای حفظ، درونی سازی و گسترش ارزش‌ها در زندگی فردی و اجتماعی است. خانواده نخستین کانون است که در این زمینه می‌تواند نقش آفرینی کند. پس از آن، مدرسه و دانشگاه باید به این جایگاه مهم آگاهی داشته باشند و به فراخور نیاز افراد در دوره‌های گوناگون سنی، آنان را یاری کنند؛ زیرا فراهم آوردن زمینه تغذیه سالم فکری برای نسل جدید، عبادت است.

محیط خانواده نخستین آموزشگاهی است که می‌تواند استعداد‌های درونی اطفال را بیوراند و به آن‌ها درس شخصیت، رشادت، شهامت، بخشش و سخاوت، راست‌گویی، عفاف، امانت

---

<sup>۱</sup> . محمد، کاویانی، جوانان و تهاجم فرهنگی، بی جا: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، بی تا، ص ۹۲.

داری و بزرگ منشی بیاموزد و یا به عکس، صفات زشت و ناپسند و تربیت نادرست را آموزش دهد.

تربیت خانوادگی ماندگارتر از هر تربیت دیگری است؛ زیرا کودک بیشتر وقت خود را در خانواده سپری می‌کند و پیوسته رفتارهای خانواده را مشاهده، تقلید و پیروی می‌کند. او عادت‌ها، تجربه‌ها و مهارت‌هایی را از اعضای خانواده فرا می‌گیرد و در خود به نموده‌های رفتاری تبدیل می‌کند. به همین دلیل والدین در راهنمایی و تربیت فرزندان مسئولیت سنگینی بر عهده دارند. وظیفه خانواده در عرصه مقابله با تهاجم فرهنگی، بستن راه ورود فرهنگ مهاجم به خانه و در واقع مقاوم سازی نسل جوان است. در حقیقت برای جلوگیری از نفوذ و گسترش مفاسد و بازداری نسل جدید از پیوستن به جرگه‌های فساد، باید شیوه صحیح تربیت اسلامی را در پیش گرفت. خانواده‌هایی که ضعف تربیتی دارند و در مقابله با تهاجم فرهنگی توانمند نیستند، خانواده‌هایی که بی حفاظند مسئولیت گریز و نابساماناند و آن‌ها که از تربیت فرزندان، آگاهی و نیز احساس مسئولیت ندارند، بیشتر هدف این یورش قرار می‌گیرند. بر این اساس بهترین راهکار مقابله با تهاجم فرهنگی، پیشگیری از انحرافات فکری جوانان است.

## **راه‌های پیشگیری از انحراف فکری جوانان**

همان‌گونه که برای تأمین سلامت جسمی افراد جامعه، اولویت با پیشگیری و ایمن سازی افراد است، در تأمین سلامت فکری و اعتقادی جامعه نیز باید پاک‌سازی محیط از آلودگی فکری، روانی، اعتقادی و پیشگیری از گسترش آن را در اولویت قرار داد. به همین دلیل سیاست

گذاری‌های فرهنگی باید به گونه‌ای باشد که محیط خوب و سالمی برای جوانان و نوجوانان فراهم آید.

لازم است کارگزاران تربیتی، نهادهای فرهنگی و خانواده‌ها با برنامه ریزی منظم، افراد آسیب پذیر را شناسایی و برای ایمن سازی آنان اقدام کنند. همچنین افرادی که مورد تهاجم فرهنگی قرار گرفته‌اند، باید شناسایی شوند تا با استفاده از روش‌های پیشگیرانه، آنان و دیگران از آلودگی بیشتر دور بمانند. در ارائه‌ی راهکارهای پیشگیری از فریب خوردن جوانان و نوجوانان و افتادن آنان در دام جریان‌های منحرف، باید به شرایط سنی، تفاوت‌های فردی، شرایط زمانی و مکانی و پایگاه فرهنگی و اجتماعی جوانان و نوجوانان توجه کرد. از جمله این روش‌ها:

### **۱- نهادینه کردن باورهای دینی و پرورش اخلاق و فهم اجتماعی**

در این مورد وظیفه مهم والدین این است که از کودکی تا نوجوانی و جوانی، به تدریج و با حکمت، در آنان بینش و بصیرت عقیدتی را ایجاد نموده و رشد دهند. مقصود از بینش عقیدتی آن است که :

- نوجوان و جوان دریابد اسلام هم دین است، هم قانون حاکمیت؛ در امور سیاست و حکومت، هر دو دخالت می‌کنند. اسلام دینی جاودانه است و برای تمامی شرایط زمانی و مکانی، توانایی حل مشکلات بشری را دارد. شمول و کمال و تازگی و جاودانگی اسلام را از سایر مکاتب متمایز می‌کند.

- نوجوان و جوان باید از جنبه روحی و فکری به فرهنگ اسلامی مجهز شود و به شیوه‌ای مناسب با دعوت اسلامی آشنا شده در آن سهیم باشد.

- او باید با نقشه‌های شوم دشمنان اسلام و یورش‌های آنان، به ویژه در جبهه فرهنگی آشنا باشد و بداند نقشه‌های خائنانه دشمنان برای نابودی باورهای اسلامی و کاستن بذری دینی در نسل مسلمانان دنیای امروز است.

## **۲- بستر سازی حضور جوانان در مکان‌های مذهبی**

در این مورد تهاجم فرهنگی می‌توان گفت فراهم آوردن زمینه حضور جوانان و نوجوانان در مساجد و نماز جمعه و بهره‌گیری آنان از برنامه‌های سازنده و روح بخش مذهبی، جوانان را با خدا مأنوس می‌سازد و به زیور خوبی‌ها و زیبایی‌ها آراسته می‌گرداند.

## **۳- تشویق به مطالعه کتاب‌های دینی**

ممکن است برخی جوانان به دلیل تبلیغات رسانه‌های گروهی نسبت به آگاهی از مسائل دینی احساس بی‌نیازی کنند و انگیزه‌ای برای مطالعه نداشته باشد. باید کوشش شود این احساس کاذب از میان برود و انگیزه مطالعه فراگیر در آنان ایجاد شود. این رفتار باید از کودکی در فرد نهادینه شود. منظور از مطالعه فراگیر آن است که مربی کم‌کم به تناسب توانایی فکری و عقلی فرد از نقطه‌ای مشخص آغاز نماید و به نهایی شایسته پایان دهد. البته باید به این نکته

توجه کرد که کتاب‌ها و نشریات باید با رعایت شرایط سنی، فرهنگی و فکری نوجوان و جوان همراه باشد تا بیشترین فایده و بهترین نتایج را به بار آورد.<sup>۱</sup>

#### ۴- تشکیل جلسه‌های مذهبی و ایجاد سرگرمی مناسب

یکی از عوامل مهم انحراف نوجوانان و جوانان، استفاده نادرست از زمان‌های بی‌کاری است. اگر جایگاه ویژه‌ای برای بازی و تفریح سالم و تمرین‌های ورزشی و فعالیت‌های علمی و تحقیق برای نوجوانان و جوانان ایجاد نشود، نیروی سرشار آنان به هدر می‌رود و به جای کارهای مثبت و مفید به هم صحبتی و همراهی با دوستان ناباب و ناصالح می‌پردازند و یا به سوی برنامه‌های شبکه‌های ماهواره ترویج کنند. فرهنگ غربی می‌روند و به سوی انحراف و بدبختی کشیده می‌شوند.

فیلم‌ها و مجلات و نشریات زبان باری که بیشتر جنایی یا ترویج کننده فرهنگ مبتذل غرب اند باعث برانگیخته شدن احساسات جنسی در جوانان می‌شود و حس ارتکاب به جرم و جنایات را در آنان افزون می‌سازد. والدین باید بدانند که این فیلم‌ها، از خطرناک‌ترین عامل تربیت اند که در صورت نبودن امکان تفریح سالم، جوانان به سوی آن‌ها جذب می‌شوند.

نکته مهم دیگر اینکه اگر نوجوانان و جوانان در بستر فاسد و منحرفی قرار گیرد و دچار لغزش روحی شود، دیگر نصیحت پدر و مادر و مربی را نخواهد پذیرفت. بنابراین پدر و مادر باید

---

<sup>۱</sup> . عبدالله، ناصح علوان، چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم، ج ۱، صص ۲۸۷ - ۲۸۶.



عواملی که سبب انحرافات آنان می‌شود را از میان بردارند و یکی از راه کارهای آن ایجاد سرگرمی‌های مناسب برای پر کردن اوقات فراغت جوانان است.<sup>۱</sup>

## ۵- فراهم کردن محیط دوستانه در خانواده

اسلام، پدران و مادران را در پرورش اخلاقی فرزندان خود مسئول می‌داند و یکی از وظایف اساسی و حساس آن‌ها را تربیت فرزند دانسته است. پدران و مادرانی که با سهل انگاری از تربیت فرزندان خود سرباز می‌زنند از دیدگاه دین و اجتماع خطاکارند. چرا که فرزند نالایق و فاسد، افزون بر اینکه برای پدر و مادر خود زیان آور است، مزاحم و سربار اجتماع نیز خواهد بود. محبت و خوش رفتاری در تربیت نقش بسیار مهمی دارد و احساسات و عواطف کودک را شکوفا و باور می‌سازد. از سوی دیگر عقده‌های روانی و کمبود عواطف، دامن گیر فرزندان نمی‌گردد. رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - درباره پرورش اخلاقی کودکان فرمودند:

« فرزندان خود را تربیت نمایید چه در برابر آنان، مسئولیت بس بزرگی دارید.»<sup>۲</sup>

امام علی - علیه السلام - می‌فرماید:

«کودکان خود را بزرگ و گرامی داشته، خوب تربیت نمایید.»<sup>۳</sup>

بنابراین تهاجم به ارزش‌های اسلامی و باورهای اصیل بومی کشورهای اسلامی به ویژه جمهوری اسلامی جدی است که در این تهاجم هدف اصلی خانواده‌ها و جوانان مسلمان اند که

---

۱. عبدالله، ناصح علوان، چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم، ج ۱،

۲. «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ»، عباس، قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۲، بی جا: بی نا، بی تا، ص ۲۷۸.

۳. «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ» محمدباقر، مجلسی، همان کتاب، ج ۲۳، ص ۱۱۴.

سرمایه‌های جامعه‌اند. جوانان به دلیل ویژگی‌های بیش از اقشار دیگر در معرض آسیب این  
تهاجم‌اند. در نتیجه با شناخت اهداف کشورهای استعمارگر و استفاده‌ی بهینه از فن آوری‌های  
روز باید این تهاجم را خنثی کرد و به تقویت هویت مذهبی و ارزش‌های دینی آنان پرداخت.

**بخش پنجم:**

**شبه‌های ترویج فرهنگ اسلامی در  
خانواده**

برای ترویج فرهنگ اسلامی در وهله‌ی اول مدیران کشور باید آن فرهنگ را قبول داشته باشند. و در جهت ترویج آن تلاش کنند. مدیران کشور مهم‌ترین نقش را در ترویج فرهنگ ( به معنای باورها و ارزش‌ها) دارند. و اگر مدیران معتقد بودند که این مسئله ممکن نیست. چرا که علم باید بی طرف باشد و نمی‌توان انگیزه‌های مذهبی را در علوم دخالت داد و گر نه اصلاً علم نخواهد بود.

## ۱- روش‌ها و وسایل تربیت مذهبی فرزندان

انسان فطرتاً خداجو و خدادوست است. وظیفه والدین کمک و هدایت او در طی طریق است و نیز رفع موانع و وساوس نفسانی و مادی فطرت توحیدی و حب خداوند و عواطف اخلاقی در ضمیر کودک فعلیت دارد او برای پذیرش تربیت آماده است. بر والدین فرض است که از این فرصت مهم در زمان کودکی او استفاده کرده و قبل از آنکه این رود پاک در مسیر زندگی آلوده شود، او را با مذهب که بزرگ‌ترین یار و مددکار او در طول زندگیست آشنا سازند و ایمان واقعی را چون مشعلی فرا راه زندگی او قرار دهند.

پرورش ایمان و اخلاق در روان کودک یکی از حقوق فرزندان ب ر گردن والدین است که حضرت سجاد - علیه السلام - فرموده‌اند:

«پدر در حکومتی که بفرزند دارد مسئول است که طفل را مؤدب و با اخلاق نیکو پرورش دهد و او را به خداوند بزرگ راهنمایی کند.»<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> . «و انک مسئول عما و لیته به من حسن الادب والدلالته علی ربه» ، محمد تقی، فلسفی، گفتار تربیتی کودک از نظر تربیت و وراثت، ج ۲، تهران: بی نا، ۱۳۹۴ هـ.ق، ص ۱۸۶.

پس زمان مناسب را باید مغتنم شمرد و به وظیفه عمل کرد تا عاق فرزندان نشویم. رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - به بعضی از کودکان نظر افکند و فرمودند:

«وای به فرزندان آخرالزمان، از روش ناپسند پدرانشان، عرض شد. یا رسول الله از پدران مشرک؟ فرمودند: نه، از پدران مسلمان که به فرزندان خود هیچ یک از فرائض دینی رانمی‌آموزند و به ناچیزی از امور مادی درباره آنان قانع هستند. من از این مردم بری و بیزارم و آنان نیز از من بیزار.»<sup>۱</sup>

## روش‌ها و شیوه‌های مناسب جهت آموزش دینی

### ۱- داستان سرایی

روانشناسان معتقدند که بچه‌ها علاقه عجیبی به داستان دارند و در آرزوی آنند که خود را شبیه به قهرمان‌های داستانی سازند و این پیروی از قهرمانان داستان‌ها و فیلم‌ها در سنین ۵ تا ۱۱ اوج می‌گیرد.

داستان باید شرح حال انسان‌های شریف و پیشوایان دینی و نحوه‌ی زندگی و موضع‌گیری‌های آنان در مراحل مختلف زندگی باشد. با این روش سطح معرفت کودک بالا رفته و علاقه که همانند سازی او را به نحو سالمی اشباع می‌گردد. روش قرآن با ارائه قصص گوناگون دلیل بر اهمیت این طریق است. قرآن با بیان داستان‌های گوناگون پیروان خود را از فرجام اعمال نیک و بد آگاه می‌کند. «إِن فِي قِصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» ولی باید دقت کرد که داستان مناسب

---

<sup>۱</sup> . محمد تقی، فلسفی، همان کتاب، ص ۱۸۶..

سن کودک باشد. در سال‌های اولیه قصه‌هایی در رابطه با روش نشستن، خوردن، صحبت کردن، یعنی آداب اجتماعی باشد و در مراحل بالاتر داستان‌های اخلاقی، ضمناً داستان باید دارای نتیجه خوب اخلاقی باشد و نیز کوتاه تا باعث خستگی فرزند نشود.

## ۲- ایجاد عادات

در این روش کارهای نیک را برای طفل اهمیت داده و او را با علاقه وادار به آن کرده و بر اثر ممارست و تکرار به آن عمل الفت گرفته و پس از الفت، آن عمل را به سهولت و بدون تکلف انجام می‌دهد و آن یک عادت و ملکه برای او می‌شود. علما و دانشمندان بزرگ قدیم معتقدند که «اساس تربیت مبتنی بر عادت است و تربیت را می‌توان فن تشکیل عادات دانست، به خصوص در دوره کودکی که دانشمندان اسلامی آن را به تمامه مرحله تکوین عادت دانسته ... و اعتقاد داشتند هر کار که عظیم بود، تخم آن اندر کودکی افکنده باشند، اهمال و سستی در تشکیل عادات صحیح را در این دوره مایه فساد تربیت می‌شمردند.»<sup>۱</sup>

امام صادق - علیه السلام - می‌فرماید:

«احادیث اسلامی را به فرزندان خود هر چه زودتر بیاموزید قبل از آنکه مخالفان بر شما

سبقت گیرند و دل‌های کودکان شما را با سخنان نادرست خویش اشغال کنند.»<sup>۲</sup>

چنانچه دل آلوده گردد و به ناپاکی‌ها عادت کند، پاک‌سازی و خودسازی کاریست مشکل و

پرزحمت و چرا عاقل صراط مستقیم را که آسان‌تر و کوتاه‌تر و مطمئن‌تر است انتخاب نکند.

---

۱. علی میرزا، آقاجانی، تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات هدی، ۱۳۶۱ هـ ش، ص ۳۷.

۲. محمد تقی، فلسفی، همان کتاب، ص ۱۹۴.

### ۳- مجالس و محافل

کودک از اینکه همراه والدین خود به مجلس دعا، نماز جماعت و ... می‌رود احساس بزرگی می‌کند و لذت می‌برد. شرکت در این مجالس باعث صفای روح او و تقویت روحیه‌ی مذهبی او شده و از کودکی با این برنامه انس می‌گیرد. ولی نکات را باید دقت کرد تا موجب خستگی و تنفر او از این مجالس نگردد. اولاً از او توقع نداشته باشید که درست مثل بزرگ‌ترها به همه برنامه‌ها گوش کند و بیدار باشد، ثانیاً زمان طولانی نشود که او خسته شود، ثالثاً بردن به این محافل توأم با لذت‌های خوراکی و مادی مختصری باشد تا یاد خوشی برایش بماند.

### ۴- عبرت آموزی

والدین از وقایع و فرجام خوب و بد اطرافیان، نکات اخلاقی را گرفته و به عنوان درس عبرتی برای کودک بیان کنند. فرجام زشت شخص دروغ‌گو، عاقبت خوب شخصی که به دیگران کمک می‌کند، درسی مفید برای کودک است. قرآن در بیان داستان‌ها، همین هدف عبرت آموزی را دارد، داستان قارون را به عنوان عبرتی از ستم کردن به دیگران و به عذاب الهی مبتلا شدن می‌آورد، داستان حضرت مریم را به عنوان درس پاکی و نجابت. در این روش هم باید دقت کرد که زیاده از حد روی مسائل انگشت نگذاشت که هم ذهن کودک خسته نشود و هم تأثیرات سوء دیگری نگذارد.

## ۵- سیر در طبیعت

دیدن مناظر زیبای طبیعت و معجزات خلقت و آفرینش هر کسی را وادار به تحسین و ستایش می‌کند. این روش در پرورش مذهبی کودک و صفای روح و رفع خستگی او نقشی بسیار مهم دارد. چه او با سیر در آفاق و تفکر در خلقت، عملاً وادار به شکر خالق می‌گردد.<sup>۱</sup> از این جهت قرآن می‌فرماید: «فسیروا فی الارض»<sup>۲</sup> و «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ وَ إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ»<sup>۳</sup>

سیر در آفاق از نظر جسمی و روحی برای کودک مفید بوده و روش و نیز وسیله تربیتی مؤثری است.

## ۶- تفکر و تعقل در امور

مربی باید کودک را به فکر کردن و تشخیص خطا از صواب و کشف روابط علت و معلولی وادار دارد. تشخیص بهترین و نزدیک‌ترین راه حل مشکلات را به او بیاموزد. قرآن رمز موفقیت عبادالرحمن را در رسیدن به مقامات والای معنوی، تفکر و تدبیر آنها می‌داند و می‌فرماید: «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خُلِقَتْ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»<sup>۴</sup>

---

۱. روح الله، خمینی، تعلیم و تربیت، بی جا: بی نا، بی تا.

۲. سوره آل عمران (۳) / ۱۳۷.

۳. سوره الغاشیه (۸۸) / ۱۹-۱۸.

۴. سوره آل عمران (۳) / ۱۹۱.



## ۷- تلقین و تذکر

تلقین و تذکر، وسیله‌ی دیگری در تربیت مذهبی کودک است. ضمن بیان داستان‌های مفید و ارائه الگوهای شایسته، به او تلقین کنید که در تو این نکات مثبت هست و تو هم می‌دانی چون آن الگو و حتی بهتر از او باشی. البته باید ابتدا نوع استعداد او را بیابید. چون هر کودکی در یک یا چند زمینه استعداد خوبی دارد نه در همه زمینه‌ها. باید آن زمینه‌های مستعد را یافت و سپس به او تلقین کرد که در این مورد می‌توانی به مدارج عالی برسی، تذکر و یادآوری نیز بسیار مؤثر است که انسان ذاتاً فراموش کار است و نیاز به تذکر دارد. قرآن برای تربیت پیروان خود مکرر یادآوری می‌کند و به آن‌ها توصیه می‌کند که به دیگران نیز تذکر و یادآوری کنند. «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ»<sup>۱</sup> اما باید توجه کرد که در زمان مناسبی که کودک تمایل و رغبتی دارد تذکر داد، تذکر زیاد توأم با بداخلاقی و سختگیری نتیجه منفی دارد.

## ۸- معاشرت و هم‌نشینی با نیکان

چنانچه کودک با افراد شایسته معاشرت داشته باشد در روحیه و اخلاق او تأثیر به‌سزایی دارد و بعکس اگر با دوستان ناباب هم‌نشین شود به ناپاکی‌ها آلوده می‌گردد. اسلام درباره‌ی نقش تربیتی هم‌نشین بسیار هشدار داده است و سفارش کرده است که با نیکان و شجاعان و سخاوتمندان و راستگویان معاشرت کنید و از افراد آلوده به سیئات بپرهیزید.

---

<sup>۱</sup> . سوره الغاشیه (۸۸) / ۲۱.

رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - می‌فرمایند: «انسان، دین دوست و همنشین خویش

است.»<sup>۱</sup>

## ۹- استفاده از قرآن

یکی از وسایل تربیت مذهبی فراگیری و تدبر در قرآن است. فراگیری قرآن و تفکر در معانی آن بر هر مسلمان لازمست. آموزش قرآن به خصوص در زمان کودکی بسیار مفید است زیرا اولاً آن سعادت تعالیم الهی و زبان قرآن مأنوس و معتاد گردند و حب دین در آن‌ها ملکه و راسخ گردد، ثانیاً از برکات قرائت آن سعادت معنوی و حسن عاقبت نصیبشان گردد. قرآن و احادیث محور و اساس تربیت است و تربیت قرآنی باعث داشتن نسلی شایسته است که امام حسن عسکری - علیه السلام - فرمودند:

«خداوند به پدر و مادر پاداش بزرگی عنایت می‌فرماید، آنان می‌گویند پروردگار این همه تفضل درباره ما از کجاست؟ اعمال شایسته چنین پاداشی نیست در جواب گفته می‌شود: این همه عنایت و نعمت پاداش شماست که به فرزند خود کتاب خدا را آموختید و او را در آیین اسلام بصیر و بینا تربیت کردید.»<sup>۲</sup>

---

۱. «المرء علی دین خلیله و قرینه»، باقر، شریف قریشی، نظام تربیتی اسلام، تهران: انتشارات فجر، ۱۳۶۲

ه. ش، ص ۸۷.

۲. محمد تقی، فلسفی، همان کتاب، ص ۱۸۷.

## ۲- رعایت چند اصل در تربیت

در اعمال روش‌ها اصول و ضوابطی را باید رعایت کرد تا روش‌های مفید و مؤثری می‌باشند.

عبارتند از :

### الف - اصل تشویق

کودکان کار خوب که انجام می‌دهند انتظار تشویق و پاداش دارند که باید برآورده شود ولی رعایت چند نکته ضروری است: اولاً تشویقات مکرر نباشد که بی ارزش می‌شود. ثانیاً: در حد توان والدین باشد و برای کارهای مهم‌تر امکان تشویقات مهم‌تری وجود داشته باشد. ثالثاً: بهتر است صورت مادی صرف نداشته باشد مخصوصاً در سنین بالا. در سال‌های اولیه برای بردن محافل مذهبی شیرین کردن کام او خوبست ولی در سنین بالاتر رضایت والدین و در حد دوست دارم و دوست ندارم باشد و در سنین بالاتر رضایت خداوند و پاداش‌های اخروی مطرح باشد.<sup>۱</sup>

### ب - محبت

محبت مهم‌ترین رمز در تربیت مذهبی است، کودک در سایه محبت علاقه فوق‌العاده به والدین پیدا می‌کند و آن عاملی است در اطاعت از اوامر ایشان، محبت نه تنها در امر تربیت بسیار

---

<sup>۱</sup> . محمد تقی، فلسفی، همان کتاب، ص ۱۸۷.

مؤثر است بلکه برای بازسازی و اصلاح بد رفتار ، محبت عاملی کارساز است. البته در محبت باید زیاده‌روی نکرد تا طفل پر توقع و لوس و زود رنج نشود.<sup>۱</sup>

### ج- تذکر

در مواردی که کودک وظایف خود را انجام نمی‌دهد و به دستورات والدین بی‌اعتنایی می‌کند، باید با تذکر او را از انحراف باز داشت که نقش تذکر را قرآن نیز بسیار مفید می‌داند و به پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - می‌فرماید: « فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ » یادآوری کرد که وظیفه تو غیر از تذکر نیست باید دانست یکبار تذکر کافی نیست و والدین باید در زمان‌های مناسب البته نه خیلی نزدیک تذکر را تکرار کنند چون انسان فراموشکار است.<sup>۲</sup>

### د- تهدید

چنانچه تذکر مفید نبود باید او را از فرجام امر ترساند چون خداوند هم بشر را از فرجام کارهای زشت و گرفتار شدن به فقر و بلا انداز می‌دهد و هدف از خلقت نیز چنین است ولی ترساندن و قرار دادن او در تاریکی و ... نباشد که اثر نامطلوب روانی دارد.<sup>۳</sup>

---

۱ . محمد تقی، فلسفی، همان کتاب، ص ۱۸۷.

۲ . همان.

۳ . همان.

## هـ - سرزنش و قهر

قهر کوتاه مدت برای بازسازی کودک مفید است البته با بیان دلیل قهر و دادن راه حل برطرف شدن قهر. مثلاً چنانچه خطا جبران شود و عذر خواهی کند در این مدت قهر برطرف می‌شود. البته چنانچه با گوشه چشمی، غضب خود را نشان دهید و مؤثر افتد دیگر قهر نکنید.<sup>۱</sup>

## و - تنبیه

چنانچه هیچ روش در بازسازی او مفید نبود، تنبیه آخرین روش است که البته باید خیلی بندرت و با رعایت انصاف و بدون خشم و غضب باشد و موجب پرداخت دیه نشود. بهترین تنبیه هات محروم کردن او از شرکت در گردش یا مجلس و یا خوراکی است.<sup>۲</sup>

## ز - اصل اعتدال

رعایت اعتدال در همه روش‌ها امری است ضروری چنانچه در اعمال محبت، در تهدید، در تذکر و در تنبیه اعتدال رعایت شود از روش مذکور نتیجه مثبت می‌گیریم و گو نه نتیجه عکس می‌شود. زیاده‌روی در محبت موجب پرتوقعی و حساسیت فوق‌العاده می‌شود و کمبود محبت موجب ایجاد عقده‌ی محرومیت، فرار و خودکشی و پناه به اعتیاد و ... می‌شود. تهدید زیادی،

---

<sup>۱</sup> . محمد تقی، فلسفی، همان کتاب، ص ۱۸۷.

<sup>۲</sup> . همان.

استقلال و خلاقیت کودک را به خطر می‌اندازد و عدم تهدید او را فردی سرکش بار می‌آورد. دین اسلام دین اعتدال است و میانه روی « لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ » در امور دینی سختگیری زیاد موجب بیزاری او از دین می‌شود و بعکس رها کردن و آموزش ندادن مسائل موجب قساوت قلب او در بزرگی و عدم پذیرش دین می‌شود. پس در تربیت کودک باید از افراط و تفریط و توقع بیش از کودک اجتناب کنیم. و بالاخره از دید اسلام کودک از آن خداست و امانتی است در دست والدین، مدرسه، اجتماع که باید او را در طی طریق و رسیدن به کمال بی نهایت یاری دهند. و این وظیفه تا ۲۱ سالگی ادامه دارد و از آن به بعد بر عهده خودش هست و والدین حق نظارت دارند. کودکانی که از اول با ایمان به خدا تربیت می‌شوند اراده‌ای قوی و نیرومند دارند. وقتی پیامبر در سن ۳ سالگی خواستند با برادران خود به صحرا بروند حلیمه سعدیه یک مهره یمانی برای محافظت از خطرات به گردن ایشان آویخت، پیامبر سه ساله مهره را زان کرد و گفت مادر خدای من که همیشه با من است حافظ منست. اینست نتیجه درخشان ایمان در زمان‌های کودکی و نوجوانی « تربیت باید تربیت قرآنی باشد. قرآن غری‌ترین کتاب‌های عالم است در تربیت. »<sup>۱</sup>

بنابراین همان طور که برای تأمین سلامت جسمی افراد جامعه اولویت با پیشگیری و ایمن سازی افراد است در تأمین سلام فکری و اعتقادی جامعه نیز باید پاکسازی محیط از آلودگی‌های فکری، روانی و اعتقادی و پیش‌گیری از گسترش آن را در اولویت قرار داد. به همین دلیل سیاست‌گذاری‌های فرهنگی باید به گونه‌ای باشد که با ترویج فرهنگ اسلامی محیط خوب و سالمی برای خانواده‌ها فراهم سازند.

---

۱. روح الله، خمینی، تعلیم و تربیت، همان، ص ۸۲.

## نتیجه گیری

در زندگی بشر همواره فرهنگ جاری بوده و جامعه‌ای که فرهنگ ویژه‌ای ندارد مرده است. فرهنگ بالنده برای تکامل، باید توانایی تبادل با سایر فرهنگ‌ها و جذب بخش‌های مثبت آن را داشته باشد. بنابراین تمام فرهنگ‌ها با یکدیگر در تعامل اند.

استعمارگران برای نیل به اهداف و اغراض خویش، شیوه‌های گوناگونی با برنامه ریزی زمان‌بندی شده بکار می‌برند و طرح‌های خود را به مرحله عمل می‌گذارند. آنان برای دستیابی به منافع و مطامع خویش، اقداماتشان را در یک قالب متمرکز نمی‌کنند و با توجه به شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر یک کشور روش متناسب با آن شرایط را بکار می‌گیرند و گاهی با تنظیم طرح‌های مشخص از چند شیوه در مراحل متفاوت استفاده می‌نمایند.

مهم‌ترین شیوه در عصر کنونی که استکبار اجرا می‌نماید، شیوه فرهنگی است که غیر مستقیم، به ظاهر موجه، ظریف و نامحسوس است.

با نفوذ و رسوخ در فرهنگ جوامع، واقعیات و ارزش‌های آن‌ها را دگرگون نموده و با مسخ و تحذیر اندیشه، آنان را از هویت اصلی خویش تهی و از درون پوک و خالی کرده و با انهدام کانون مقاومت آنان، به راحتی بر آن‌ها مسلط می‌گردند.

با توجه به اینکه رفتار و کنش مردم نشأت گرفته از ارزش‌ها و معیارهای فکری و اعتقادی آنان می‌باشد. لذا فعالیت در بعد اعتقادی ملت‌ها همیشه به عنوان مسئله‌ای حساس برای تسلط بر هر ملتی مورد توجه استعمارگران بوده است. هر جامعه‌ای برای ایستادگی در برابر فعالیت‌های مزدورانه دشمن مخصوصاً در ابعاد فرهنگی، نیاز به آگاهی و بینش و تکیه بر هویت خویش داشته تا به احساس آرامش خاطر و امیدواری به ارزش‌های خود به دفاع از هویت خود و استقلال و حاکمیت جامعه بپردازد.

استعمارگران، اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین راه نفوذ در سایر کشورها، نفوذ در فرهنگ آنان و استحاله درونی است. آنان می‌خواهند ارزش‌های مورد پسند خود را از ارزش‌های مترقی جلوه دهند و جایگزین معیارهای بومی و فطری ملت‌ها سازند و از این راه، بدون دغدغه از آینده منافع خود را در این کشورها مطمئن باشند این جمع بندی، به ویژه در دهه‌های اخیر، مبنای فعالیت‌های سازمان یافته گسترده‌ای قرار گرفته که غرب آن‌ها را معیارهای تمدن، رشد و توسعه معرفی می‌کند، ولی در فرهنگ ملت‌ها از این کارها به تعبیر مختلفی یاد می‌شود که مفهوم مشترک آن‌ها در تعبیر هجوم فرهنگی نهفته است.

مقاوم سازی نسل در برابر توطئه‌ها و قطع زمینه‌های تهاجم پذیری، در درون خانواده‌ها و با تربیت صحیح فرزندان ممکن می‌باشد. در اهمیت خانواده همین بس که خانواده از نهادهای بنیادین جامعه انسانی است که همواره به اشکال گوناگونی در تاریخ وجود داشته است. این نهادها با کارکردها و نقش‌های مختلفی که بر عهده دارد. در تنظیم زندگی اجتماعی انسان نقش مهمی ایفا می‌کند؛ چه انسان در درون خانواده متولد شده، رشد یافته و بسیاری از امور و مفاهیم را از خانواده فرا می‌گیرد و همواره با آن سرو کار دارد. مهم‌ترین تجربه‌های انسانی که اساسی‌ترین عوامل شکل دهنده شخصیت است، در درون خانواده نمود پیدا می‌کند و آموختن زبان، آداب و رسوم و برقراری روابط اجتماعی، ظهور اندیشه‌ها و همچنین جهت دهی به شخصیت انسان از خانواده آغاز می‌شود از این رو خانواده تأثیر ژرفی به دیگر نهادهای اجتماعی دارد.

برای مقابله با تهاجم فرهنگی نیز خانواده‌های می‌توانند با تربیت دینی فرزندان خود نقش ارزشمند خود را در جامعه و به ویژه در جامعه اسلامی به ظهور برسانند.

نهادینه کردن باورهای مذهبی، پرورش اخلاق و فهم اجتماعی، بستر سازی حضور جوانان در مکان‌های مذهبی، تشویق به مطالعه کتاب‌های دینی، تشکیل جلسه‌های مذهبی، ایجاد



سرگرمی‌های متناسب، فراهم کردن محیط دوستانه در خانواده از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از انحراف فکری جوانان و مقابله خانواده با تهاجم فرهنگی بیگانگان است.

## پیشنهادات و راه کارهای مقابله با تهاجم فرهنگی

نه تهاجم فرهنگی یک امر بسیط است و نه مقابله‌ی با آن. مهاجمان فرهنگی با تکیه بر زمینه‌های موجود اقدام می‌کند و برای مقابله با آن نیز باید به اصلاح زمینه‌ها پرداخت؛ و اصلاح زمینه‌ها کاری است اساسی و دراز مدت و در هم تنیده.<sup>۱</sup>

ما هیچ گاه نمی‌توانیم از هجوم دشمن ممانعت به عمل آوریم. لکن باید به تدابیری بیندیشیم و اقداماتی انجام دهیم که تأثیر این هجوم کمتر شود؛ البته این تدابیر و اقدامات به دست یک نفر و دو نفر انجام نمی‌شود، بلکه باید تمام جامعه با همه‌ی امکانات و سوگیری‌ها به دنبال این هدف باشند. باید دولت به معنای عام، رادیو تلویزیون، سینما، مطبوعات، دیپوستان‌ها و دانشگاه‌ها و همه‌ی مراکز آموزشی، ادارات و نهادهای دولتی به این مطلب توجه داشته باشند و به طور خلاصه، برنامه و استراتژی فرهنگی داشته باشیم.

حضرت امام خمینی - رحمه الله علیه - می‌فرمایند:

« دشمن حدود سیصد - چهارصد سال کار کرده است تا فرهنگ اسلامی را از بین ببرد، فرهنگ مادی را جایگزین کند، شما هم باید برنامه ریزی دراز مدت کنید، از اکنون برای دویت - سیصد سال آینده برنامه ریزی کنید.»<sup>۲</sup>

راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی عبارت است از:

- ۱- شناخت ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها از دیدگاه اسلام، نظر فقه و فقها و همچنین تمسک محکم و ثابت به انجام ارزش‌ها، ترک ضد ارزش‌ها و به عبارت دیگر معیار قرار دادن تعالیم

---

۱. محمد، کاویانی، همان کتاب، ص ۱۱۶.

۲. امام خمینی - رحمه الله علیه - صحیفه نور، ج ۲، صص ۱۶۳-۱۶۱.

مأخوذه از فقه جواهری در زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی و تنظیم کل روابط بر اساس راهنمایی‌های فقهی.

۲- تبلیغ و ترویج و تشویق همگان بر محافظت بر این ارزش‌ها به وسیله سخنرانی‌ها، مطبوعات، جراید و همه رسانه‌های گروهی.

۳- نشان دادن عکس‌العمل‌های منفی مناسب نسبت به برنامه‌ها و افرادی که این ارزش‌ها را هتک کرده و به قداست‌های اسلامی آن‌ها بی‌اعتنایی می‌نمایند و یا ضد ارزش‌ها را به کار می‌گیرند و نیز نشان دادن عکس‌العمل‌های مثبت و تحسین برانگیز نسبت به بانوان و مردانی که ارزش‌ها و آداب اسلامی را احترام می‌نمایند و به آن‌ها متعهدند.

۴- تأکید بر اسلامی بودن نظام آموزش و پرورش و تربیت جوانان بر اساس هدایت‌های عالی اسلام و گزینش اساتید و دبیران و آموزگاران شایسته و متعهد و مؤمن به فرهنگ اسلام.

۵- سالم ساختن فرهنگ استقلال و اعتماد به نفس و تجلیل از شعار اسلام و تحقیر وابستگی به کفار و تقلید از آداب و عادات آن‌ها.

۶- سالم ساختن محیط گردشگاه‌ها، پارک‌ها و فرهنگسراها از نظر ظواهر مخرب اخلاق مثل: ارکستر و موسیقی و اختلاط زن و مرد و بدآموزی‌های مختلف.

۷- تبیین و تبلیغ مفاصد مکتب‌های فاسد و فرهنگ‌های مادی و ضد ایمان به خدا و اصالت اخلاق و معنویات و معنای مدنیت منهای دین و پوچی و پوسیدگی آن و ارشاد همگان، خصوصاً دانشجویان، به فواید و مصالح اسلام‌گرایی و تعهد دینی و کمالات حقیقی انسانی.

۸- نشر و تبلیغ سیره انبیا، خصوصاً سیره رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - و ائمه طاهرین - علیهم السلام - و دعوت به تأسی به آن بزرگواران در مظاهر زندگی.

۹- بیان و تفهیم این حقیقت ناب، مخصوصاً به جوانان که مدنیت صناعی غرب معلول بی‌ایمانی و بی‌اعتنایی آن‌ها به مبانی اخلاقی نیست و توجه به ترقی صنعتی و کسب علوم مادی و

تمسک به دین و اخلاق در کمال توافق و سازگاری بوده و بلکه مکمل یکدیگرند و سعادت حقیقی برای جمع افراد بشر در سایه کمال او در این دو ناحیه فراهم خواهد شد و استفاده درست و صحیح از علم و صنعت و همه نعمت‌های مادی به طوری که موجب ظلم و تظلم و استضعاف و استکبار نشود فقط در پرتو ایمان به خدا و اخلاق حقیقی حاصل خواهد شد.

۱۰- بالاخره با پشتیبانی همه به خصوص صاحبان مقامات، علمای اعلام، ارباب سخن و اهل قلم و سایر اقدار مؤمنین از فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و تظاهر به اجرای احکام الله و سد ابواب ورود فرهنگ بیگانه به طوری که هر مسلمان آگاه و متعهد همه جریان‌ها و سازمان‌ها و مطبوعات و نوشته‌ها و کتاب‌ها و رسانه‌های گروهی و سیره و روش و تمام مقامات و رفت و آمدها و کیفیت برخوردها را در رابطه با این تهاجم فرهنگی زیر نظر داشته باشد.

امید است کشور و جامعه ما و همه‌ی جوامع مسلمانان از گزند این توطئه شوم بیگانگان مصون مانده و در پرتو احکام و هدایت‌های نورانی اسلام طی قرون و اعصار بی شمار تمدن واقعی و اصالت‌های ویژه انسانی را پاسدار و پرچم‌دار و نگهبان باشند. بحق محمد و آله الطاهرين صلوات الله عليهم اجمعين و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم.

حضرت علی - علیه السلام - با آگاهی از اهمیت به موقع تربیت فرزندان از پدران و مادران می‌خواهد که پیش از آنکه کار تربیت فرزندان‌شان دشوار گردد و گرفتار انحراف و فساد شوند به تربیت آن‌ها همت گمارند و هیچ فرصتی را از دست ندهند آن حضرت در نامه خویش به فرزندش امام حسن - علیه السلام - در این باره می‌فرماید:

« پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آنکه دل تو سخت شود و عقل تو به چیز دیگر مشغول گردد تا به استقبال کارهایی بروی که صاحبان تجربه زحمت آزمون را کشیده‌اند و تو را از تلاش و یافتن بی نیاز ساخته‌اند.»<sup>۱</sup>

فرزندان ما از آن آینده هستند، آینده نیز شرایطی متفاوت با زمان حال دارد. بنابراین باید فرزندان خویش را با توجه به رویدادها و شرایط حاکم بر آینده تربیت کنیم و آن‌ها را مطابق با آینده پرورش دهیم. حضرت علی - علیه السلام - در حدیثی زیبا در این باره می‌فرمایند:

«فرزندانتان را بر آداب خود تربیت نکنید؛ چرا که آن‌ها برای (آینده) زمانی غیر از شما آفریده شده‌اند.»<sup>۲</sup>

---

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. «لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ ، فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ»، ابن ابی الحدید، معتزلی، همان کتاب، ج ۲۰، ص ۲۶۷.

## منابع و مأخذ

\*قرآن کریم.

\*نهج البلاغه.

۱. آقاجانی، علی میرزا، تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات هدی، ۱۳۶۱ هـ ش.

۲. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، قم: انتشارات امایه، ۱۳۸۳ هـ ش.

۳. بی ریا، ناصر، روان شناسی رشد ۲، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده حوزه و

دانشگاه، بی تا.

۴. بحار الانوار، ماده ی فطر در معجم البحار تألیف آقای براوش.

۵. استادان طرح جامع آموزش خانواده، خانواده و فرزندان در دوره ی ابتدایی، انتشارات

انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، زمستان ۱۳۷۷ هـ ش.

۶. ترکمندی، حمید رضا، ماهنامه پیام زن، شماره ۱۵۴، سایت زیبا وب، دی ۱۳۸۳ هـ

ش.

۷. جاودانی شاهدین، حمید، درآمد بر شناخت ابعاد تهاجم فرهنگی و نحوه مقابله با آن،

مجله روانشناسی علوم انسانی، بی جا: بی نا، تابستان ۱۳۸۹ هـ ش، شماره ۳۵.

۸. جاودان، محمد علی، در تحلیل استعمار فرهنگی، تهران: انتشارات بنیاد شهید، ۱۳۵۸

هـ ش.

۹. حرانی، ابومحمد الحسن ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، بی جا: چاپ و نشر

بین الملل، بی تا.

۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی التحصیل مسائل الشریعه، مصحح؛ گروه پژوهش مؤسسه‌ی آل‌البیت - علیهم‌السلام -، ج ۱۵، چ اول، قم: انتشارات مؤسسه‌ی آل‌البیت، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۱۱. خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، ج ۲۱ و ۱۵ و ۱۱ و ۱۰، تهران: انتشارات سروش، بی تا.
۱۲. \_\_\_\_\_، تعلیم و تربیت، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، ج ۱۴، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۴. روح‌الامینی، محمود، زمینة فرهنگ شناسی، پویایی و پذیرش، چاپ سوم، تهران: انتشارات عطار، ۱۳۷۲ هـ.ش.
۱۵. سهراب پور، همت، جوانان در طوفان غرایز، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ هـ.ش.
۱۶. شریعتی، علی، تاریخ تمدن ۱، تهران: انتشارات حسینیه ارشاد، ۱۳۵۹ هـ.ش.
۱۷. شعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، بی جا: انتشارات اطلاعات، آبان ۱۳۹۲ هـ.ش.
۱۸. شریف قریشی، باقر، نظام تربیت اسلام، تهران: انتشارات فجر، ۱۳۶۲ هـ.ش.
۱۹. فیض کاشانی، ملا محسن، محجۀ البیضاء، ج ۳، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۰. فلسفی، محمد تقی، گفتار فلسفی کودک از نظر تربیت و وراثت، ج ۲، تهران: بی نا، ۱۳۹۴ هـ.ش.
۲۱. قمی، عباس، سفینة البحار مدینة الحکم و الآثار، ج ۲، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۲. قائمی، علی، کودک و خانواده نابسامان، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، پاییز ۱۳۷۴ هـ.ش.
۲۳. علومی، رضا، بزهکاران جوان، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۸ هـ.ش.

۲۴. لطف آبادی، حسن، روان شناسی رشد کودک، و مفاهیم اسلامی در روانشناسی رشد، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۵. کاویانی، محمد، جوانان و تهاجم فرهنگی، بی جا: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، بی تا.
۲۶. معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱۱، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۷. مهربان، اکرم، بررسی خانواده و نقش آن از لحاظ تربیتی، بی جا: انتشارات نمایشگاه تشخیصی و منزلت زن در اسلام، ۱۳۶۹ هـ.ش.
۲۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکم، ج ۱۰، چاپ سوم، تهران: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۲۹. معتزلی، ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، بی جا: بی نا، بی تا.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۲ و ۲۳، بیروت: انتشارات مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۳۱. نجاتی، حسین، نقش تربیت پدر، تهران: انتشارات ژرف، بی تا.
۳۲. ناصح علوان، عبدالله، چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم، ج ۱.
۳۳. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگان ولی فقیه سپاه، تهاجم فرهنگی، بی جا: بی نا، بی تا.
۳۴. جمعی از علما، جامع المقدمات، بی جا: بی نا، بی تا.
۳۵. باشگاه خبرنگاران جوان، تاریخ انتشار ۱۳۹۱/۸/۲۳.



# خلاصه تحقیق پایانی

## نقش خانواده در تربیت دینی فرزندان

تربیت دینی توسط خانواده‌ها نقش اساسی در سلامت روان و سازگاری اجتماعی دارد دین نمی‌تواند خویشتن داری را که عنصر اساسی در تربیت است افزایش دهد و در میان خانواده‌ها به عنوان اصلی‌ترین و اساسی‌ترین عنصر تربیت دینی تلقی شود.

نقش خانواده در تربیت دینی فرزندان خانواده برترین جامعه است که کودک در آن چشم به جهان گشوده و سخن می‌گوید، راه می‌رود و هر آنچه را که ببیند به تقلید انجام می‌دهد. در همان مکان است که یا به قله‌ی انسانیت صعود می‌کند یا به قعر زشتی‌ها نزول می‌کند اولین و مهم‌ترین پایگاه یادگیری کانون خانواده است زیرا خمیر مایه‌ی شخصیت انسان در خانواده تکوین می‌یابد و نگرش‌ها، رغبت‌ها، رفتارهای خوشایند و ناخوشایند نسبت به پدیده‌های مختلف از خانه سرچشمه می‌گیرد.

پس این حقیقت آشکار می‌گردد که نقش خانواده در تربیت فرزندان یک نقش بی‌بدیل بوده و از جایگاه قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و تربیت دینی از جایگاه رفیعی برخوردار می‌باشد هدف از تربیت دینی آن است که شور و شوق فطری کودک را نسبت به جلال و جمال الهی پرورش می‌دهد و از رهگذر آن فضائل اخلاقی را به ملکات اخلاقی مبدل سازد دین و مذهب می‌تواند نقش مؤثری در شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان ایفا کند و مهم‌تر، از آن اینکه دین و مذهب در بهداشت روانی تأثیر بسیار عمیقی دارد تربیت دینی که به وسیله‌ی آموزش‌های محیطی قابل اجرا است به عوامل متعددی بستگی دارد که مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به علاقمندی والدین و حسن خلق آن‌ها به دین و اعتقادات مذهبی اشاره کرد.

## نقش خانواده و اهمیت آن در تربیت دینی

بر مبنای یک احساس و سنت دیرین، مشخص‌ترین مسئولیت خانواده در قبال زیست و رفاه فرزندان در تأمین خوراک و پوشاک، مسکن، بهداشت و تربیت خلاصه شده است. و اگر چه در تربیت فرزندان گروه‌ها و عوامل اجتماعی زیادی تأثیر می‌گذارند، اما غالباً خانواده در این زمینه به منزله‌ی با نفوذترین عامل به شمار می‌رود.

در خانواده والدین به عنوان اصلی‌ترین عضو آن باید در تربیت دینی کودکان تلاش کنند تا متربی از سر شوق و اشتیاق به تجارب درونی دست یابد، به نحوی که خود بتواند از فطرت خدا جویی خویش را کشف کند و تجربه را به طور حضوری مشاهده نماید.

در کانون خانواده است که گرایش دینی افراد تقویت می‌شود و خمیر مایه‌ی شخصیت مذهبی در آنان تکریم می‌یابد، پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - می‌فرمایند:

«هر نوزادی به فطرت متولد می‌شود، آنگاه پدر و مادر او را به یهودیت و نصرانیت گرایش می‌دهند و از راه فطرت منحرف می‌سازند.»

## اهمیت تربیت دینی در کانون گرم خانواده از دو جنبه قابل بررسی است:

الف- جنبه‌ی فردی: بزرگ‌ترین خدمتی که پدر و مادر می‌توانند نسبت به فرزندان انجام دهند این است که فردی خوش اخلاق و مهربان و انسان دوست، خیرخواه، درستکار و با ایمان و کارکن خدمتگذار پرورش دهند، فردی که هم در دنیا سعادت‌مند باشد و هم در آخرت چنین افرادی لایق مقام شامخ پدری هستند نه هرکس که بر اساس هوی و هوس فرزندی به وجود آورد و او را رها سازد. پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - می‌فرمایند:

«بهشت زیر پای مادران است.» این بدان معناست که پدری و مادری که واقعاً وظیفه خود را به جا آورده باشند نه اینکه فرزندی به دنیا آورده باشند و او را همانند گوساله رهايش کنند. آیا این کودک معصوم قبلاً از شما تقاضای وجود کرده که او را به وجود آورده و رهايش می‌سازید پس اکنون که این‌گونه نیست پس در تربیت او نیز کوشا باشیم

ب- جنبه‌ی اجتماعی: بعلاوه موارد بالا پدران و مادران در برابر اجتماع نیز مسئولند.

کودکان امروز زنان و مردان آینده خواهند بود و جامعه‌ی فردا از همین افراد تشکیل خواهد شد هر درسی که امروز فرا گرفته‌اند فردا پس خواهند داد. اگر تربیت درستی داشته باشند جامعه فردا جامعه سالمی خواهد بود. اگر کودکان امروز غلط تربیت شوند اجتماع آینده نیز فاسد خواهد بود کودکان امروز پدران و مادران فردا خواهند بود آنان هرچه را یاد بگیرند فردا پس خواهند داد.

پدران و مادرانی که فرزندان صالح پرورش دهند نه تنها به فرزندان خود و اجتماع کمک کرده‌اند، خودشان نیز از وجودشان در این جهان بهره‌مند خواهند بود، بنابراین کسانی که پدر و مادر می‌شوند بسیار مسئولیت سنگینی بر عهده دارند و در برابر خداوند و فرزندانشان مسئولند اگر درست انجام وظیفه کردند بزرگ‌ترین خدمت را به آنها کرده‌اند و اگر کوتاهی کردند هم خودشان و هم جامعه متضرر خواهد بود حال اهمیت موضوع تا حدودی برای خوانندگان مشخص شد. ابتدا به دو مقوله محتوای دینی و قالب دینی می‌پردازیم قالب دینی همان پوشش و حجاب دینی است که هر خانواده دیندار موظف به رعایت آن در خانواده جهت تربیت فرزندان خویش می‌باشند و محتوای دینی نیز آن است که فرد فرائض دینی از قبیل نماز، روزه، و... را کاملاً انجام دهند تا کودک خانواده نیز از آن الگو برداری کند.

## تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی را باید هجوم و یورش و تجاوز بیگانگان به حریم فرهنگ یک جامعه دانست که اجازه و خواست آن جامعه به آن تعلق نگرفته است اعم از اینکه این تهاجم به همه ابعاد و زمینه‌های فرهنگی آن جامعه یا به برخی از آن‌ها صورت بگیرد و اعم از اینکه این یورش توسط ابزار فرهنگی باشد و یا در آن از سایر ابزارها که جنبه‌ی فرهنگی صرف نیز دارند، استفاده شود و حتی اعم از این که تهاجم فرهنگی به قصد ویران کردن فرهنگ یک جامعه و بیگانه نمودن مردم آن جامعه از فرهنگ خودی آن‌ها باشد و این که مقصود جایگزین کردن فرهنگ مهاجمین به جای فرهنگ بومی آن‌ها نباشد. خلاصه در تهاجم فرهنگی، تهاجم به فرهنگ مطرح است نه تهاجم یک فرهنگ.

ما باید تهاجم فرهنگی را از آن جهت که به فرهنگ ما یورش ناجوانمردانه صورت گرفته، بررسی کنیم و طبیعتاً راه‌های مقابله را قوام و دوام بخشیدن به فرهنگ خود بدانیم و البته اگر یک فرهنگ همچون فرهنگ جامعه ما ریشه در فطرت انسان‌ها داشته باشد. چنان که دین حق یعنی اسلام دین فطری انسان‌ها چنین است، برای تهاجم به آن باید از طبیعت متوحش و هر آن چه که آن را تقویت می‌کند استفاده گردد، زیرا این طبع و نفس آدمی است که قدرت مقابله با فطرت وی را داشته و عمدتاً با تقویت طبیعت حیوانی و گرایش‌های پست جسمانی است که به سرکوب فطرت می‌پردازد.

ضربه زدن بر فرهنگ ما به نحوی که باشد برای ما تهاجم به فرهنگ است و لزوماً نیاز نیست که یک فرهنگ متصدی این کار شود و یا این که فرهنگی جایگزین فرهنگ ما شده و بر مردم ما تحمیل شود. خالی کردن ما از هویت فرهنگی و هر گونه مزاحمت برای فرهنگ ما تهاجم به فرهنگ ماست.

## تهاجم فرهنگی و خانواده

بی تردید طراحان برنامه‌های مدرن تهاجم فرهنگی اطلاعات و خطمشی‌های اصلی خود را از سازمان‌ها و اطلاعات و جاسوسی کشورهایی می‌گیرند که قصد فرماندهی بر کل دنیا را دارند. تحقیقات نشان می‌دهد در سازمان سیا، شاخه‌ای تخصصی و متمرکز برای مطالعه و برنامه‌ریزی ضد فرهنگی علیه ایران یا یک فکر ویژه تشکیل شده و بودجه‌ی مالی آن از ۲۵۰۰۰۰۰۰ دلار در سال قبل به ۷۵۰۰۰۰۰۰ دلار در سال جاری افزایش یافته است، این یعنی افزایش تهاجم تا حد سه برابر. مهم‌ترین هدف مبارزه فکری و روانی دشمنان نظام، سرمایه‌های اصلی کشور یعنی جوانان است و در این بین جوانان برای آنان دارای اهمیت و برنامه‌ریزی ویژه است چرا که: جوانی به واسطه ویژگی‌های نشاط و بالندگی، نوخواهی، سرکشی، ناپختگی فکری محلی مستعد برای تاخت و تاز شبهات و اندیشه‌های جدید و پر زرق و برق است. جوانان به واسطه زندگی در خانواده‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا تخریب و منحرف کردن یک جوان در یک خانواده، یعنی تخریب و کاهش قدرت آن خانواده. بررسی‌ها نشان می‌دهد مواد روان گردان و مخدر برای جوانان و نوجوانان به شیوه‌ای راحت و با قیمت ارزان تر ارائه می‌شود به نظر شما احاطه و تسلط فکری بر جوانان اهمیت بیشتری دارد یا بزرگ سالان و سالخوردگان؟ البته هر یک جایگاه ویژه خود را دارد. منحرف ساختن جوانان این خانواده‌ها زمینه برای دغدغه‌های بزرگ خانواده و ایجاد عدم تمرکز فکری و روانی برای والدین نظامی می‌گردد.

## ساختار پذیرش تهاجم در خانواده‌ها و انواع آن‌ها

### ۱- خانواده‌های فعال

در این خانواده درونی کردن هنجارهای اجتماعی و دینی روال معمول و منطقی خود را داشته و والدین ضمن مشارکت در زندگی جمعی و پاسخ به مسائل فکری فرزندان هم زمان به افزایش اطلاعات مورد نیاز و تعامل منطقی با فرزندان به ویژه جوانان خود می‌پردازند. استعمارگران فرهنگی برای ورود به این خانواده‌ها دچار مشکل جدی است چرا که مأمّن اسرار جوانان این خانواده‌ها والدین هستند و محیط خانواده به شکلی است که آن‌ها برای طرح مسائل ذهنی و فکری و عقیدتی خود مشکل خاصی ندارند. بنابراین در حافظه آن‌ها نقاط مجهول وجود ندارد تا توسط ابزار تهاجم فرهنگی به نادرست معلوم گردد.

## ۲- خانواده‌های منفعل

در این خانواده به دلیل اشتباه گرفتن وظایف و کارکردهای اصلی خانواده و هدف‌نهایی کار و تلاش از تأمین پوشاک و خوراک به جای تأمین روحی و روانی فرزندان شکافی محسوس بین والدین و فرزندان به وجود می‌آید. عمدتاً در این خانواده‌ها فرصت مناسبی برای گفت و شنود خانوادگی پیدا نمی‌شود و ارتباط آن‌ها موزاییکی است. والدین به تصور برآوردن نیازهای اصلی فرزندان بیشتر به فکر لباس، غذا، تفریح و تحصیلات آن‌ها هستند و کمتر به اصلی‌ترین وظیفه خود یعنی همبستگی روانی با فرزندان و آموزش معنوی آن‌ها توجه دارند. چه بسا در این میان ابتدا والدین تحت تأثیر ابزارهای تهاجم فرهنگی قرار گرفته و سپس فرزندان مبتلا می‌شوند و در صورت ابتلای آن‌ها راه حل منطقی و مناسبی برای برون‌آوردن بحران در پیش گرفته نمی‌شود. مشکلات اقتصادی و خواسته‌های پایان‌ناپذیر خانواده‌ها نیز ناکجاآبادی را پیش روی این خانواده‌ها می‌سازد که با سرعت به سمت انتهای آن که یأس و ناامیدی است سرازیر می‌شوند. در بسیاری از موارد این افراد احساس می‌کنند که هر مشکل و مسئله خاصی آن‌ها را تهدید نمی‌کند

و در یک امنیت کامل به سر می‌برند. بنابراین به فکر راه حل آن مشکل نخواهند بود. لذا اولین راه حل برای مواجهه با مشکل یافتن مسئله است. دقت کنیم راه نهایی برای حل مسئله پاک کردن صورت مسئله نیست.

با توجه به ساختار فرهنگی - مذهبی جامعه ما، نیاز به تقسیم بندی دیگری احساس

می‌شود:

### **- خانواده سنتی**

که تأکید ویژه آن بر سنت‌ها و رسوم غالب حاکم بر جامعه اعم از دینی یا ملی است. این دسته به دو گروه قابل تقسیم است.

### **الف - متعصب**

این خانواده‌ها به شرایط زمانی توجهی نداشته و آن چیزی که در گذشته آموخته‌اند و یا با جنبه‌های سنتی آن‌ها هم‌خوانی دارد را معیار اصلی انتخاب‌های بعدی خود و دیگران می‌دانند و در این راه انعطافی از خود نشان نمی‌دهند.

### **ب - منعطف**

این خانواده با وجود آنکه وجه پیروی از سنت‌ها در آن‌ها بسیار قوی است اما تا حدودی سعی می‌کنند تا در برابر شرایط از خود انعطاف نشان دهند. در نتیجه با فرزندان بسته به اقتضای زمانه همگام می‌شوند.



## – خانواده روشنفکر

که این دسته از خانواده برخلاف دسته پیشین تأکید عمده خود را بر عقل و معیارهای عقلانی و منطقی نهاده و در برابر غالب مسائل جدید سعی دارند تا از عقل و معیارهای عقلانی خود بهره ببرند.

آنچه مسلم است. این است که دشمن، تهاجم خود را از جبهه‌ی فرهنگی شروع کرده و در حال گسترش است. اگر اقدام شایسته صورت نگیرد، قطعاً این غده‌ی سرطانی به تمام پیکره‌ی ایران اسلامی سرایت می‌کند و این دود سیاه که از شعله‌های آتش خانمان‌سوز فرهنگ برخاسته همه جا گسترش می‌یابد و با سایه شوم خود مانع از تجلی نور فرهنگ انقلابی اسلامی خواهد شد. لذا همان‌گونه که هنگام تهاجم نظامی خود را آماده‌ی دفاع و فداکاری می‌کنیم. در جبهه‌ی فرهنگی هم باید با تمام امکانات به دفاع و دفع دشمن بپردازیم و گر نه سنگرها را یکی بعد از دیگری از دست خواهیم داد و زمانی به خود می‌آییم که کار از کار گذشته است از این رو در این قسمت به بعضی از راه‌های مبارزه با تهاجم فرهنگی اشاره می‌کنیم:

۱- تألیف کتاب‌های مفید: چون که دشمن از مرزهای فرهنگی حمله کرده باید با سلاح فرهنگ با او مقابله کنیم. تألیف کتاب‌های مفید و مورد نیاز جوانان با نظر به مسائل روز و سبک نوین می‌تواند مفید و سازنده باشد، همان‌گونه که مرحوم شهید مطهری - رحمه الله علیه - در جبهه‌ی فرهنگی برای دفاع از فرهنگ اصیل اسلامی به چنین کاری دست زدند. ایشان کتاب «نظام حقوق زن در اسلام» را نوشتن. آنگاه که عده‌ای برای رسیدن به اهداف حیوانی خویش، حجاب را مانع آزادی و فعالیت زن می‌دانستند و جاهلان منکر ضرورت حجاب از نظر قرآن می‌شد، ایشان کتاب «مسئله حجاب» را تألیف کردند.

۲- نظارت عمومی: دومین راه مقابله با تهاجم فرهنگی، نظارت عمومی است که دین آن را « امر به معروف و نهی از منکر» نامیده است. قطعاً اگر جامعه‌ای در برابر منکرها و ترویج بیگانه حساس باشد و با مشاهده نابساماری‌ها تذکرها را لازم را به افراد ناآگاه بدهد می‌تواند نقش بسیار مهمی در رفع تهاجم‌های فرهنگی داشته باشد. البته این کار چون از اهمیت بسزایی برخوردار است کسانی که امر به معروف یا نهی از منکر می‌کنند باید صد در صد با سعه‌ی صدر و روش پسندیده به چنین کاری بپردازند.

۳- تشکیل جلسات مذهبی: تشکیل جلسات مذهبی در مساجد، پایگاه‌های مقاومت و تکایا و آشنا کردن جوانان با قرآن، معارف اسلامی، تاریخ انبیا و امامان برگزاری مجالس سوگواری و میلاد، سخنرانی و خطابه‌های مذهبی، بیان تفسیر و معانی قرآن، اعتقادات و جهان بینی‌ها می‌تواند عامل مهمی در مقابل با تهاجم فرهنگی به حساب آید زیرا عامل گرایش بسیاری از جوانان به آداب و فرهنگ غربی و بیگانه، نداشتن آشنایی با تعلیمات و معارف اسلامی با نظر به نیازمندی‌های زمان و مسائل مورد نیاز جوانان با سبک زیبا و دل‌پذیر و استدلالی تدریس می‌شود و به صورت سؤال‌ها و مسابقه‌های فرهنگی - مذهبی طرح و بیان شود، قطعاً نقش مهمی در گرایش جوانان به ارزش‌های اسلامی و فاصله گرفتن آنان از ارزش‌های غربی دارد.

۴- استفاده از فیلم و تئاتر: از دیگر راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی استفاده از هنر مخصوصاً فیلم و تئاتر است. هنر همان گونه که می‌تواند در خدمت فرهنگ بیگانه و عامل انحطاط جوانان باشد، می‌تواند در مسیر الهی در خدمت نسل جوان قرار گیرد. از این رو ما از هنرمندان عزیز می‌خواهیم سعی کنند فیلم‌هایی بسازند و صحنه‌هایی به نمایش در آورند که جنبه‌ی مذهبی و اخلاقی و ارزشی و فرهنگی داشته باشد و روح تعهد در انسان‌ها بدمد.

با فیلم و تئاتر می‌توان تاریخ اسلامی و زندگانی پیشوایان مذهبی و تاریخ شخصیت‌های انقلابی و جانبازی‌های شهدا و رزمندگان و الگوهای برجسته فرهنگی را به نمایش در آورد و نسل جوان را با فرهنگ خودی آشنا ساخت و به آنان آموخت که :

آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم یار در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم.

۵- توجه به مسجد و نماز: از آن جا که نماز نقش بسیار مهمی در دوری انسان از فساد و تباهی دارد می‌تواند یکی از راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی به حساب آید. قطعاً اگر جوانان ما با مسجد و نماز انس بگیرند و لذت ارتباط با خدا و عالم غیب را درک کنند، هیچ‌گاه حاضر نمی‌شوند خود را به لذت‌های حرام آلوده نمایند.

نهان انسان را می‌سازد، روح را تزکیه می‌کند، قیامت منکرها را آن گونه که هست به آدمی نشان می‌دهد، موجب ریزش باران رحمت و هدایت بر سرزمین روح می‌گردد، آدمی را از فساد و زشتی‌ها باز می‌دارد، نقشه‌های شیطان را نقش بر آب می‌کند و انسان را بر هواهای نفسانی مسلط می‌نماید.